



نقدنامه

زبان شناسی و زبان های خارجی (۵)

به کوشش

(استاد دانشگاه تهران)

دکتر جان اله کریمی مطهر

(استادیار سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی)

دکتر احمد رمضانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
شورای عالی پژوهش و کتابخانه ملی
گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

نقدنامه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی (۵)

به کوشش دکتر جان‌اله کریمی مطهر، دکتر احمد رمضانی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

دبیر علمی مجموعه نقدنامه‌ها: دکتر جان‌اله کریمی مطهر

سرپرستار: سیداحمد عسکری

مسئول اجرایی: حسین مقیسه

صفحه‌آرا و طراح جلد: ابوالفضل توکلی شان‌دیز

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: کریمی مطهر، جان‌اله، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: نقدنامه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی (۵) // به کوشش جان ا... کریمی مطهر، احمد رمضانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: و، ۱۳۸ ص.

شابک: 978-964-426-866-3

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

شناسه افزوده: رمضانی، احمد، ۱۳۵۹ -

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موضوع: زبان -- کتاب‌های نقدشده

موضوع: زبان‌شناسی -- کتاب‌های نقدشده

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۶۷ن/ک۴ Z۶۲۶۵

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۸۰۳۲۶

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۹	مقدمه
۱۳	نقد و بررسی کتب
۱۵	حالت در زبان روسی، قواعد و کاربرد
۱۹	اطلس زبان‌ها
۲۱	انگلیسی برای دانشجویان رشته ریاضی
۲۷	تاریخ سیاسی روسیه معاصر
۴۱	تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان
۴۹	نظریه و روش در تحلیل گفتمان
۵۷	نقصان معنا
۵۹	روایت فلسفی روایت
۶۳	انگلیسی برای دانشجویان برنامه‌ریزی درسی
۶۷	آموزش نوین زبان روسی
۷۱	از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری
۷۵	اصول و روش نامه‌نگاری به زبان روسی
۷۷	الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین
۸۱	فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی

۸۳	 بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی
۸۵	 تاریخ ادبیات روس
۸۹	 دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی
۹۳	 میخائیل لرمانتف و مشرق‌زمین
۹۷	 اصطلاحات و تعبیرات زبان روسی
۱۰۰	 مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان
۱۰۸	 تاریخ ادبیات آلمان
۱۱۲	 دستور کامل و آموزش زبان اردو برای فارسی‌زبانان
۱۱۴	 زبان‌شناسی فرانسه
۱۱۷	 زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون
۱۲۲	 مقاله‌نویسی
۱۲۶	 آزمون‌سازی زبان: از نظریه تا کاربرد
۱۲۸	 آمار و روش‌های پژوهش در زبان‌شناسی کاربردی
۱۳۰	 رویکرد ارتباطی در آموزش زبان
۱۳۵	 فهرست داوران
۱۳۷	 فهرست کتب نقد شده

پیش‌گفتار

نقد کتب دانشگاهی و علوم انسانی یک ضرورت است که مقدمه گذار از وضع موجود به‌سوی وضع مطلوب است. نقد فی‌نفسه ضروری و ارزشمند است، اما خود زمینه‌ساز نظریه‌پردازی‌های نوین و نگارش آثار جدید است. نقد محتوایی هر اندیشه و اثری با نقد شکلی آن همراه است. به همین دلیل در گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، بررسی، تحلیل و نقد آثار دانشگاهی از دو بعد شکلی و محتوایی صورت می‌گیرد و داوری علمی این آثار، مؤلفه‌های گوناگون شکلی / بیرونی و محتوایی / درونی هر کتابی را در نظر می‌گیرند و به‌بوته نقد علمی می‌نهند.

درواقع شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، تنها مجموعه علمی و دانشگاهی است که سیزده گروه علمی و تخصصی را که ناظر بر رشته‌های مختلف علوم انسانی در دانشگاه است، سامان‌دهی می‌کند و بیش از بیست سال سابقه فعالیت در زمینه بررسی، تحلیل، ارزیابی و نقد متون و کتب علوم انسانی را دارد. در این راستا از مشارکت شبکه پویای استادان حوزوی و دانشگاهی سراسر کشور و صاحب‌نظران و استادان علوم انسانی بهره‌مند است.

سیاست اصلی این شورا، کمک به رشد تفکر انتقادی در تولید آثار علمی و دانشگاهی است؛ زیرا تولید علم در حوزه علوم انسانی بدون نقد وضعیت موجود و به‌ویژه نقد کتب درسی و دانشگاهی و منابع علمی حوزه علوم انسانی امکان‌پذیر نیست. توسعه فرهنگ نقد در جامعه علمی، تقویت جایگاه علوم انسانی، نسبیّت‌سنجی سازواری تولید علوم انسانی با مبانی فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی، تدوین و اصلاح سرفصل‌های درسی و برنامه‌های آموزش علوم انسانی و تولید متون دانشگاهی با رویکرد بومی ایرانی - اسلامی، از دیگر اهداف این شورا است.

هریک از گروه‌های تخصصی شورا، وظایف و برنامه‌های متنوعی را در جهت نیل به اهداف پیگیری می‌کنند. در این میان، تنظیم و تدوین و چاپ و نشر نقدنامه‌های تخصصی در حوزه‌های تخصصی، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های مزبور است که محصول فرایندی طولانی و کاری پرمحمت است؛ زیرا هر نقدنامه، خلاصه‌ای از جمع‌بندی نهایی داوری‌های علمی دربارهٔ یک کتاب را در برمی‌گیرد و محتوای آن در فرایند نقد متون فراهم می‌گردد؛ فرایندی که از برگزاری جلسات علمی گروه تا گزینش متن درسی و انتخاب داوران و ارسال فرم‌های داوری و گردآوری و جمع‌بندی نتایج کار، روندی زمان‌مند و متکی به کار گروهی است. به‌رغم تلاش در جهت کم‌کردن زمان کسب نتیجه و افزایش کیفیت علمی نقد و داوری آثار علوم انسانی، بازبینی و بازنویسی فرم‌های مربوطه و تأمین حدنصاب‌های لازم و رعایت ملاک‌های علمی کافی، فرایندی طاقت‌فرسا را به مدیران و دبیران گروه‌های تخصصی تحمیل می‌کند. باین‌حال همواره تلاش برای نیل به اهداف و کسب شرایط مطلوب و نتایج جامع ادامه داشته و دارد.

مجموعه حاضر با عنوان «نقدنامه گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی»، یکی از دستاوردهای علمی و محصولات کار انتقادی گروه‌های «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» است که در روند همکاری نزدیک سه حلقه «شورای مرکزی»، «گروه تخصصی» و «دبیرخانه شورا» حاصل شده است.

همکاری و همفکری همهٔ اندیشمندان، صاحب‌نظران، استادان، پژوهشگران و نویسندگان محترم حوزه‌های گوناگون تخصصی علوم انسانی می‌تواند ما را در نیل به اهداف متعالی علوم انسانی و تأمین شرایط مناسب و کیفیت مطلوب آثار علمی و دانشگاهی یاری رساند. تلاش‌های ارزشمند جناب آقای دکتر کریمی‌مطهر، رییس محترم گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی و دبیر محترم گروه، جناب آقای دکتر احمد رضانی، در تدوین این اثر را ارج می‌نهم و برای آنها توفیق روزافزون را مسئلت می‌نمایم.

دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

مقدمه

گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی به‌صورت رسمی از تاریخ ۷۵/۱۰/۲۰ با حضور نه تن از استادان صاحب‌نظر شروع به فعالیت کرد. در طول این سال‌های گذشته تلاش شد گروه به‌عنوان یک مرجع نقد کتب آموزشی و پژوهشی رشته‌های مختلف زبان‌های خارجی در سطح دانشگاه‌های کشور معرفی شود و به‌صورت علمی، تازه‌های نشر این حوزه را نقد و بررسی کند. همیشه تلاش شد این فکر در سطح جامعه علمی و دانشگاهی کشور القا شود که مرجعی در سطح کشور وجود دارد که کتاب‌های مختلف حوزه زبان‌شناسی، زبان و ادبیات خارجی را بلافاصله نقد و بررسی می‌کند.

گروه، برای رسیدن به اهداف خود به نقد و بررسی کتاب‌هایی پرداخته که در دانشگاه‌های کشور به‌عنوان منابع اصلی و فرعی درس‌ها معرفی و تدریس می‌شود. در این نقد و بررسی‌ها به‌طور کلی داوران کوشیده‌اند با در نظر داشتن معیارهای مندرج در فرم‌های تهیه‌شده از سوی شورا، درباره کتاب‌ها اظهارنظر کنند و در معرفی بهترین منابع برای تدریس در دانشگاه‌ها، برخوردار بودن مآخذ از ملاک‌های زیر را لحاظ کنند و آنها را از نویسنده کتاب انتظار داشته باشند:

۱. تناسب حجم کتاب با تعداد واحد درس معین؛
۲. هماهنگ‌بودن عناوین کتاب با محتوای آن و رعایت قواعد زبان فارسی و نکات بلاغی و کاربرد صحیح شیوه‌های نقلی، توصیفی، برهانی و تحلیلی در تدوین کتاب و در تناسب با موضوع آن؛
۳. به‌روز بودن و غنای مطالب کتاب و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری در حوزه مربوطه؛

۴. استفاده از اصطلاحات تخصصی مناسب و معادل‌های مقبول در حوزه تخصصی اثر؛
 ۵. تناسب محتوایی اثر با تعداد واحدهای درس معین؛
 ۶. استفاده نویسنده از منابع متعدد و معتبر و روزآمد از حیث علمی و رعایت تسلسل و انسجام منطقی مطالب در کل متن؛
 ۷. مطمح نظر قراردادن اصول اخلاقی و مغایرنبودن آثار با ارزش‌های اسلامی، ایرانی و بومی؛
 ۸. رعایت سایر نکات فنی و ویرایشی که از سوی شورای بررسی متون در فرم‌هایی برای نظرخواهی از صاحب‌نظران، تدوین شده تا کتاب‌های موجود را نقد و بررسی و بر اساس ضوابط علمی، محاسن و معایب آثار را تدوین کنند.
- بر اساس شیوه‌نامه مصوب شورای بررسی متون، داوری هر کتاب برای دو تن از اعضای صاحب‌نظر هیئت علمی دانشگاه‌ها یا مؤسسات طراز اول تحقیقاتی سراسر کشور ارسال می‌شود. برای انتخاب داوران نیز معیارهایی چون صاحب‌نظر بودن در حوزه آن کتاب و تدریس درس در رابطه با کتاب مطمح نظر بوده است. فرم‌های داوری را دو نفر دیگر به‌عنوان بازبین ملاحظه و نتیجه داوری‌ها را در قالب فرم‌های بازبینی برای طرح در جلسه گروه عرضه می‌کنند. پس از آن، گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی که متشکل از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مختلف است، نظر خود را به‌صورت نهایی درباره کتاب اعلام می‌کنند.
- در طول هفده سال گذشته، حدود ۱۲۰ نفر از اساتید برجسته زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه‌های مختلف کشور به‌عنوان اعضا و داوران این گروه همکاری داشته‌اند و حاصل این همکاری بررسی و نقد ۱۵۸ کتاب است. همچنین گروه در طول این مدت، ده عنوان کتاب تألیف و هفده نشست تخصصی برگزار کرده است. برای استفاده بهتر از دیدگاه‌های داوران محترم گروه، مقرر شد داوری‌های اساتید محترم در قالب نقدنامه‌های تخصصی چاپ شود و مورد بهره‌برداری گسترده صاحب‌نظران و علاقه‌مندان این حوزه قرار گیرد. در این نقدنامه، کتاب‌هایی درباره زبان‌شناسی، زبان انگلیسی، زبان و ادبیات روسی، زبان و ادبیات اردو، زبان و ادبیات فرانسه، زبان و ادبیات آلمانی و... نقد و بررسی شده است.

مجموعه حاضر، حاصل این تعاملات فکری است که ضمن قدردانی از تمام عزیزانی که در راستای برآوردن این هدف، گروه را یاری نموده و حاصل اندیشه و تلاش خود را در اختیار علاقه‌مندان اعم از اساتید، دانشجویان و... نهادند، تقدیم می‌شود. همچنین حمایت‌های مستمر جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، ریاست محترم شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، درخور تشکر و سپاس فراوان است. همچنین از دبیر محترم گروه، جناب آقای دکتر احمد رمضانی سپاسگزاریم.

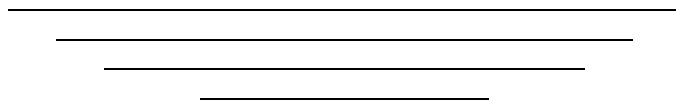
لازم به ذکر است اگر نویسندگان کتاب‌های نقد و بررسی شده، توضیح و یا پاسخی درباره نقدهای چاپ‌شده داشته باشند، در شماره‌های بعدی نقدنامه‌های گروه به چاپ خواهد رسید. در ضمن گروه آمادگی دارد جلسات نقد را با حضور نویسندگان یا مترجمان و داوران محترم و با دعوت از علاقه‌مندان این حوزه برگزار کند. امید است خوانندگان محترم این مجموعه، پس از مطالعه آن، نظر و پیشنهاد خود را برای پربارتر شدن نقدهای این گروه به نشانی دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ارسال فرمایند. گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی مشتاقانه پذیرای نقدها و پیشنهادهای همه همکاران و خوانندگان عزیز خواهد بود.

جان‌اله کریمی مطهر

رییس گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

نقد و بررسی کتب



حالت در زبان روسی، قواعد و کاربرد

سید حسن زهرایی و مارینا یوریونا سیدورووا. تهران و مسکو: سمت و دانشکده فیلولوژی دانشگاه دولتی مسکو، ۱۳۹۰. چاپ اول، ۶۱۴ صفحه.

کتاب «حالت در زبان روسی، قواعد و کاربرد» برای درس‌های گرامر در رشته زبان روسی در دوره کارشناسی مناسب است. همچنین می‌توان از آن برای درس‌های دوره مقدماتی، ساختار جملات روسی، کاربرد اعداد روسی و کاربرد ضمیر روسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع فرعی استفاده کرد.

۱- بررسی شکلی اثر

- بهتر بود اندازه حروف کوچک‌تر باشد.
- حاشیه بالا، پایین، چپ و راست رعایت نشده است (مانند صفحه ۱۶۱).
- طرح جلد با محتوای کتاب به عنوان یک اثر دانشگاهی همخوانی دارد.
- نویسندگان، قواعد عمومی نگارش را رعایت کرده‌اند و نیاز به ویرایش مجدد نیست.
- اثر دارای پیشگفتار، مقدمه کلی، فهرست تفصیلی مطالب است و در متن از جدول نیز استفاده شده است. هدف از تألیف کتاب نیز در مقدمه تصریح شده است.
- تمرین و آزمون برای مطالب کتاب در نظر گرفته شده است. جمع‌بندی در انتهای هر فصل و فهرست منابع و کتاب‌شناسی در پایان کتاب آمده است.
- بحث‌های مقدماتی، جمع‌بندی‌ها، تمرین‌ها و جداول مناسب هستند. وجود تصاویر در برخی از موارد به فهم مطالب می‌توانست کمک کند. نبود راهنمای اصطلاحات تخصصی به کاررفته در کتاب با ذکر ترجمه فارسی آنها در واژه‌نامه، یکی از نقاط ضعف این اثر است.

۲- بررسی محتوای اثر

- حالت، یکی از پرکاربردترین مقوله‌های دستوری مربوط به اسم است. در این کتاب،

مباحث آموزشی هفت حالت در دستور زبان روسی به صورت تلفیقی از مباحث نظری و توصیه‌های آموزشی آمده است و برای تفهیم موضوع از تمرین‌ها و جدول‌های مختلف استفاده شده است.

- کتاب به زبان روسی نوشته شده و به جز چند تمرین مختصر، توضیحات و تمرینات همه به زبان روسی است و هیچ‌گونه معادل‌سازی در آن به چشم نمی‌خورد. با توجه به مفاهیم سخت و پیچیده حالات در زبان روسی، نویسندگان باید آنها را به فارسی ترجمه می‌کردند.
- حالات هفت‌گانه، اصلی‌ترین مبحث برای یادگیری دستور زبان روسی است، اما متأسفانه توضیحات و مباحث نظری و تمرینات کتاب برای دانشجویان بسیار سخت و در عمل غیر قابل استفاده است.
- موضوع حالات گرامری، به دانشجویان سال‌های اول به‌ویژه دانشجویان پیش‌دانشگاهی زبان روسی آموزش داده می‌شود و متن کتاب بیشتر برای روسی‌زبان‌ها مناسب است تا دانشجویان ایرانی زبان روسی.
- عنوان کتاب با آخرین سرفصل وزارت علوم برای رشته زبان روسی انطباق دارد.
- محتوای اثر با عنوانش هم‌خوانی دارد، ولی به دلیل توضیحات کاملاً روسی آن، بیشتر برای روسی‌زبانان قابل استفاده است تا برای دانشجویان ایرانی.
- در کتاب، عبارات و متون مرتبط با آثار مکتوب و ادبی روسی آمده که در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مطبوعاتی کاربرد دارد. برخی از متون نام‌برده شده از منابع جدید و به‌روز است.
- پیش از این نیز اساتید و متخصصان مسلط به زبان روسی به مبحث حالت در زبان روسی پرداخته‌اند و کتاب‌هایی نیز در این زمینه چاپ شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان از کتاب دوجلدی «دستور زبان روسی» تألیف حسین لسانی نام برد که سال‌ها کاربرد عملی برای دانشجویان و اساتید داشته است. بهتر بود نویسندگان محترم با زبانی ساده‌تر یا در قالب ترجمه، اثری را در این زمینه تدوین می‌کردند.
- برای تدوین کتاب، نویسندگان از ادبیات علمی روز و ساختار علمی جدید استفاده

- کرده‌اند و سبک خاصی را برای ارائه مطالب در پیش گرفته‌اند.
- در تمام کتاب، نظم رعایت شده است. کتاب از هفت فصل تشکیل شده است. در پنج فصل آن، فرم‌های صرفی و معانی مربوط به هر یک از حالات ارائه شده است. به‌علاوه قواعد کلی و مباحث نظری مربوط به آنها و توضیحات تکمیلی در کادری جداگانه آمده و عناوین جداگانه به نتیجه مربوط به خود متصل شده است.
- منابع یادشده همه معتبرند. کتاب‌های پولکینا، روزنتال، خاورونینا و بسیاری دیگر، اعتبار علمی بالایی دارند که در طول سال‌ها به‌عنوان کتب جامع آموزش گرامر روسی همواره مورد استفاده قرار گرفته‌اند. منابع الکترونیکی آمده نیز بیشتر مربوط به متن‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مطبوعاتی داخل کتاب بوده و معتبر هستند.
- مطالب داخل کتاب گاه برگرفته از منابع یادشده هستند و به‌نوعی نویسندگان عین مطالب منابع را وارد کتاب کرده‌اند. در هیچ‌جایی از کتاب، استنادات و ارجاعات مشاهده نشده است. ظاهراً نویسندگان سعی کرده‌اند با بهره‌گیری کلی از منابع اشاره‌شده در کتاب‌نامه، اثری را به خوانندگان خود ارائه کنند.
- کتاب، رویکرد آموزشی دارد و فاقد نقد و بررسی است.

کاستی‌ها

- بنا بر اظهار نویسنده در مقدمه، کتاب حاضر برای فارسی‌زبانانی که زبان روسی را در مراحل مقدماتی، متوسط و پیشرفته یاد می‌گیرند نگاشته شده است. انتظار کلی در مواردی که نویسندگان اقدام به تألیف یک کتاب آموزشی برای استفاده فارسی‌زبانان می‌نمایند، این است که متن، توضیحاتی به فارسی داشته باشد. همان‌گونه که نویسنده به‌درستی در پیشگفتار اشاره کرده است، «حالت یکی از پرکاربردترین مقوله‌های دستوری در زبان روسی است». کتاب حاضر با هدف آموزش مقوله دستوری حالت به زبان‌آموزان فارسی‌زبان تدوین شده است. چگونه می‌توان پذیرفت زبان‌آموزانی که تازه در حال فراگرفتن یکی از اساسی‌ترین مقوله‌های دستوری هستند، بتوانند یک

کتاب تخصصی بالغ بر شش صد صفحه را به زبان روسی بخوانند و بفهمند. به‌راستی آیا زبان‌آموز فارسی‌زبان به‌راحتی و بدون کمک هیچ مترجم و یا مربی و استادی می‌تواند کتاب مورد نظر را مطالعه کند و بفهمد، اما درعین حال هنوز مقولۀ دستوری حالت در زبان روسی را یاد نگرفته باشد؟! به نظر می‌رسد آن‌دسته از فارسی‌زبانانی می‌توانند کتاب مورد نظر را به‌راحتی بخوانند و بفهمند که نه‌تنها مقولۀ دستوری حالت، بلکه سایر مقولات دستوری زبان روسی را به‌طور کامل بدانند و یا به‌عبارتی بر کل ساختار صرفی - نحوی زبان روسی احاطه داشته و ذخیرۀ واژگانی بالایی نیز داشته باشند. از میان بیش از شش صد صفحۀ کتاب، تنها پیشگفتار و ۲۲۱ جمله کوتاه به‌عنوان تمرین به زبان فارسی نوشته شده است. بر همین اساس گمان می‌شود کتاب «حالت در زبان روسی» برای کسانی بتواند مفید باشد که توانایی درک آن را داشته باشند. نویسندۀ در توضیح مباحث ناگزیر از استفاده از اصطلاحات تخصصی زبان‌شناسی روسی بوده است و به علت نبود فرهنگ دوزبانۀ تخصصی زبان‌شناسی، فهم آن سخت‌تر نیز شده است.

پیشنهادهای

- توضیحات متن برای دانشجویان فارسی‌زبان ساده‌تر شود.
- فرهنگ دوزبانۀ واژه‌ها و اصطلاحات افزوده شود.

اطلس زبان‌ها

برنارد کمري، استفان متيوس و ماريلا پولينسكي، ترجمه دكتور ارسلان گلفام و اكبر حسابي.
تهران: سمت، ۱۳۸۷. چاپ اول، ۲۱۳ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر چندان مطلوب نیست و مشکلاتی وجود دارد. فاصله خطوط در کل کتاب رعایت نشده است. برای نمونه، فاصله خطوط صفحات ۴ و ۵ را با صفحات دیگری از کتاب مقایسه کنید. صفحات زیادی از کتاب سفید است. در ارائه نمودارها، ظرافت و دقت لازم صورت نگرفته است. همچنین نمونه‌ها و مثال‌های کتاب هم به شیوه منظمی ارائه نشده است.
- صحافی اثر خوب است. اگر طرح جلد چیزی شبیه به نقشه زبانی بود بهتر بود، زیرا گستردگی موضوع را بیشتر نشان می‌داد.
- قواعد عمومی ویرایش و نگارش رعایت نشده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- از این کتاب می‌توان برای درس گویش‌شناسی به عنوان منبع فرعی استفاده کرد.
- بهتر بود عنوان فرعی کتاب نیز ترجمه می‌شد.
- فهرست به صورت کلی تنظیم شده است. بهتر بود که زیرعنوان‌ها نیز درج شوند.
- در اثر اصلی از نمودار، جدول، تصویر و نقشه استفاده شده است، در ترجمه هم این موارد دیده می‌شود.
- به طور کلی ترجمه اصطلاحات تخصصی خوب انجام شده است. با این همه، در متن کتاب با ترکیبی چون «کلمات عاریتی» (ص ۳۱) روبه‌رو می‌شویم که بی‌گمان برابر نهادهای بهتری برای آن وجود دارد. همچنین در صفحه ۵۸، واژه «ترکیک» را

- می‌بینیم که به‌جای واژه Turkic در متن اصلی آمده است که ترجمه خوبی نیست. همچنین افزودن واژه‌نامه‌های انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی پیشنهاد می‌شود. بهتر بود که معادل انگلیسی زبان‌های ناآشنا به صورت پانوش می‌آمد.
- در ترجمه، ویرایش، صفحه‌بندی، ارائه فهرست مطالب، شماره‌گذاری جدول‌ها و نمودارها، دقت کافی نشده است.
 - محتوای اثر با عنوان منطبق است و بسیاری از مباحث مربوط به زبان‌ها و گویش را پوشش داده است.
 - افزودن فهرست منابع، نمایه موضوعی و نام‌نامه، واژه‌نامه و پانوش برای برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و اسامی خاص پیشنهاد می‌شود.

انگلیسی برای دانشجویان رشته ریاضی

مهدی جعفرزاده و مجید میرمیران. تهران: سمت، ۱۳۸۹. چاپ اول، ۲۷۷ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف نگاری اثر خوب است، اما از سفیدخوانی به عنوان یکی از ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی برخوردار نیست.
- صحافی اثر خوب است.
- میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش خوب است.
- طرح روی جلد، مناسب موضوع است.

۲- بررسی محتوای اثر

- پس از بازبینی و اصلاح، از این کتاب می‌توان به عنوان اثر فرعی برای دانشجویان رشته ریاضی استفاده کرد. اما با توجه به اینکه تعداد واژگان تخصصی حوزه ریاضی کم است، برای دانشجویان ریاضی، منبعی کامل به حساب نمی‌آید.
- از جدول و تغییر فونت و تصویر و عکس برای متمایز کردن متن‌ها و تأکید به خوبی استفاده شده است.
- وجود بحث مقدماتی، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی در این کتاب ضرورتی ندارد. در برخی موارد برای آموزش سعی شده است از شکل استفاده شود، ولی میزان استفاده از آنها کم است. در صفحه ۶۸، مجموعه‌ها در ریاضیات را می‌توان با ارائه اشکال و نمودار، معنادارتر کرد.
- در چينش مطالب بهتر است در بخش پيش از خواندن تمرين ارائه نشود. مناسب‌تر این است که واژه‌ها مرور شود و یا حتی سؤال‌های کلی مرتبط با موضوع آن درس مطرح شود تا ذهن دانشجو فعال شود، ولی تمرین پُرکردن جاهای خالی پیش از

- شروع درس، چندان ترغیب‌کننده و جذاب نیست.
- در تمرین‌های پرکردن جای خالی، فهرست کردن واژه‌های راهنما به صورت عمودی در داخل کادر (کنار خطوط)، کمی گیج‌کننده است. شیوه معمول قراردادن واژه‌ها در بالای جمله‌ها به صورت افقی و در یک خط است.
- با توجه به نکته‌های گرامری و نگارشی فراوانی که در هر درس گنجانده شده است، بهتر بود که در بخش معرفی ریاضی‌دانان بزرگ در تمرین‌ها تنها یک شخص معرفی می‌شد. به این ترتیب کمی از حجم متن‌های جدید کم می‌شد. در حال حاضر در واقع در هر درس سه متن خوانداری گنجانده شده است.
- حجم مطالب برای درس زبان تخصصی زیاد است. نکات گرامری و واژه‌ها نیز تنوع زیادی دارد. در واقع گویی زبان عمومی و تخصصی با هم ارائه شده است، ولی در انتخاب نکات و دشواری مطالب گرامری، ترتیب مناسبی رعایت نشده است.
- کتاب، جامعیت لازم برای درس زبان تخصصی را ندارد.
- در این کتاب، معرفی ریاضی‌دانان و حوزه‌های ریاضی، امری بس پسندیده و مفید است؛ اما به عنوان منبعی برای آموزش ریاضی و آشناسازی آنها با اصطلاحات ریاضی کافی نیست. بار زبان عمومی کتاب خیلی بیشتر از زبان تخصصی است. دانشجویان ریاضی برای مطالعه کتب ریاضی به آشنایی با اصطلاحات در سطح بالاتری نیاز دارند.
- محتوا با عنوان منطبق است.
- روزآمدی داده‌ها در این اثر چندان ضرورتی ندارد. بسیاری از منابع معرفی‌شده اینترنتی را نمی‌توان بازیابی کرد.
- طرح یا ساختار علمی جدیدی دیده نمی‌شود. با توجه به اینکه در کتاب برخی از دانشمندان ریاضی معرفی شده‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که طرح یا ساختار علمی جدیدی ارائه شود. با این حال شیوه به کارگیری اطلاعات در بیان سؤال‌ها و تمرین‌ها، مفید و جالب است.
- در ارائه نکته‌های گرامری در بخش تمرین‌ها از قاعده و الگوی روشنی پیروی نشده

است. به این معنی که یک مبحث به طور کامل پوشش داده نمی شود. در درس اول درباره گروه اسمی صحبت شده است؛ در درس دوم درباره قید نشان دهنده قصد و نیت؛ در درس سوم درباره حروف ربط دوبرخی «either ... or» و در درس چهارم، فعل مجهول! اگر برای ارائه نکته های گرامری با توجه به آسانی و دشواری و مقوله هایشان الگوی خاصی در نظر گرفته می شود، نتیجه کار می تواند بهتر باشد.

- کتاب، نظم و انسجام دارد، اما به این دلیل که در ابتدای کتاب توضیحی درباره ساختار کتاب یا چگونگی استفاده از آن ارائه نشده است و در صفحه آرایی، عناوین مشابه در بخش های مختلف در صفحه مشخصی شروع نمی شوند، استفاده از کتاب کمی دشوار شده است.

- در صفحه ۱۵۶، تعریف چندجمله ای کاملاً اشتباه است.

- در صفحه ۱۵۷، معادلی که برای «converge» آورده شده، در اینجا صحیح نیست.

- در صفحه ۱۴۳ معادل «motion» در اینجا «behalf» نیست، بلکه به معنای «concept» است.

- در صفحه ۱۲۸ معادل «formulate» در اینجا «modeling» است، نه «خلق چیزی با دقت».

- در صفحه ۱۱۴ تعریفی که برای «differential calculus» آورده شده، تعریف نیست، بلکه یک کاربرد آن است و همین طور تعریفی که برای «calculus» آورده شده است.

- در صفحه ۶۹ معادل «Intersection» در اینجا اشتراک دو مجموعه است، نه نقطه تقاطع دو خط. همین طور معادل «complement» مشکل دارد.

- در صفحه ۱۰۹ معادل «extrapolate» صحیح نیست، زیرا برون یابی است و در مقابل آن، درون یابی داریم. بنابراین «حدس زدن» درست نیست.

- در صفحه ۹۸ معادل هایی که برای «domain» و «integers» آورده شده، اصلاً درست نیستند. همین طور تعریفی که برای «variable» آورده شده است (در ریاضی).

- در صفحه ۹۹ تعریفی که برای «expression» آورده شده، از نظر ریاضی صحیح نیست.

- در صفحه ۲۲۸ معادل «mutually exclusive event» دو پیشامد از هم جدا نیست، بلکه دو پیشامدی است که اشتراکی ندارند. یا «formal» در صفحه ۲۲۶ به معنای صوری و نمادین است که معنای دیگری برای آن بیان شده است.
- بسیاری از منابعی که متون از آنها گرفته شده‌اند یا قابل دسترس نیستند (صفحه ۱۴۰) یا تغییر زیادی یافته‌اند. برای مثال منبع ذکرشده در صفحه ۱۱۷ به آدرس اینترنتی www.iis.ru.ac.th/syllabus/MA113.pdf همان‌گونه که از نامش مشخص است برنامه یکی از دروس را نشان می‌دهد و در صورت مراجعه به این آدرس می‌بینیم که متن کاملاً عوض شده است.
- منابع متون استخراج‌شده، ذکر شده است، اما مشخص نیست که آیا تمرین‌ها هم از منبع دیگری اخذشده‌اند و یا اینکه نویسندگان، آنها را تهیه کرده‌اند (می‌توان در مقدمه ذکر کرد).
- در مواردی در بخش نکته گرامری، شیوه ارائه مطلب رسا نیست و کمی گیج‌کننده است. قرار دادن بخشی از مطالب در جدول و یا بولد کردن مطالب، در مواردی به جای کمک به درک مطلب، گمراه‌کننده است؛ به عنوان نمونه نگاه کنید به انتهای صفحه ۹ و ابتدای صفحه ۱۰. در مواردی نیز در بخش گرامر، درباره نکته مورد نظر، توضیحات کافی ارائه نشده است، مانند صفحه ۲۳ و یا ۳۹.
- تمرین‌ها متنوع و خوب هستند. به‌ویژه تمرین‌هایی که مسئله ریاضی را مطرح می‌کند، وجود پاسخ تمرین‌های ریاضی در انتهای کتاب، یکی از ویژگی‌های خوب کتاب است.
- در دستورالعمل تمرین بخش واژه‌ها در صفحه ۷ گفته شده است که برای تعریف‌های ارائه‌شده، از درون متن واژه‌ای بیابید، ولی در سه مورد به جای تعریف، واژه هم‌معنی ارائه شده است (result/calculation/view point)، یا در تمرین مشابهی در بخش C در انتهای صفحه ۱۳ که قصد دارد تعریف واژه‌ها را تمرین کند، تعریف‌هایی برای واژه‌های داخل جدول داده شده است که پیشتر در خود متن نیز در کنار پاراگراف به‌گونه‌ای متفاوت و یا مشابه ارائه شده بود.

- در کل می‌توان گفت «کتاب انگلیسی برای دانشجویان رشته ریاضی» با هدف فراهم نمودن محتوایی به‌عنوان منبع درس زبان تخصصی تدوین شده است. این کتاب از متونی که به معرفی دانشمندان و مشاهیر ریاضی و یا حوزه‌های موضوعی ریاضی می‌پردازند، به‌عنوان کمکی برای درک مطلب، آموزش واژگان و دستور بهره جسته است که امری پسندیده است.
- برای دستیابی به اهداف کتاب، نویسندگان از سازمان‌دهی و ساختاری استفاده کرده‌اند که به‌طور منسجم در کلیه فصول رعایت شده است و این ساختار مشخص و منسجم درون هر فصل نیز مشاهده می‌شود. نداشتن مقدمه و پیشگفتاری که این ساختار را برای مخاطب مشخص نماید یا نداشتن نمایه، واژه‌نامه و یا منابعی که خواننده با مراجعه به آنها بتواند دانش و مهارت‌های خود را رشد دهد، ازجمله کاستی‌های این اثر است. به‌کارگیری بیشتر از تصاویر و نمودارها، افزودن فضای خالی با هدف سفیدخوانی در آموزش، از دیگر نکاتی است که به بهتر شدن کتاب کمک می‌کند.
- ساختار ارائه محتوا، بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارد تا آموزشی. به این معنا که برای مثال از سؤالات و یا محتوایی به‌عنوان پیش‌سازمان‌دهنده برای ایجاد انگیزه استفاده نشده است و یا جمع‌بندی در پایان هر بخش دیده نمی‌شود. درست است که هدف این کتاب، آموزش ریاضی و یا مفهوم‌سازی ریاضی نیست، ولی برخی اصول در آموزش زبان نیز باید رعایت شود. در ارائه مطالب، نظم و انسجام دیده می‌شود. با توجه به ماهیت اطلاع‌رسانی متون، محتوا به نقد اطلاعات و ایده‌ها نمی‌پردازد، ولیکن هیچ‌گونه فرصتی را برای خواننده نیز فراهم نمی‌آورد تا به نقد مطالب بپردازد. برای مثال می‌توان از فعالیت‌هایی استفاده کرد که مخاطب را ملزم کند تا به جست‌وجوی اطلاعات بیشتر پرداخته و از این طریق مطالب را نقد کند و مهارت‌های جست‌وجوی و تفکر نقاد را که از اهداف آموزشی ریاضی است، در مخاطبین رشد دهد. مشخص نیست که آیا تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب (برای نمونه مثال‌هایی چون GRE در صفحه ۱۸۲) از منبعی خاص نقل شده است یا پدیدآورندگان اثر آن

را تهیه کرده‌اند. بهتر بود که نویسندگان، منابع مکتوبی را در این حوزه‌ها معرفی می‌کردند، تا مخاطبان با مراجعه به آنها بتوانند به دامنۀ دانش و مهارت‌های خود وسعت بخشند (منابعی برای مطالعه بیشتر).

- از دیگر کاستی‌های کتاب به‌عنوان منبعی برای زبان تخصصی ریاضی، فرصت ناکافی برای یادگیری واژگان و اصطلاحات ریاضی مورد نیاز دانشجویان ریاضی است. بهره‌گیری بیشتر از متون ریاضی، این فرصت را فراهم می‌آورد.
- معرفی دانشمندان اسلامی / ایرانی، فرصت رشد باورهای فرهنگی را فراهم می‌آورد.
- پیشنهاد می‌شود نویسندگان، بازبینی محتوایی درباره بیان معادل‌های ریاضی، ارائه متون ریاضی و رعایت اصول آموزشی داشته باشند.

تاریخ سیاسی روسیه معاصر

ولادیمیر ویکتوریچ ساگرین، ترجمه علیرضا ولی پور و مهناز رهبری. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹. چاپ اول، ۲۴۲ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری، صحافی، صفحه‌آرایی و طرح جلد کتاب خوب است.

۲- بررسی محتوای اثر

- این اثر، بخش کوتاهی از تاریخ معاصر روسیه را در دوران گورباچف و یلتسین معرفی می‌کند و نویسنده از منابع به‌روز مربوط به تاریخ معاصر روسیه استفاده کرده است.
- در مقدمه به‌جای طرح مطالب کتاب، در برخی جملات، خاطرات شخصی مترجم ذکر شده است.
- معادل فارسی در برخی موارد به‌جا و به‌درستی به‌کار نرفته است. پاراگراف اول صفحه ۲۳۳ ترجمه ارائه‌شده، مفهوم نیست.
- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن انطباق دارد. همچنین مطالب اثر با سرفصل مصوب وزارت علوم مطابقت دارد.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در این اثر خوب است.
- ارجاعات درون‌متنی در این کتاب وجود ندارد، اما منابع مورد استفاده، فهرست شده است.

۳- نکاتی چند درباره کتاب

- کتاب حاضر یکی از کتب ترجمه‌شده مهم در زمینه تاریخ معاصر روسیه است.
- کتاب حاضر از نظر شکلی کتاب مناسبی است؛ یعنی هم تصویر روی جلد (اتاق‌های کومونال دوره کمونیستی) هم به‌لحاظ ویرایش، صفحه‌آرایی و... کمترین اشتباه را دارد.
- چینش مطالب در کتاب به‌خوبی رعایت شده، یعنی کتاب دارای مقدمه، متن،

نتیجه‌گیری و منابع است.

- از نکات قوت دیگر کتاب، ترجمهٔ سلیس و روان آن است که خواننده را در درک مطالب کمک می‌کند.
- مترجمان محترم، اسامی خاص را در پانوشتها با الفبای روسی آورده‌اند، در صورتی که بهتر بود معادل انگلیسی این اسامی نیز آورده می‌شد، زیرا اکثر خوانندگان با الفبای روسی آشنایی ندارند.
- یکی دیگر از مشکلات ترجمه این است که مترجمان محترم درباره برخی از اسامی، احزاب و...، توضیحی در پانوشت نیاورده‌اند.

مقاله نقد کتاب^۱

ولادیمیر ویکتوریچ ساگرین، دارای دکترای تاریخ و نویسنده آثاری در زمینه جریانات تاریخی - سیاسی و تاریخ تفکر اجتماعی، مسائل کلی تاریخ و تاریخ‌شناسی سیاسی است. وی سردبیر مجله علوم اجتماعی و دوران معاصر آکادمی علوم روسیه و هم‌اکنون رییس مرکز تحقیقاتی انستیتوی تاریخ عمومی فرهنگستان علوم روسیه^۲ است.

معرفی کتاب

کتاب «تاریخ سیاسی روسیه معاصر»، دوران گذار و رویکرد مجدد از کمونیسم به کاپیتالیسم از گورباچف تا یلتسین ۱۹۸۵-۱۹۹۴ تألیف «ولادیمیر ویکتوریچ ساگرین» را علیرضا ولی‌پور و مهناز رهبری از روسی به فارسی ترجمه کرده‌اند. کتاب شامل مقدمه مترجم، مقدمه، نه فصل به همراه نتیجه‌گیری و منابع است. تحقیقات ساگرین در این کتاب به نحو گسترده‌ای مبتنی بر نظریه مدرنیزاسیون است که از جمله نظریه‌های قابل قبول و پذیرفته‌شده در علم تاریخ به شمار می‌رود و هرچند کتاب‌های زیادی در این زمینه انتشار یافته، کتاب حاضر از نظر نگارش عینی آن و نیز نوع برخورد علمی نسبت به موضوع، از کتب دیگر تا حدودی متمایز است. اصول و محتوای کتاب بر اساس سخنرانی‌های مربوط به تاریخ سیاسی نگارش شده که در مراکز علمی - آموزشی در مسکو و همچنین در دانشگاه‌های ایالت متحده ارائه شده‌اند.

نویسنده در مقدمه اظهار می‌دارد که در این اثر سعی شده افزون بر بسط نگرش تحلیلی - تاریخی درباره جریان‌های معاصر روسیه، ارزیابی‌های مشهور ایدئولوژیکی درباره تاریخ معاصر روسیه که منشعب از نظریه‌های تندروانه جناح‌های راست و چپ، کمونیستی و ضد کمونیستی است، نقد و بررسی شود. همچنین نویسنده در مقدمه، دیدگاه سیاستمداران شکست‌خورده شوروی و سازمان‌های ملی - میهنی، حزب کمونیست روسیه و برخی گروه‌های سیاسی مبنی بر تئوری توطئه به عنوان اولین علل شکست برنامه‌های اتحاد جماهیر

۱. مهدی احمدی، کارشناسی ارشد تاریخ، پژوهشگر مرکز اسناد انقلاب اسلامی

2. PAH

شوروی را نقد کرده، آنها را سطحی‌نگر معرفی می‌کند. وی گفته خود را اینگونه توجیه می‌کند که این مطلب به آن معنی نیست که تأثیرات خارجی با ریشه تحولات در این یا آن جامعه ارتباط ندارد، بلکه ابتدا باید وجود چنین تأثیراتی ثابت شود و دوم اینکه همان‌طور که تجربه جهانی ثابت کرده، حتی و اگر چنین تأثیراتی جایگاهی داشته باشند، به‌تنهایی نمی‌توانند خصوصیات جامعه‌ای را تغییر دهند. وی بر این عقیده است که اگر تأثیر عوامل خارجی با ریشه تحولات بنیادی سرنوشت تاریخی روسیه معاصر رابطه‌ای داشته باشد، این رابطه را باید در مفهوم دیگری متفاوت با آنچه کمونیست‌ها و ملی - میهنی‌ها می‌پندارند، جست‌وجو کرد.

ساگرین در کتاب خود از اصول نظریه وابستگی عینی برای تحولات اجتماعی معاصر در روسیه استفاده کرده است. هرچند مسئله اصلی و درخور اهمیت برای وی، تفسیر و درک جنجال حاد سیاسی درباره روند اصلاحات در جامعه معاصر روسیه و انتخاب طرح‌های متعدد اصلاح‌گرایانه برای آن بوده است.

فصل اول کتاب با عنوان «سال ۱۹۸۵ فراتر از سوسیالیسم!» به دو مبحث اختصاص داده شده است؛ یکی درگذشت چرنینکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ و جایگزین شدن گورباچف به‌جای وی و دیگری بررسی سیاست و برنامه‌های گورباچف برای ایجاد اصلاحات در شوروی و در پایان، شکست اصلاحات گورباچف. هرچند چرنینکو قبل از مرگ خود، رومانوف را رسماً نامزد دبیر کلی کمیته مرکزی کمونیست اتحاد شوروی کرده بود، رومانوف در میان مردم، چهره‌ای پسندیده نبود و به فساد و رشوه‌خواری متهم بود و همین امر و مجموعه‌ای از امور دیگر دست‌به‌دست هم دادند تا جوان‌ترین چهره حزب یعنی گورباچف، به مقام دبیر کلی حزب انتخاب شود. گورباچف، مردی نسبتاً جوان، قوی‌بنیه، با لهجه صریح و دارای جذابیتی بود که مختص سیاستمداران حزبی بود و شبیه خروشچف، از ظاهرشدن در بخش‌های مختلف کشور، آمیختن با مردم عامی و گوش دادن به درد دل‌های آنان نمی‌هراسید.

با روی کار آمدن گورباچف، تغییر در شیوه رهبری به‌سرعت آشکار شد. مشکلاتی که اتحاد شوروی با آنها مواجه بود، قابل ملاحظه بود و رهبر جدید باید کار خود را در چند

جهت آغاز کند. باید بنیه تازه‌ای به دستگاه حزب و دولت دهد، اصلاحاتی را پایه‌گذاری کند که اقتصاد را بهبود بخشد و برای به‌دست آوردن زمان، خصومت با غرب به‌ویژه با ایالات متحده را برطرف سازد (کنز، ۱۳۸۲: ۳۶۹). وی طی یک سخنرانی به نحو معتدلی از سیاست و خط‌مشی پیشین حزب کمونیست اتحاد شوروی انتقاد کرد. هرچند در جلسه عمومی ماه آوریل، دبیر کل جدید تأکید کرد که برنامه نوسازی پیشنهادی وی تنها استمرار و پیوستگی با خط‌مشی سیاست قبلی را تقویت و تحکیم می‌کند (ساگرین، ۱۳۸۹: ۸).

درباره آغاز اصلاحات گورباچف، ساگرین اینگونه می‌آورد که «گورباچف نیز مانند خروشچف در سال‌های اولیه فعالیت خود در مقام دبیر کلی، دچار سندرم تأثیرپذیری از افکار ابرقدرت‌ها بود و قصد داشت که با درنظرگرفتن مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی، طی چندین سال به سطح کشورهای پیشرفته غرب دست یابد» (همان: ۱۱)، اما در فاصله سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۷، «جدی‌ترین تضادها، واقعیت را آشکار کرد. میلیون‌ها نفر از مردم شوروی بر مبنای تجربه زندگی روزمره خود دریافتند که تأمین کالاهای مصرفی ملی و نیز خواروبار نه تنها بهبود نمی‌یابد، بلکه وخیم‌تر می‌شود و کمبود اقتصادی پیوسته در حال افزایش است. ذخایر نقدی مردم افزایش یافته بود، نه به دلیل آنکه نیازهای آنها به‌طور کامل برآورده شده بود و دیگر ضرورتی برای خرج کردن پول وجود نداشت، بلکه به این دلیل که قفسه‌های مغازه‌ها از کالا و مواد غذایی خالی و خالی‌تر می‌شد و عقل ساده و سلیمی می‌توانست پیش‌بینی کند که داده‌های امیدبخش اداره کل آمار، رازی را پنهان می‌کرد که نباید توسط روزنامه و مطبوعات افشا می‌شد، هرچند دیگر دوران آگاه‌سازی عمومی فرارسیده بود» (همان: ۲۰-۲۱).

سؤالی که برای هر خواننده‌ای پیش می‌آید این است که چرا گورباچف در اصلاحات خود دچار شکست شد؟ درباره جواب این سؤال، دلایل مختلفی ارائه شده است. مفسران بیشتر محافظه‌کار آمریکایی اشاره کرده‌اند که افزایش فعالیت‌های سیاسی نظامی از طرف ریگان، ورشکستگی را به اتحاد شوروی تحمیل کرد و رهبران جدید را به این نتیجه رساند که هرگز به آمریکاییان نمی‌رسند و در نتیجه سیاست‌های ریگان، مسئول عمده فروپاشی اتحاد شوروی است. تشخیص فرودستی، آنان را وادار کرد هرچند سخت‌تر درصدد تغییرات

درون نظام برآیند و به این ترتیب بحرانی به وجود آمد که اتحاد شوروی از آن بیرون نیامد (کنز، ۱۳۸۲).

عقیده نویسنده کتاب نیز بر این است که «دلیل اصلی شکست اقتصادی، اشتباهات عمیق رهبر سابق شوروی و حساب غلط شخصی او در این بود که بحرانی را که اتحاد جماهیر شوروی در آن قرار داشت، دست کم گرفته بود. یکی از اشتباهات رهبر سابق شوروی که منجر به کسری بودجه شد این بود که مقامات بر صادرات نفت تکیه می‌کردند، آن هم در زمانی که تقاضای آن در بازار جهانی سقوط کرد و این مسئله به بودجه شوروی، ضربه سختی وارد آورد. تنها در سال ۱۹۹۳، گورباچف پس از استعفا توانست به صورتی انتقادی، نتایج سیاست اقتصادی خود را در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۶ ارزیابی و به اشتباه اصلی آن اشاره کند: «در اقتصاد، ما ضمن پیروی از کلیشه‌های استاندارد پذیرفته شده، از اصلاحات در صنایع سنگین و ماشین‌سازی آغاز کردیم؛ صحیح‌تر بود اگر از صنعت کشاورزی، صنایع سبک و صنایع غذایی آغاز می‌کردیم؛ یعنی از مواردی که بازده سریع و آشکاری به مردم می‌داد و پایه‌های اجتماعی اصلاحات را تحکیم می‌کرد. ما در انتخاب اولویت‌های تغییرات در مسیر اصلاحات به اندازه کافی دقت نکردیم و ارزیابی دقیقی از عواقب آن نداشتیم» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۲۲).

به قول ساگرین، گورباچف نتوانست اعتراف کند که افزایش شدید کسری بودجه و تورم پولی نامشهود و قحطی کالا نیز در نتیجه سیاست اقتصادی شخصی وی بروز کرده بود و تنها در سال ۱۹۹۳ پس از استعفا توانست به صورت انتقادی، نتایج سیاست اقتصادی خود را در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۶ ارزیابی کرده، به اشتباه اصلی آن اشاره کند.

در فصل دوم کتاب با عنوان «فراتر از دموکراسی» که «شعار اصلاح طلبانه جدیدی به معنای به کارگیری حاکمیت مستقیم و بدون واسطه کارگران در مناسبات تولیدی، توسعه اقتصادی، انتقال قدرت دولتی و خلاقیت قانونی» بود، نویسنده ابتدا این سؤال را مطرح می‌کند که «اگر اصلاحات اقتصادی در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۶ در اتحاد جماهیر شوروی موفقیت‌آمیز نبود، چرا نباید تغییرات ارائه شده جدید اصلاح‌گرایانه در سال ۱۹۸۷ به طور دقیق بررسی و ارزیابی شود؟

ساگرین در این فصل به‌طور کلی به بررسی اصلاحات اقتصادی، سیاسی و... سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۸ گورباچف پرداخته است. در سال ۱۹۸۷ بود که گورباچف به ناکامی سال‌های گذشته خود در اصلاحات اعتراف کرد که دو دلیل اصلی آن را در دگرگونی و درک نادرست از سوسیالیسم درونی دانست. در این سال، گورباچف و اطرافیانش درصدد بودند به این پرسش پاسخ دهند که کدام سوسیالیسم تحریف شده و تغییر شکل داده است؟ به قول نویسنده کتاب، «آنها پاسخ واضح و روشنی داشتند: سوسیالیستی که لنین درصدد آن بود. در همین جا بود که شعار دیگری برای مراحل نوین اصلاح طلبی باب شد: بازگشت به لنین!» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۲۸).

همچنین در این فصل، ساگرین به فضای باز سیاسی اشاره می‌کند که گورباچف به جامعه شوروی داده بود و می‌نویسد که: «در جریان موج پاک‌سازی انتقادی در زمان آگاه‌سازی عموم و با فضای باز سیاسی، صدای تاریخ به‌نحو زیادی طنین‌انداز شد. آن دسته از مورخانی که روحیه انتقادی و قلم توانایی داشتند و نیز آن دسته از روزنامه‌نگارانی که به تاریخ علاقه‌مند بودند، به‌سرعت در ردیف افرادی قرار گرفتند که در ابتدا روزنامه «ماسکوفسکیه نووستی» و سپس دیگر نشریات، با افتخار آنها را مهندسان ناظر اصلاحات و نوسازی نامیدند.

فضای باز سیاسی که در دوران گورباچف به جامعه شوروی داده شده بود، سبب شد که مقالات و کتاب‌ها و مجلات که در دوران قبل اجازه انتشار نداشتند و نویسندگان آنها یا ازبین‌رفته یا اینکه مهاجرت کرده بودند، دوباره انتشار یابند و راه‌های این آثار، اولین ضربه حساس را به ایدئولوژی اصلاحات وارد کرده، در میان انبوه خوانندگان، شک و تردید نسبت به قدرت بالقوه سوسیالیسم، امکانات دموکراتیسم شوروی و لنینیسم تصفیه‌شده ایجاد کرد» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۳۹). به این ترتیب بود که در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۸، سیلاب آگاه‌سازی همگان در میان سوسیالیسم دموکراتیک نیز نفوذ کرد.

ساگرین، فصل دوم خود را اینگونه به پایان می‌برد که «در سال ۱۹۸۸، آنچه آمار رسمی دیگر آن را پنهان نکرد، این بود که برنامه‌های اقتصادی طراحی شده در بیشتر موارد به اجرا نرسیده و کمبود آذوقه و خواربار و کالاهای مصرف عمومی هرچه بیشتر شدت یافته بود» (همان: ۵۲).

فصل سوم کتاب با عنوان «تندروهای افراطی وارد صحنه می‌شوند»، به مبارزه میان گورباچف و رادیکال‌ها بر سر رهبری در جریان اصلاحات که از پاییز سال ۱۹۸۸ تا ژوئیه سال ۱۹۹۰ ادامه داشت، اختصاص داده شده است.

ساگرین در ابتدای این فصل به معرفی دو گروه از رادیکال‌ها پرداخته است: «یکی از این گروه‌ها، جریان ملی‌گرایان افراطی بودند. این جریان را جبهه‌های مردمی که در بیشتر جمهوری‌های شوروی شکل گرفته بودند و شجاعانه سرشار از ایده گسترش حقوق جمهوری و اصلاحات فدراسیون شوروی بودند، به روش ماهرانه‌ای هدایت می‌کردند. گروه دیگر این جریان از رادیکال‌های سیاسی تشکیل می‌شد که بر تعمیق و گسترش قطعی اصلاحات اقتصادی و دیگر انواع اصلاحات که خود دولت مرکزی آن را اجرا کرده بود، پافشاری می‌کردند (همان: ۵۴). وقتی روند تزلزل اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد که در اواسط ماه نوامبر (۱۹۸۸) شورای عالی جمهوری سوسیالیستی اتحاد استونی، بند شماره ۷۴ از قانون اساسی جمهوری را تغییر داد. به این ترتیب فرمول‌بندی قبلی، یعنی قوانین اتحاد جماهیر شوروی که اجرای آن در اراضی و قلمرو جمهوری اتحاد استونی لازم بود، با قانون جدیدی به این مضمون جایگزین شد که شورای عالی جمهوری اتحاد استونی، حق متوقف کردن قانون و یا تعیین حدود کاربرد قانون‌گذاری و یا عملکردهای قوانین موضوعه دیگر اتحاد جماهیر شوروی را دارد» (همان: ۵۴-۵۵).

نویسنده در ادامه این فصل به بررسی و تحلیل انتخابات ماه مارس ۱۹۸۹، اولین کنگره نمایندگان ملی اتحاد جماهیر شوروی پرداخته است: «انتخابات از بسیاری جهات به عنوان اولین انقلاب عمومی بی‌صدا و آرام علیه دستگاه حزبی دولت محسوب شد. در جریان انتخابات، دستگاه حزبی دولت هنوز متحمل شکستی نشده بود و نمایندگان آن بیشترین آرا را کسب کرده بودند، اما خسارات زیادی را متحمل شدند ... در کل انتخاباتی دموکراتیک نبود» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۵۸).

ساگرین در ادامه این فصل به رقابت‌های گورباچف و رادیکال‌ها در کنگره نمایندگان ملی اشاره می‌کند و از قول یکی از این رادیکال‌ها می‌نویسد که «این سیستم قابل ترمیم نیست! در این سیستم، سه نهنک وجود دارد: ماهیت سلطنتی اتحاد جماهیر شوروی به مثابه

دولتی متمرکز و با خودمختاری سست و بی‌حال؛ سوسیالیسم دولتی با اقتصاد غیر بازاری؛ انحصارطلبی حزبی. این سه نهنگ باید منفصل شوند، بلکه انفصالی تدریجی و بدون درگیری و خونریزی و بر پایه توافق جمعی، نه از راه خشونت و زورگویی متناوب» (همان: ۶۶).

در اوضاعی که بین رادیکال‌ها و گورباچف رقابت به وجود آمده بود، گورباچف تلاش می‌کرد تا مانور سیاسی خود را گسترش دهد. او تلاش‌های ناامیدانه‌ای را برای حفظ رهبری خود در جریان اصلاحات و نیز حفظ قدرت سیاسی به کار بست. هرچند وی مجبور شد که امتیازاتی را به رادیکال‌ها بدهد، «در نهایت موفق شد به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود، اما کمتر از شصت درصد نمایندگان به او رأی دادند» (همان: ۷۶)، ولی گورباچف که در اصلاحات اقتصادی پیشین خود دچار شکست شده بود، «حالا در شرایط جدید پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری نمی‌توانست حتی یک ایده نو را نیز مطرح کند. محور اصلی سخنرانی او در اولین شورای ریاست جمهوری در دو واژه قابل بیان بود: اصلاحات فعال و تأثیرگذار نیست» (همان: ۷۷).

فصل چهارم کتاب با عنوان «سانترالیسم (مرکز‌محوری) بر اساس نظر گورباچف: ایدئولوژی و عملکرد»، با این اظهار نظر گورباچف شروع می‌شود که «مرکزیت، جریانی است که مدتی دگرگونی و متحول کردن جامعه بر مبنای اصولی جدید و نوین است. جریانی که برای جامعه دورنمایی انقلابی، نه بر اساس تقابل جزء به جزء یا درگیری و رویارویی و با اعلام مقابله در رویارویی یادشده در نظر بگیرد، بلکه معتقد به دورنمایی انقلابی برای جامعه بر اساس همبستگی اکثریت مطلق آن باشد» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۸۵).

نویسنده، این فصل را به توضیح درباره تأسیس حزب کمونیست روسیه و آرای برخی از سران آن از جمله تیولکین، پالازکف، سرگیف و...، فراکسیون سایوز، برنامه پانصدروز و مبارزه سرسختانه گورباچف و یلتسین بر سر قدرت اختصاص داده است. پایان این فصل نیز به رقابت‌های انتخابات و سرانجام پیروزی یلتسین با آرای ۵۷/۳ درصدی اختصاص داده شده است.

عقیده نویسنده بر این است که «سندرم ضد کمونیستی که در طول حدود دو تا سه سال به شدت در اذهان عمومی تثبیت شده بود، به عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده رفتار شرکت‌کنندگان در انتخابات روسیه در انتخابات ماه ژوئیه سال ۱۹۹۱ محسوب شد»

(همان: ۱۱۰).

ساگرین فصل پنجم از کتاب خود را با عنوان «آگوست سال ۱۹۹۱: علل و عواقب» به بررسی کودتای ۱۹۹۱ و علل و عواقبی که باعث شکست آن شد اختصاص داده است. ساگرین درباره این فروپاشی چنین می‌نویسد که «اگر از منظر حقایق و منطق تاریخی، حوادث و وقایع را دنبال کنیم، باید اعتراف کرد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نتیجه تأثیر مجموع تمامی عوامل عینی و ذهنی غیر مغرضانه است. حماقت است اگر این مسئله را نفی کنیم که اراده و رفتار سیاسی این یا آن دسته از رهبران، هیچ ارتباطی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نداشته است. باید پذیرفت که انتخاب سیاسی یلتسین، کرافچوک و شوشکویچ در اوایل ماه دسامبر، به جریان انحلال اتحاد جماهیر شوروی، آهنگ سریع تری بخشید. خصومت شخصی یلتسین با گورباچف، عامل مهمی بود که کفه ترازو را به نفع پذیرش این باور سنگین می‌کند. همچنین نمی‌توان درباره پدیده یا عامل گورباچف به عنوان منشأیی برای وقوع یک پایان غم‌انگیز در تاریخ اتحاد شوروی سخن به میان نیارد» (همان: ۱۲۶).

نویسنده همچنین نظریه گردش و انقلاب زبندگان را برای فروپاشی اتحاد شوروی قانع‌کننده می‌داند و می‌آورد که «بر اساس این نظریه در جوامعی که مدت مدیدی در آنها رؤسای سیاسی با سیستم بسته حکومت می‌کرده‌اند و راه دسترسی به جایگاه‌های فکری، عقیدتی، اجتماعی و ملی را برای غالب مردم سد کرده بودند، به‌ناچار نیروهای زبده غیر رسمی خودجوش و مخالف شکل می‌گیرند که هدف نوسازی و اصلاح رادیکالی قدرت کشور را در نظر دارند» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۱۲۸). نویسنده در پایان این فصل می‌نویسد که نظریه‌های گورباچف درباره جامعه مدنی، حکومت قانون و دموکراسی سیاسی به بروز انقلاب ایدئولوژیکی و معنوی در جامعه کمک کرد و شاید به‌طور دقیق تنها همین انقلاب، دستاورد ملی دوره شش‌ساله عهده‌داری قدرت وی بود.

فصل ششم کتاب با عنوان «خط‌مشی نوین روسیه: سال گایدار» به بررسی اصلاحات در دوره یلتسین می‌پردازد که گایدار آن را اجرا کرد. یلتسین که با حمایت و تأیید صریح مقامات آمریکایی قدرت را به دست گرفت و در جریان کودتا با راهنمایی‌های مؤسسات تحقیقاتی و پژوهش غربی در برابر آن به اقدامات مقابله‌جویانه پرداخت، فردی با خصایص

اقتدارگرایانه بود. هواداران او خواستار اداره کشور به سبک حضور یک ریاست‌جمهوری پر قدرت در برابر پارلمان بودند. این عده برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی کشور، بر ضرورت وضع سریع قوانین جدید تأکید می‌کردند و فرایند طولانی تصویب قوانین در مجالس مقننه را مناسب شرایط کشور نمی‌دانستند. از این رو یک قوه اجرایی مقتدر برای تصمیم‌گیری و هدایت کشور در راستای انتقال به نظام اقتصاد بازاری مطلوب تلقی شده است (کولایی، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۵۹).

عقیده نویسنده بر این است که «دیدگاه‌های تئوریک و ایدئولوژیک اصلاح‌طلبان روسیه از نظر ماهیت با دیدگاه‌هایی که جریان رادیکالی در دروان مبارزه بر سر قدرت به کار می‌برند، تفاوتی نداشت» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۱۴۸). نویسنده در ادامه این فصل به نتایج اصلاحات گایدار اشاره می‌کند و می‌نویسد که «اصلاحاتی که با نام گایدار مرتبط بودند، به‌طور دقیق یک سال ادامه یافت. نتایج این اصلاحات به‌شدت متناقض بود. در این میان افکار عمومی نیز در ارزیابی این نتایج به‌شدت دچار اختلاف نظر بود؛ گایدار و طرفدارانش که از حمایت رسانه‌های جمعی و نیز از پشتیبانی افرادی برخوردار بودند که از اصلاحات سود می‌بردند، نتایج اصلاحات را مثبت و اغلب ستودنی ارزیابی می‌کردند، درحالی‌که مخالفان و اقشار وسیعی از جامعه که اوضاع و موقعیتشان به‌شدت وخیم شده بود، معتقد بودند که اصلاحات تنها جنبه‌های منفی داشته است. طرفداران و مدافعان اصلاحات عقیده داشتند که خدمت اصلی بانیان و ایجادکنندگان اصلاحات آن است که بالاخره توانست بازار را در روسیه از حالت رکود خارج کند» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۵۹).

ولی اصلاحات گایدار هم چاره‌ساز نشد و به قول ساگرین «در اواخر سال ۱۹۹۲، دولت متوجه خیالات خام خود شد. نقشه استراتژیکی جریان رادیکالی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ که انجام و اجرای اصلاحات سریع و گسترده بازاری را بدون هیچ‌گونه وخامت در اوضاع توده مردم وعده داده بود، برآورده نشد و نیز ایجاد سریع و بدون دردسر جامعه مدنی و نهادهای دموکراسی با شکست مواجه بود. طبیعی بود که دولت اصلاحات نتوانست برای خود هیچ‌گونه تکیه‌گاه و پشتیبانی اجتماعی استوار و وسیعی ایجاد کند» (همان: ۱۶۴). در فصل هفتم کتاب با عنوان «اپوزیسیون: چپ یا راست، کدام جناح؟» در ابتدا به

تعریف جناح‌های اپوزیسیون چپ، راست و مرکز پرداخته و می‌نویسد: «با این اصطلاح (چپ)، افرادی مشخص و معرفی می‌شدند که با شعارهای جمع‌گرایی و عدالت اجتماعی تحت لوای کمونیست و سوسیالیست فعالیت می‌کردند. اپوزیسیون راست به‌طور عمده به کسانی اطلاق می‌شد که از اصول ملی-دولتی دفاع کرده، ایده روسیه کبیر را تبلیغ می‌کردند. اپوزیسیون مرکز به نیروهای سیاسی اطلاق می‌شد که خواستار ملایم‌شدن خط‌مشی اصلاحات، کاهش بهای کالاهای ضروری و تهیه الگویی به‌منظور تحول در اصلاحات بودند که مورد پذیرش تمامی اقشار جامعه باشد» (همان: ۱۶۵).

نویسنده در ادامه این فصل به توضیح و تشریح احزاب مختلف در دولت یلتسین پرداخته و آنها را اینگونه برمی‌شمارد: حزب سوسیالیست زحمتکشان، حزب چپ جدید، اتحادیه‌های چپ قدیم، جبهه نجات ملی، دموکرات‌های مسیحی، بلوک آشتی ملی، بلوک اتحاد میهنی، حزب آزادی اقتصادی و... وی می‌نویسد که «در اواخر سال ۱۹۹۲ که به سال گایدار معروف بود، در عمل در روسیه حتی یک حزب سیاسی که از خط‌مشی دولت حمایت کند باقی نماند. احزاب از هر طیف سیاسی مخالف دولت بودند که این مسئله از دیدگاه نظری به اصلاح‌طلبان دولت هیچ شانس برای بقا نمی‌داد. اما مخالفت احزاب در عمل هیچ‌گونه مسئله جدی برای دولت ایجاد نمی‌کرد. موضوع از این قرار بود که خود این احزاب از حمایت توده مردم برخوردار نبودند. به‌صورت ائتلاف‌هایی با تعداد کم و توخالی بودند و اعتبار حقیقی آنان در سیاست روسیه نه‌تنها افزایش نیافت، بلکه کاهش پیدا کرد» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۸۰).

ساگرین در ادامه به نقش وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو، تلویزیون و مطبوعات در آگاه‌سازی عمومی و بیان نارضایتی از سیاست دولت اشاره کرد. در پایان به بررسی نقش طبقه روشنفکر در دولت یلتسین پرداخته و می‌نویسد که «طبقه روشنفکر نسبت به خیانت دولت جدید به ارزش‌های معنوی - اخلاقی جنبش دموکراتیک بسیار حساس بودند... ناامیدی‌های طبقه روشنفکر موجب جهت‌گیری نوینی در ارتباط با اصلاحات اجتماعی سیاسی گایدار شد» (همان: ۱۸۴-۱۸۵).

فصل هشتم کتاب با عنوان «قوه مجریه در برابر قوه مقننه» با این جمله اپوزیسیون شروع

می‌شود که «اقتصاد روسیه در مرحله بحرانی قرار دارد، که ممکن است به ازهم‌گسیختگی کامل منجر شده و عواقب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غیر مترقبه‌ای به‌بار آورد. کاهش سرمایه‌گذاری و تولید، ازبین‌رفتن تأمین مالی دولتی، افزایش تورم، کاهش عایدات ارزی و ناتوانی دولت در پرداخت‌ها، با کاهش شدید سطح زندگی اقشار مختلف مردم همراه است» (همان: ۱۸۹). به همین دلیل در سال ۱۹۹۳، چرنومیردین به‌جای گایداری، نخست‌وزیر روسیه شد.

نویسنده در ادامه به بررسی اختلاف قوه مقننه با قوه مجریه می‌پردازد و از قول یلتسین می‌نویسد که: «مخالفت قوه مقننه، اساس شکست اصلاحات بود» (همان: ۱۹۰).

این اختلافات، علل متعدد داشت که «یکی از علل عمده اختلافات مربوط به تضادهایی بر سر خط‌مشی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روسیه بود. همچنین یکی دیگر از علل مهم اختلاف میان دو قوه مقننه و مجریه، فقدان تجربه آنان برای همکاری مشترک در چارچوب سیستم تقسیم قدرت بود، که در عمل روسیه درباره آن شناخت و تجربه‌ای نداشت» (ساگرین، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

فصل نهم که فصل پایانی کتاب است با عنوان «دسامبر سال ۱۹۹۳ و پس از آن» به رقابت‌های احزاب برای شرکت در پارلمان روسیه، نتیجه انتخابات و رقابت سال‌های آتی پارلمان با رییس‌جمهور اختصاص داده شده است.

نویسنده از مباحث کتاب خود به این نتیجه می‌رسد که پیدایش این دوره (از ۱۹۸۵ به بعد) با برخوردهای تاریخی پیشین مشروط و فراهم شده بود، که مهم‌ترین آنها در این میان رقابت شدید و طولانی دو سیستم جهانی و اجتماعی، یعنی سوسیالیسم واقعی که در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت و کاپیتالیسم لیبرال به رهبری ایالات متحده آمریکا بودند. برتری و تفوقی که به‌وسیله تمدن غربی به نمایش گذاشته شده بود و نشان‌دهنده رفاه و پیشرفت جامعه غربی بود و از سوی دیگر ناتوانی اتحاد جماهیر شوروی در تأمین پیشرفت و ترقی تدریجی به علت تکیه بر بنیان گذشته خود، منجر به رجوع سران شوروی به رهبری گورباچف به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ میلادی شد (همان: ۲۳۲).

منابع

ساگرین، ولادیمیر ویکتورویچ. ۱۳۸۹. تاریخ سیاسی روسیه معاصر: گذار و رویکرد مجدد از کمونیسم به کاپیتالیسم/از گورباچف تا یلتسین ۱۹۸۵-۱۹۹۴. ترجمه علیرضا ولی‌پور و مهناز رهبری. تهران: دانشگاه تهران.

کولایی، الهه. ۱۳۸۰. اتحاد شوروی/از تکوین تا فروپاشی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

کنز، پیترو. ۱۳۸۲. تاریخ اتحاد شوروی/از آغاز تا پایان. ترجمه علی‌اکبر مهدیان. تهران: امیرکبیر.

تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان

حمیدرضا شعیری. تهران: سمت، ۱۳۸۹. چاپ اول، ۲۳۲ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- شیوه حروفنگاری کتاب بسیار پذیرفتنی و عاری از لغزش است. طرح جلد از شکل واحد انتشارات سمت تبعیت می‌کند. صحافی کتاب نیز مناسب است و شیرازه و عطف مناسبی دارد.
- صفحه‌آرایی مناسب و متناسبی دارد. سفیدخوانی در حد نیاز رعایت شده است و به‌لحاظ بصری، ساده اما جذاب است. البته در برخی صفحات، تعداد خط‌ها زیاد است و خواننده کتاب را کمی بی‌حوصله می‌کند.
- به‌لحاظ ویراستاری ادبی کتاب بسیار مناسب و کم‌لغزش است. در این کتاب به‌خوبی به مواردی چون جدانویسی‌ها و رعایت نیم‌فاصله‌ها توجه شده است و تنها موارد اندکی را می‌توان دید که این موارد در آنها رعایت نشده است.
- به‌طور کلی این کتاب روان نوشته شده است. هرچند مانند هر اثر و متن علمی دیگری نیاز است که خواننده به مقدمات، اصطلاحات و مفاهیم اصلی مربوط به زبان‌شناسی، گفتمان و نشانه‌شناسی برای خواندن بهتر و سریع‌تر متن آشنا باشد. آشنایی با قلم نویسنده کتاب نیز در سرعت خواندن کتاب مؤثر است، به‌ویژه اینکه نویسنده محترم، آقای شعیری از اصطلاحات خاص خود نیز در نوشته‌هایش بهره می‌گیرد.

۲- بررسی محتوای اثر

- با توجه به آنکه درس‌هایی چون نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان و معناشناسی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان‌شناسی و برخی رشته‌های ادبی و هنری ارائه می‌شود، به نظر می‌رسد که حجم کتاب (۲۳۲ صفحه) برای این واحدهای درسی

مناسب باشد. این کتاب برای رشته‌های گروه زبان فرانسه می‌تواند منبعی کامل، اما برای دیگر رشته‌های زبان و زبان‌شناسی می‌تواند منبع مکمل بسیار خوب و برای رشته‌های گروه هنر، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... منبعی درخور توجه باشد. جامعیت قابل قبولی در این زمینه و برای یک درس دوواحدی در مقطع ارشد دارد و با اهداف مصوب درس تجزیه و تحلیل کلام هم‌خوانی دارد. اما برای مقطع دکتری شاید جامعیت کافی را نداشته باشد، زیرا برخی جنبه‌های روزآمد تحلیل گفتمان، از جمله رویکردهای غالبی مانند تحلیل گفتمان انتقادی در آن غایب است.

- اصطلاحات تخصصی دو حوزه گفتمان و نشانه‌شناسی در این اثر به خوبی به کار رفته است؛ هرچند برخی از آنها چون «جسمار»، «جسمانه»، «شوشی» و... خاص نوشتار و قلم آقای شعیری است که درک و فهم آنها مستلزم آشنایی پیشین با آنهاست. به عبارت دیگر اصطلاحات خاصی را نویسنده در این متن به کار گرفته است که در نگاه نخست ممکن است غریب به نظر آید، اما چنان‌که با نگاه و دیدگاه‌های نشانه‌شناسان و زبان‌شناسان فرانسوی آشنا باشیم، متوجه می‌شویم که نویسنده کتاب در اصطلاح‌سازی موفق عمل کرده است. تنها خرده‌ای که در این زمینه بر کتاب می‌توان گرفت این است که واژه‌نامه ندارد. خواننده با رجوع به واژه‌نامه بهتر می‌تواند معنای اصطلاحاتی را که برای او غریب به نظر می‌رسد، درک کند.
- نویسنده با ارائه یک پیشگفتار در آغاز کتاب و ارائه چکیده پایان هر فصل و نتیجه‌گیری در آخر کتاب و نیز در موارد لازم ارائه مثال‌ها و نمودارهایی تلاش کرده است به خواننده در تفهیم مطالب کمک کند. ارائه منسجم مطالب هم از نکات مثبت کتاب در این زمینه است. هدف کتاب نیز به‌طور صریح بیان شده است.
- به نظر می‌رسد که این کتاب به خوبی می‌تواند دیدگاه‌های فرانسوی به نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان را برای یادگیرندگان مطرح کند. از این رو برای رشته‌های گروه زبان فرانسه می‌تواند منبع درسی بسیار قابل قبول باشد و برای رشته‌های دیگر می‌تواند مکملی خوب باشد.
- عنوان کتاب، «تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان» است. درواقع در این

کتاب به گفتمان از نگاهی نشانه‌شناختی و معنایی نگریسته می‌شود که البته بین این دو، مرز مشخصی وجود ندارد. با توجه به آنچه در کتاب آمده است - که نگاهی گذرا به فهرست مطالب کتاب هم آن را نشان می‌دهد - و نیز با توجه به جایگاهی که نشانه و معنا در دیدگاه‌های اندیشمندان مورد توجه در کتاب دارد، می‌توان با اطمینان زیادی گفت که کتاب از این نظر هم نمره بالایی دریافت می‌کند. عناوین و فهرست‌بندی کتاب، انطباق مناسبی با محتوای کلی اثر و محتوای هر یک از فصول و زیرفصل‌ها دارد.

- نویسنده کتاب از منابع اصلی بسیاری در این کتاب بهره گرفته است و خود نیز در زمینه مطالب مطرح در این کتاب صاحب تخصص و نظر است. برخی از این منابع ممکن است قدیمی و متعلق به چند دهه پیش به نظر برسند، اما به هر حال منابعی هستند که در حوزه نشانه‌شناسی از منابع کلاسیک به شمار می‌روند و بی‌توجهی به آنها در هر کاری از این دست می‌تواند یک نقص تلقی شود. در کل آنچه در این کتاب ارائه شده است؛ از جذابیت و نو بودن قابل قبولی برخوردار است.
- این کتاب، نگاهی را به گفتمان مطرح می‌کند که در ایران کمتر شناخته شده است و از این نظر به طور کلی از اهمیت برخوردار است. افزون بر این در توضیح مطالب، نویسنده کتاب از نمونه‌ها و مثال‌های زبان فارسی هم بهره گرفته است - مانند نمونه‌هایی که از شعر شاملو و سپهری آورده است - که همین بر ارزش کارش افزوده است.
- نظم منطقی مطالب قابل قبول است. پس از فصل اول که به مقدمه اختصاص یافته است، سایر فصول بر مبنای ابعاد چهارگانه شناختی، ادراکی، عاطفی و زیباشناختی تنظیم شده و از تسلسل و پیوستگی قابل درکی برخوردار است. در کل، مطالب کتاب در هر فصل به گونه منسجمی ارائه شده است و با خواندن هر فصل زمینه برای ورود خواننده به فصل بعدی مهیا می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که کل اثر هم انسجام ساختاری و منطقی لازم را دارد.
- بیشتر منابعی که نویسنده در این کتاب از آنها بهره گرفته است به زبان فرانسوی است. در این میان هم او به منابع دست اول رجوع کرده است، مانند مواردی که به

بنونیست، گرمس و یلمزلف رجوع کرده است. در این کتاب شمار منابع فارسی و انگلیسی اندک است که این هم تا اندازه‌ای با توجه به آنکه در این زمینه‌ها در ایران پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است و نگاه شعیری نیز به‌طور خاص به اندیشمندان فرانسوی معطوف است، قابل توجیه است.

- از طرف دیگر، اکثر منابع مورد استفاده در کتاب از منابع و مآخذ دهه ۱۹۹۰ میلادی و قبل از آن است و کمتر از منابع پس از سال ۲۰۰۰ استفاده شده است. البته این مسئله قابل توجیه است، زیرا برای معرفی یک نظریه، نویسنده محترم باید از کتاب‌هایی استفاده کند که جنبه کلاسیک داشته باشد و صحت مطالب آنها هم تأیید شده باشد. پیشنهاد می‌شود در ویرایش‌های بعدی از منابع انگلیسی جدیدتر نیز استفاده شود.
- در تألیف کتاب، رعایت امانت‌داری علمی در سطح شایسته انجام شده است. در ارجاع و معرفی منابع، اصول علمی به‌خوبی رعایت شده است.
- در این زمینه هم موارد لازم در کتاب هم درباره مطالب نقل‌شده از منابع خارجی و هم درباره نمونه‌های شعری رعایت شده است. اما در مواردی اندک چون صفحه ۸۳، الزامات ارجاع‌دادن رعایت نشده است: «(سپهری: ۳۷۰)».
- این کتاب جهت‌گیری خاصی ندارد و از این نظر روح کلی کتاب علمی، منطقی و عاری از قضاوت‌های احساسی و جانبدارانه است و می‌تواند مکمل مطالعات گفتمانی و نشانه‌شناختی در ایران باشد.
- کتاب انطباق کاملی با مبانی و اصول علمی رشته مورد نظر دارد. در تحلیل اشعار و متون زبان فارسی، مواردی انتخاب شده است که مغایرتی با ارزش‌های اسلامی و دینی ندارد.

مقاله نقد کتاب

کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان» تألیف جناب آقای دکتر حمیدرضا شعیری از انتشارات سمت، کتابی است مشتمل بر پنج فصل و یک پیشگفتار معرفی گونه جامع و ارزنده. این کتاب با دیدی جدید و نگاهی نو به موضوع گفتمان و ارتباط آن با نشانه و نشانه‌شناسی می‌پردازد و همان‌طور که نویسنده محترم در پیشگفتار اشاره می‌کند، شاید از منظر برخی کارشناسان و زبدگان امر هنوز زمان طرح برخی جنبه‌های مورد اشاره این کتاب در کشور ما فرانسیده باشد. اما شایسته است که تحولات زبان‌شناسی و گفتمان‌کاوی از قافله جهانی عقب نماند و هم‌پا با دستاوردها و رویکردهای نوین جهانی به بررسی ابعاد دیگری از مفهوم نشانه و نظام تعاملی نشانه - گفتمان و نشانه - معنا بپردازد. این کتاب تکمیل‌کننده اثر پیشین نویسنده با عنوان «مبانی معناشناسی نوین» است که در سال ۱۳۸۱ همین ناشر (سمت) در اختیار خوانندگان قرارداد و به‌نوعی درک کامل کتاب حاضر نیازمند مطالعه مقدماتی آن کتاب است و خواننده‌ای که با مبانی معناشناسی نوین آشنا باشد، استفاده بهتری از اثر حاضر می‌برد.

در این اثر، نویسنده به بررسی نظام نشانه‌ای خاصی می‌پردازد که پویا، منعطف، تثبیت‌نشده، در حال نمو و دارای ویژگی تعاملی است.

کتاب در پنج فصل تنظیم شده است. فصل نخست با عنوان «گفتمان» به تعریف گفتمان و همچنین نحوه تبدیل گفتمان هوشمند^۱ به میدان عملیاتی که مقدمه‌آفرین و زمینه‌ساز حرکت نشانه به سوی معناهای غیر منتظره و نو است می‌پردازد. فصل دوم کتاب به «بعد شناختی گفتمان» اختصاص دارد که خواننده را با جایگاه شناخت در گفتمان و شگردهای شناختی تولید، بازآفرینی و تکثیر شناختی در نظام نشانه - معنایی می‌پردازد.

فصل سوم به «بعد حسی - ادراکی گفتمان» می‌پردازد و نشان می‌دهد که سیالیت و شناوربودن نشانه - معناها با جریان‌های حسی و ادراکی در ارتباط است.

فصل چهارم به «بعد عاطفی گفتمان» اختصاص دارد و در نهایت فصل پایانی کتاب به «بعد زیباشناختی گفتمان» می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه گفتمان از گونه‌های رایج و

متداول زبانی فاصله می‌گیرد و به ارائه گونه‌های متفاوت و متمایز نایل می‌آید. نویسنده در فصل نخست کتاب، تحولات زبان‌شناسی (در قرن معاصر) را به سه مرحله تقسیم می‌کند. اول، مرحله سیطره ساخت‌گرایان و تفکرات ساخت‌گرایانه که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اوج رسیده است؛ دوم، مرحله گفتمانی که اوج آن در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود و مرحله سوم مرحله تعاملی که در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفت. در مرحله اول، صورت و شکل ساختاری زبان مورد توجه اصلی زبان‌شناسان بود، سپس در مرحله دوم، زبان‌شناسان به گفتمان و نقش گفته‌پرداز به‌عنوان فردی که بدون حضور و قصد و نیت او از گفتمان، تولید گفتمانی متوقف خواهد شد توجه نشان دادند و آنگونه که بنونیست^۱ معتقد است، زبان فرایندی است که کسی عهده‌دار تولید آن است.

پس از آنکه مطالعه گفتمانی به حد کفایت و در سطح بلوغ قرار گرفت، مرحله سوم تمرکز زبان‌شناسان یعنی مرحله توجه به بُعد تعاملی آغاز شد که طی آن، پژوهش‌های زبانی تابع شرایط تعاملی است که بر وابستگی رفتارهای زبانی طرفین و مشارکان گفتمان که در کتاب از آنها با تعبیر زیبای «هم‌سخنان» یاد شده است تأکید دارد. در این مرحله، فعالیت گفتمانی تنها به شرایط تولید و حضور گوینده یا گفته‌پرداز منحصر و محدود نیست، بلکه گفتمان در این مرحله، محل جبهه‌گیری گفته‌پردازی است که با فعالیت شخصی خود در گفتمان شرکت می‌کند و بر فرایند گفتمانی تأثیر می‌گذارد.

کتاب حاضر می‌کوشد از سطح دوم به سطح سوم حرکت کند و رویکردهای نوین نشانه‌شناسی گفتمانی در این چارچوب و مرحله را معرفی نماید و در مسیر این معرفی، از بسیاری از مثال‌ها و نمونه‌های محسوس و ملموس زبان فارسی و فرهنگ ایرانی (از اشعار کلاسیک و کهنی مانند مثنوی مولانا تا اشعار کوچه‌بازاری و قصه‌های عامیانه) بهره می‌گیرد که خواندن کتاب را برای خوانندگان ایرانی ملموس و شیرین می‌سازد.

نویسنده پس از معرفی مقدمات و تعاریف گفتمان و ویژگی‌های اصلی و نحوه هدفمندی، در فصل دوم به بُعد شناختی گفتمان می‌پردازد و به تعریف عنصر شناخت از

1. Benveniste

دیدگاه گفتمان کاوی می‌پردازد و با ارائه افعالی که دارای بار شناختی هستند، در حوزه گفتمان وارد می‌شود و انواع آن را از شناخت فنی (که بر کنش استوار است) و شناخت اسطوره‌ای (که تعیین‌کننده شرایط حضور یا گونه زیستی ما در مقابل یک موضوع و جریان است) بیان می‌کند و با مثال برمی‌شمارد و سطوح مختلف دانستن در گفتمان را نیز به کنکاش می‌نشیند.

هرچند در این فصل مفهوم شناخت^۱ با آنچه در ابتدا به ذهن زبان‌شناس جوان و دانشجویان مراحل آغازین متبادر می‌گردد و همچنین جریان شناختی دهه‌های اخیر در آمریکا که به‌ویژه بر مفهوم استعاری زبان تمرکز دارد، تفاوت بسیار دارد، مفاهیمی مانند زاویه دید و اثر آن بر پیکربندی شناختی افراد، نشان از قرابت‌های حوزه‌ای در این زمینه دارد. نشانه - معناشناسی پویای مورد نظر این کتاب با مثال‌هایی که ارائه می‌کند، به‌خوبی نشان می‌دهد که شناخت نمی‌تواند متکی بر رابطه ایستا، مکانیکی و مبتنی بر انتقال اطلاعات از یک قطب به قطب دیگر باشد و شناخت اگر دارای برنامه‌ای منظم و تابع قواعدی خاص باشد، آن را شناخت فنی یا حرفه‌ای می‌نامد و اگر محصول رابطه تعاملی و شاعرانه باشد، آن را شناخت اسطوره‌ای نام می‌نهد. در این فصل از کتاب، رابطه شناخت با مفهوم ارزش^۲ نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

دو فصل بعدی کتاب (فصل سوم و چهارم) به بعد احساسی و عاطفی گفتمان اختصاص می‌یابد و طی آن فعالیت حسی - ادراکی گفتمان را نیز تابع پنج عنصر (فضایی تنشی، شوشی‌گری حسی - ادراکی، عملیات شاخصه‌ای، جهت‌مندی فضای تنشی و مجموع عناصر حاضر در فضای تنشی) می‌داند و به معرفی هر یک از این عناصر با ذکر مثال‌هایی از ادبیات و فرهنگ ایرانی می‌پردازد. در فصل مربوط به بعد عاطفی هم عناصری مانند ریتم گفتار، چشم‌انداز، عمق و... مورد بحث قرار می‌گیرد و عناصری مانند فشار عصبی، حالات مختلف روحی و عاطفی و حتی نمایه‌های جسمی مانند رنگ‌پریدگی و... و نقشی که در نظام نشانه - معناشناختی ایفا می‌کنند، به‌صورت نظام‌مند بررسی می‌شود. بر اساس نظریه عاطفی، فرایند عاطفی دارای پنج مرحله است که از تحریک یا بیداری عاطفی آغاز و به ارزیابی عاطفی

1. cognition

2. value

منجر می‌شود.

فصل پنجم و نهایی کتاب به بعد زیبایی‌شناختی گفتمان اختصاص دارد. این فصل با پرسش کلیدی زیبایی چیست و آیا دارای ماهیتی شناختی یا حسی است آغاز می‌گردد و در طول فصل، نویسنده می‌کوشد زیبایی را از منظر احساس و عواطف انسانی توصیف کند. نقش عنصر زمان در ایجاد مفهوم زیبایی و تولید جریان زیبایی‌شناختی از مباحث مورد بحث در فصل پنجم است که طی آن، تفاوت مفاهیمی مانند زمان خطی، زمان زبانی، زمان روایی و زمان مکانی مورد بحث قرار می‌گیرد و با ارائه مثال‌هایی ملموس از ادبیات ایرانی، نکات و دقایق آن به بحث گذاشته می‌شود.

نویسنده، کتاب را با بخش نتیجه‌گیری به پایان می‌برد و خود به این نکته اشاره می‌کند که هرچند در این اثر به مطالعه ابعاد مختلف گفتمان پرداخته است، مهم‌ترین نکته مشترک در تمامی این مطالعات، سیال بودن مفهوم نشانه - معناهاست. برداشت این کتاب از مفهوم نشانه، مفهومی سیال، پویا و همواره در حال تغییر است که ابعاد متکثری دارد و می‌توان آن را از ابعاد و منظرهای مختلف به نظاره و تحلیل نشست.

این کتاب، کاربرد آموزشی دارد و به‌ویژه از آن نظر اهمیت دارد که با نگاه فردی که متخصص زبان است و دیدگاه فرانسوی به نشانه‌شناسی و گفتمان دارد، تألیف شده است. بیشتر کارهایی که در این زمینه در ایران منتشر شده است، به‌وسیله کسانی نوشته یا ترجمه شده که متخصص یا علاقه‌مند به نگاه و دیدگاه گفتمانی و نشانه‌شناختی در کشورهای انگلیسی‌زبان هستند. درواقع نویسنده در این کتاب به‌خوبی دیدگاه‌های اندیشمندان بزرگی چون گرمس را مطرح و بررسی کرده است.

نظریه و روش در تحلیل گفتمان

ماریان یورگنسن و لوئیز فیلیپس، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی، ۱۳۹۱. چاپ دوم، ۳۶۳ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- متن انگلیسی اثر بسیار روان و قابل فهم نوشته شده است و از این نظر آن را برای استفاده در کلاس و دوره‌های آموزشی مناسب ساخته است. متن ترجمه فارسی کتاب هم روان و قابل فهم است و به نظر می‌رسد که مترجم توانسته است این متن را به صورتی ترجمه کند که بتوان از آن در کلاس بهره برد.
- ویرایش متن فارسی کتاب هم قابل قبول است و قواعد ویرایش و نگارش زبان فارسی در آن رعایت شده است.
- حروف‌نگاری کتاب در حد قابل قبولی است. صفحه‌آرایی در حد متوسط است. سفیدخوانی و آرامش بصری در حد لزوم رعایت شده است و در ترسیم نمودارها و جدول‌ها (هرچند تعداد آنها اندک است) دقت کافی به کار رفته است. درباره طرح جلد هم می‌توان به این نکته اشاره کرد که هرچند طرح کلی جلد، ارتباطی با کتاب زبان اصلی ندارد، قالب قابل قبولی دارد و بیشتر در فضای کلی آثار نشر نی است. در نسخه خریداری‌شده، از صفحه ۳۲۰ صفحات وارونه بوده‌اند که البته ممکن است فقط در این نسخه این چنین بوده باشد.

۲- بررسی محتوای اثر

- این کتاب را می‌توان در دروسی نظیر تحلیل گفتمان و کاربردشناسی در مقطع ارشد و دکتری رشته زبان‌شناسی و رشته‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی به کار برد. در ایران چند کتاب دیگر درباره تحلیل گفتمان به صورت ترجمه و تألیف منتشر شده

است. چنان‌که بخواهیم از این کتاب به‌عنوان منبعی درسی استفاده کنیم، حجم آن برای دو واحد درسی زیاد به‌نظر می‌رسد، به‌ویژه برای دوره کارشناسی ارشد؛ اما اگر بخواهیم آن را در کنار منبع اصلی کلاس، یا به‌عنوان کتابی برای ورود به دنیای بحث‌های گفتمانی معرفی کنیم، حجم کتاب (۳۶۳ صفحه) چندان زیاد به‌نظر نمی‌رسد.

- اصطلاحاتی که در این کتاب به‌کار برده شده است، از اصطلاحات حوزه تحلیل گفتمان، به‌ویژه سه رویکرد گفتمانی مورد بررسی در این کتاب است. در ترجمه هم تلاش شده است که این اصطلاحات به‌گونه‌ای که برای خواننده ایرانی قابل فهم باشد ترجمه شوند که در این زمینه مترجم تا حد زیادی هم موفق بوده است. در ترجمه برخی جمله‌ها و معادل‌گزینی برخی اصطلاحات تخصصی نیز روانی و رسایی اثر قابل بحث است؛ برای نمونه معادل‌های مورد تأیید فرهنگستان (در مواردی مانند استراتژی و...) رعایت نشده است. همچنین برخی معادل‌های پذیرفته‌شده در حوزه تحلیل گفتمان مورد استفاده قرار نگرفته است؛ برای نمونه برابر نهاد «تقید» برای modality در مطالعات گفتمانی در زبان فارسی، واژه آشنایی نیست. همچنین انتخاب برابر نهاد «میان‌متنیت» برای intertextuality چندان مناسب نیست، زیرا برابر نهاد جافتاده این واژه در زبان فارسی «بینامتنیت» است. همچنین مترجم با انتخاب واژه «پرکتیس» برای practice، به برابر نهاد بسیار خوب «کنش» در متون تحقیقی این رشته توجه نکرده است.

- مطالب کتاب به شیوه منظمی ارائه شده است، به‌گونه‌ای که نخست یک پیشینه ذهنی برای خواننده ایجاد می‌شود و سپس مطالب اصلی ارائه می‌گردد و سپس هر مطلب به نتیجه‌ای ختم می‌شود. بنابراین از این نظر کتاب بسیار خوب تدوین شده است. در این کتاب از جدول، تصویر، نقشه و نمودار به غیر از یک مورد استفاده نشده است که البته این هم با توجه به هدف کتاب قابل توجیه است.

- این کتاب در زمینه مطالعات گفتمانی بسیار سودمند به نظر می‌رسد، هرچند شامل همه دیدگاه‌ها نمی‌شود و به‌طور عمده به سه «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه»، «تحلیل

گفتمان انتقادی» فرکلاف و «روانشناسی گفتمانی» پرداخته است. شاید بهتر بود که با توجه به اهمیت دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی در مطالعات گفتمانی، فصل دیگری نیز برای پرداختن به این رویکرد گفتمانی اختصاص داده می‌شد. در بررسی هر یک از سه رویکرد گفتمانی مورد نظر کتاب، هم مطالب و زیربنای نظری موضوع نظریه یا رویکرد مورد توجه قرار گرفته است و هم شیوه بررسی و کار در آن نظریه. برای نمونه در معرفی دیدگاه گفتمانی فرکلاف، هم زیربناها و مفاهیم این دیدگاه معرفی شده است و هم انتخاب مسئله تحقیق، شیوه انتخاب داده‌ها و...

- متن انگلیسی این کتاب در سال ۲۰۰۲ نوشته شده است. با نگاهی به منابعی که در کتابنامه آمده است، متوجه می‌شویم که نویسندگان از بسیاری از منابع اصلی و شناخته‌شده‌ای که تا آن زمان در حوزه تحلیل گفتمان نگاشته شده بوده است، بهره گرفته‌اند.

- ارائه چند تعریف مشخص و واضح از «گفتمان» و «تحلیل گفتمان» در این کتاب را می‌توان از جمله نکات مثبت آن دانست. این نکته از این نظر اهمیت دارد که این دو اصطلاح با آنکه امروزه تواتر بسیار زیادی دارند و در حوزه‌های مختلفی هم به کار می‌روند، آنچنان به درستی شناخته نشده‌اند. این موضوع به‌ویژه در حوزه‌های مختلف علمی کشور ما دیده می‌شود و از این نظر این کتاب می‌تواند بسیار سودمند باشد. این کتاب خود نظریه خاصی را مطرح نکرده است، اما در ارائه دسته‌بندی شده و نظام‌مند نظرات ارزشمند دیگران بسیار موفق عمل کرده است.

- این کتاب، یکی از بهترین درس‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه آموزش تحلیل گفتمان است که تصویری کلی در اختیار خواننده از پیشینه و نمای پیش‌روی این رشته جدید قرار می‌دهد. کتاب انسجام ساختاری و منطقی لازم را دارد و در کل خواندن آن تصویر روشن و منسجمی از بحث‌های گفتمانی و دیدگاه‌های گفتمانی سه‌گانه مورد توجه کتاب به خواننده ارائه می‌دهد. در هر فصل کتاب هم چنین انسجامی وجود دارد.

- در این کتاب از منابع شناخته‌شده حوزه تحلیل گفتمان تا سال ۲۰۰۲ که سال نشر

متن انگلیسی کتاب است بهره گرفته است. برای نمونه در کتابنامه به هفت منبع از فوکو، یازده منبع از فرکلاف و بیش از ده منبع از لاکلاو و موفه یا یکی از آنها ارجاع داده شده است.

- استنادات و ارجاعات به‌صورتی دقیق و منظم و یکدست صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که ارجاعات درون‌متنی به‌صورتی یکنواخت انجام گرفته و یادداشت‌ها و توضیحات لازم در پایان هر فصل آمده است.
- هدف کتاب، معرفی و بررسی نظریه و روش در حوزه مطالعات تحلیل گفتمانی به‌ویژه در سه رویکرد گفتمانی معروف و شناخته شده است. در بررسی هر سه رویکرد توصیف، تحلیل و نقد مبانی فکری، روش و نقاط ضعف رویکردهای گفتمانی دیده می‌شود و از این نظر هم کتاب درخور توجه است. برای نمونه در بخشی از فصلی که به بررسی نظریه لاکلاو و موفه اختصاص دارد، خوانش انتقادی لاکلاو و موفه از مارکسیسم ارائه شده است. این کتاب با توجه به آنکه نگاه خواننده را به گفتمان عمیق‌تر و منسجم‌تر می‌سازد، نه تنها هیچ بعد مخربی ندارد، بلکه دارای ابعاد سازنده بسیاری نیز هست و می‌تواند نگاه ژرف علمی را در محیط‌های دانشگاهی ما یاری دهد. علاوه بر این، هیچ موردی از تعصب بی‌مورد یا سوگیری جانبدارانه از رویکردهای علمی یا نویسنده خاصی در کتاب اصلی و متن ترجمه‌شده مشاهده نشد.
- با توجه به معنابنیاد بودن ترجمه، تا حد بسیار قابل قبولی روانی در متن وجود دارد و هم معنای متن اصلی دستخوش تحولات جبران‌ناپذیر نشده است. در کل اصول ترجمه رعایت شده است و متن اصلی به‌گونه‌ای روان به فارسی برگردانده شده است.

مقاله نقد کتاب

کتاب «نظریه و روش در تحلیل گفتمان» ترجمه هادی جلیلی از نشر نی، برگردانی است از کتاب معروف و بسیار مورد استناد «Discourse Analysis as Theory and Method» نوشته ماریان یورگنسن و لوئیس فیلیپس، چاپ ۲۰۰۲ از انتشارات سیج.

کتاب حاضر در شش فصل به سه نظریه غالب در تحلیل گفتمان می‌پردازد که عبارتند از نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شانتال موفه، تحلیل گفتمان انتقادی^۱ و روان‌شناسی گفتمانی. تحلیل گفتمان که از آن با عنوان گفتمان کاوی هم یاد شده است، از رویکردهای بینارشته‌ای است که در سال‌های پس از ۲۰۰۰ میلادی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. البته تاریخچه تحلیل گفتمان حتی از نوع انتقادی آن به چندین دهه پیش بازمی‌گردد و بسته به تعریفی که از گفتمان و تحلیل آن ارائه می‌شود، می‌توان نقطه آغاز آن را متفاوت دانست.

کتاب مورد بحث از میان رویکردهای مختلف به تحلیل متن، تنها سه مورد را برگزیده است و برخی از نظریات و رویکردهای بسیار رایج که در کشور ما نیز از سوی پژوهشگران با اقبال بسیار روبه‌رو شده است، در این کتاب غایب است. پس درواقع عنوان کتاب کلتی را ارائه می‌کند که تنها بخشی از آن در متن فصول کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد.

نظریه لاکلاو و موفه بیشتر برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی استفاده شده است و در کشور ما نیز پایان‌نامه دکتری علی‌اصغر سلطانی و کتاب مستخرج از این پایان‌نامه به کاربست این نظریه در عرصه گفتمان‌های سیاسی کشور بوده و به گفتمان‌های رسانه‌ای (رسانه‌های اصلاح‌طلب) در بازه زمانی مشخص پرداخته است. چندین مقاله هم در چارچوب این نظریه در نشریات علمی - پژوهشی کشورمان منتشر شده است که از آن میان می‌توان به مقاله «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین سیاسی» نوشته کسرای و پوزش شیرازی (۱۳۸۷) در فصل‌نامه سیاست اشاره کرد.

در نظریه لاکلاو و موفه (۱۹۸۵)، تحلیل گفتمان سیاسی و درحقیقت به‌نوعی تحلیل گفتمانی در دو سطح توجه به رویدادهای ارتباطی و توجه به نظم گفتمانی انجام می‌پذیرد و هدف از تحلیل گفتمان، توضیح رویدادهای ارتباطی خاص و تشکیل و دگرگونی نظم

1. CDA

سیاسی گفتمان است. منظور از نظم سیاسی گفتمان، پیکربندی ساختمان‌های زانرها و گفتمان‌هایی است که گفتمان سیاسی را تشکیل می‌دهند؛ نظامی هرچند باز و تغییرکننده که گفتمان سیاسی‌اش را در نقطه مشخصی از زمان، معین و حدود آن را مشخص می‌کند.

مفصل‌بندی^۱ یکی از فنونی است که در اینگونه تحلیل گفتمان بسیار رایج است و منظور از آن، قرار دادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر است که به‌طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند. به عبارت دیگر تلفیقی است از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. از دیگر مفاهیم مهم در این رویکرد به تحلیل گفتمان می‌توان به وقته^۲ [که در ترجمه حاضر از آن به بُعد تعبیر شده که ترجمه واضحی نیست]، عنصر^۳، گره‌گاه‌ها^۴ و بست^۵ اشاره کرد. البته مفاهیمی مانند جذب و طرد، حوزه گفتمان و مواردی از این دست هم در نظریه یادشده بسیار مورد اشاره قرار می‌گیرد. در این نظریه، هر گفتمانی از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاص شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر گره‌گاه نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و سایر نشانه‌ها، معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند.

خاستگاه نظری نظریه لاکلاو و موفه از یکسو در سنت ساخت‌گرایی مارکسیستی و از دیگر سو در زبان‌شناسی سوسوری ریشه دارد. در نظریه لاکلاو و موفه، تمام قلمرو اجتماعی، گفتمانی بوده و در نتیجه اساس تمایز زیربنا و بنا فرومی‌ریزد. در واقع مفهوم «گفتمان» در این نظریه، جایگزین مفاهیم «ایدئولوژی» در مارکسیسم و «زبان» در نظریه‌های پسامدرن زبان‌شناختی شده است.

در این نظریه، هویت‌ها بر ساخته مفصل‌بندی هژمونیک هستند و به اعتقاد لاکلاو و موفه، هیچ مفهوم بنیادی - مانند مارکسیسم - وجود ندارد که به بقیه پدیده‌ها معنا و هویت بخشد، بلکه هویت هر چیز صرفاً در شبکه هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی شده‌اند، پدید می‌آید. کتاب حاضر هرچند خواننده را از مطالعه کتاب منبع (لاکلاو، ۱۹۸۵) بی‌نیاز نمی‌کند (و اصولاً چنین ادعایی هم ندارد)، تصویری نسبتاً واضح و جامع از ابعاد این نظریه

1. articulation
2. moment
3. element
4. nodal points
5. clouser

و روش عملی کاربست آن ارائه می‌کند.

رویکرد دیگری که در این کتاب معرفی شده است، جریان بسیار به‌روز، محبوب اما مبهم تحلیل گفتمان انتقادی است. این جریان به‌عنوان یک حوزه پژوهشی میان‌رشته‌ای از دهه ۱۹۷۰ مورد علاقه و توجه زبان‌شناسان قرار گرفت و در دهه ۱۹۹۰ (و پس از آن مانند سایر حوزه‌های تحلیل گفتمان و در حیطه‌ای وسیع‌تر تمامیت علم زبان‌شناسی) به یک حوزه دارای پیشینه تحقیق قابل توجه بدل شد. تعریفی جامع و مانع از مفهوم، روش‌ها و حد و مرز این رویکرد ارائه نشده است. اما البته تحلیل گفتمان انتقادی بیش از آنکه جریان‌محور باشد، فردمحور است. رویکرد جامعه - معناشناختی^۱ فردی مانند ون دایک^۲ با رویکرد اجتماعی ون لیون^۳ تفاوت بسیار دارد و رویکرد این دو با روش‌ها و رویکردهای دیگری چون ووداک، فاولر، کرس و... بسیار متفاوت است. در کتاب حاضر از میان رویکردهای متفاوت گردآمده زیر چتر مفهوم تحلیل گفتمان انتقادی، به رویکرد نورمن فرکلاو پرداخته شده است که در کشور ما (و سراسر جهان) یکی از شاخص‌ترین رویکردهای انتقادی به تحلیل گفتمان محسوب می‌شود و چارچوب نظری بسیار منسجم و قابل ذکر دارد.

فرکلاف زبان را کنشی اجتماعی می‌داند که تنها با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی قابل تحلیل است و نظم گفتمانی^۴ بر این کنش اجتماعی سیطره دارد. از دید فرکلاف، گفتمان حقیقی از مجموعه‌ای از نظام‌های گفتمانی که مبنایی اجتماعی دارند و مجموعه‌ای از قراردادهای تعیین‌شده توسط نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد. این نظم‌های گفتمانی به شیوه‌ای ایدئولوژیک، توسط روابط قدرت در نهادهای اجتماعی و کلیت جامعه ایجاد می‌شوند. از دید فرکلاف، گفتمان بر ساختارهای اجتماعی تأثیرگذار است، همان‌گونه که خود توسط آنها شکل می‌گیرد. بنابراین گفتمان بر تداوم اجتماع و یا تغییرات اجتماعی تأثیرگذار است. نوع ترجمه این فصل از کتاب (فصل سوم)، کمی با ترجمه‌های رایج در حوزه تحلیل گفتمان کشورمان متفاوت است و آن را برای توده علاقه‌مندان نه‌چندان آشنا با ابعاد آثار فرکلاف، دشوار و سردرگم می‌کند.

1. socio-semantic

2. Van Dijk

3. Van Leeuwen

4. order of discourse

سومین رویکرد معرفی شده در این کتاب، نظریه روان‌شناسی گفتمانی است که ریشه در نقد پارادیم روان‌شناسی اجتماعی دارد و البته در کشور ما نسبت به دو رویکرد دیگر کمتر شناخته شده است. در این کتاب، اصطلاح روان‌شناسی گفتمانی به منزله پوشش‌واژه‌ای برای پوشش دادن این مفهوم وسیع به کار گرفته شده است. روان‌شناسی گفتمانی به‌هنگام تحلیل تجربی گفتمان، برخلاف رویکردهای موجود در روان‌شناسی شناختی که بر تحلیل انتزاعی زبان متمرکزند و برخلاف نظریه‌های ساختارگرا و پس‌اساختارگرا که بر نمونه‌های مشخص از تعاملات اجتماعی متمرکز نمی‌شوند، به تحلیل کاربرد زبان در یک موقعیت مشخص توجه دارد. این رویکرد می‌تواند برای پژوهشگران کشورمان هم بسیار جالب توجه باشد و با توجه به اینکه پژوهش‌های چندانی (به نسبت دو رویکرد قبلی) در این زمینه انجام نشده است (در کشور ما)، معرفی این نظریه بسیار مفید و جالب توجه می‌نماید.

در پایان شایان ذکر است که کتاب حاضر به معرفی رویکردهای جذابی مانند دستور نقش‌گرای نظام‌مند، یا تحلیل گفتمان پیکره‌ای توجه نداشته و مجال برای معرفی این رویکردهای جذاب و به‌روز نمی‌یابد. از این منظر است که کتاب حاضر نمی‌تواند به‌عنوان منبع درسی اصلی تحلیل گفتمان در مقطع کارشناسی ارشد معرفی شود، در حالی که بالقوه می‌تواند یکی از آثاری باشد که تصویری به‌نسبت جامع از تحلیل گفتمان و شمای امروزی آن ارائه کند، همان‌طور که در سراسر جهان هم از آن به‌عنوان یک کتاب مقدماتی مهم و قابل اعتنا یاد می‌شود.

نقصان معنا

آلژیرداس ژولین گرمس، ترجمه حمیدرضا شعیری. تهران: نشر علم، ۱۳۸۹. چاپ اول، ۸۲ صفحه.^۱

۱- بررسی شکلی اثر

- کیفیت شکلی و چاپی اثر (حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، طرح جلد و...) خوب است.
- اهداف کتاب هم به صورت صریح و هم ضمنی بیان شده است. کتاب به لحاظ صوری دارای مقدمه فصل، فهرست مطالب، خلاصه فصل، جمع‌بندی و کتاب‌شناسی است.
- قواعد ویرایش و نگارش در اثر حاضر رعایت شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب «نقصان معنا» را می‌توان در مقاطع مختلف تحصیلی برای درس‌های تحلیل‌های نشانه‌شناختی، تحلیل‌های روایت‌شناسی و تحلیل‌های گفتمانی به کار برد.
- این اثر یکی از بهترین کتاب‌های گرمس در حوزه نشانه‌شناسی است و انسجام معنایی و کلامی و نظم منطقی در آن دیده می‌شود. این کتاب تحولی در علم نشانه‌معناشناسی بود.
- در استنادات و ارجاعات، دقت لازم انجام گرفته است. در ترجمه نیز امانت رعایت شده است.
- در این اثر، تحلیل علمی با روش نشانه - معناشناسی مکتب پاریس وجود دارد.

۱. یادداشت حاضر خلاصه‌ای است از مقاله علمی - پژوهشی دکتر رضا امینی با عنوان «گرمس معناهای گریزان: بررسی و نقد کتاب نقصان معنا» که در دوماهنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انتقادی: متون و برنامه‌های علوم انسانی (دوره ۱۴، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱-۱۴) چاپ شده است.

- بزرگ‌ترین نوآوری این تحلیل‌های کتاب، عبور از ساختارگرایی مکانیکی و حرکت به سمت تحلیل‌های گفتمانی است. محتوای اثر با عنوان و فهرست، انطباق خوبی دارد.

روایت فلسفی روایت

فائزه رودی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۹. چاپ اول، ۲۵۲ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری ضعیف است. هرچند قلم انتخاب‌شده برای متن و فاصله بین سطرها نسبتاً مناسب است، متأسفانه اندازه قلم‌ها یکنواخت نبوده و تناسب بین قلم‌های فارسی و انگلیسی رعایت نشده است. به‌طورمعمول اندازه قلم انگلیسی در متن، یک یا دو شماره کوچک‌تر از قلم فارسی در نظر گرفته می‌شود، اما رجوع به پی‌نوشت‌ها (مثلاً صفحات ۵۱، ۶۱، ۷۸ و...) نشان می‌دهد که قلم انگلیسی بزرگ‌تر از قلم فارسی است و نازیبا می‌نماید. در مواردی حتی قلم‌های فارسی هم یکدست نیست (به‌ویژه در پی‌نوشت‌ها مثلاً صفحه ۱۰۶) که به دلیل ناهم‌خوانی آنها درنهایت کتاب بسیار نازیبا شده است.
- کلیت صفحه‌آرایی ضعیف است؛ ازجمله استفاده از یک قلم یک‌اندازه برای تمام بخش‌ها حتی برای تیتروهای فصل‌ها، زیرتیر و حتی صفحات جداکننده بخش‌های کتاب، تورفتگی بیش‌ازحد پاراگراف‌ها (که معمولاً نیم‌سانتی‌متر در نظر گرفته می‌شود).
- طرح جلد برخلاف صفحه‌آرایی کتاب، ساده و درعین‌حال زیبا و جذاب است.
- متأسفانه قواعد عمومی نگارش در این اثر به‌هیچ‌عنوان رعایت نشده است. بزرگ‌ترین اشکال کتاب، رعایت نکردن قواعد رسم‌الخط زبان فارسی است که تقریباً در تمام صفحات کتاب به چشم می‌خورد، مانند استفاده نکردن از نیم‌فاصله (به‌ویژه در فعل‌ها و حروف جمع)، استفاده از علامت نقل قول انگلیسی (") به جای گیومه ("")، وجود فاصله‌های اضافی بین کلمات و حتی برخی غلط‌های املائی (مانند ص ۱۴۴، سطر ۱۱: بیننده یا ص ۱۴۵، سطر ۲۰: خوانده) که نشان می‌دهد ویرایش ادبی و نمونه‌خوانی اثر در کل صورت نگرفته است.

- ویرایش تخصصی اثر نسبتاً مناسب است. متن کمابیش روان و رساست. البته در مواردی که نقل قول‌ها از منابع فارسی صورت گرفته، روانی متن بهتر است تا مواردی که نویسنده خود دست به ترجمه زده است (به‌عنوان مثال در صفحات ۴۳-۴۴، پی‌نوشت شماره ۳۲ روان ترجمه نشده است).

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب دارای پیشگفتار، بیان ضمنی هدف اثر، فهرست اجمالی، تصویر، نتیجه و جمع‌بندی کلی و کتاب‌شناسی است.
- این کتاب دارای دو بخش است. بخش اول کتاب «روایت فلسفی روایت: از باستان تا پست‌مدرن» نام دارد که خود به دو فصل «دربارهٔ روایت» و «روایت بر زمینهٔ دیدگاه‌های فلسفی» تقسیم شده است. بخش دوم «روایت در فلسفهٔ پست‌مدرن» نام دارد. در این بخش، روایت در دوران پست‌مدرن از منظر معنا، واقعیت، قدرت و فلسفه بررسی شده است. اما در قسمت‌های مختلف این بخش، تقابل بین روایت تا دوران پست‌مدرن و سپس قرائت پست‌مدرن مطرح می‌شود. هرچند طرح مسئله پست‌مدرن بدون ارجاع به مسئله مدرنیسم موضوعیت ندارد، باید گفت این بخش و به‌نوعی کلی، کتاب بر اساس همین تقابل بنیان نهاده شده است. ازاین‌رو انسجام مطالب بین بخش اول و دوم کتاب چندان مناسب نیست. شاید بهتر این بود که پس از ارائهٔ تصویری مقدماتی از روایت، تقابل بین روایت در دوران مدرن و پست‌مدرن بر اساس محورهایی که در هر دو بخش درباره آنها بحث شده، مطرح می‌شد.
- به‌طورکلی انسجام مطالب بیشتر فصل‌های کتاب مناسب است، البته به‌جز فصل دوم. فصل دوم قرار است «روایت بر زمینهٔ دیدگاه‌های فلسفی» را بررسی کند، اما گاه با مسئلهٔ هنر مواجه می‌شویم؛ گویی روایت تنها در چارچوب هنر مطرح است و بس. ازاین‌رو انسجام این فصل از کتاب با عنوان آن محل تردید است.
- میزان استفاده از منابع فارسی، خوب و مناسب است، زیرا اکثر آثار مهم یکی دو دهه اخیر در این زمینه بررسی شده است. اما منابع انگلیسی کتاب بسیار محدود است (تنها چهار کتاب و یک سایت که سه مورد از کتاب‌های یادشده متعلق به یک دههٔ

روایت فلسفی روایت ۶۱

قبل بوده و تنها کتابی که مستقیماً به مسئله پست‌مدرن مربوط است نیز کتابی است متعلق به دو دهه قبل (سال انتشار: ۱۹۹۱)) و هیچ منبع انگلیسی که مستقیماً موضوع روایت در دوران پست‌مدرن را مطرح کرده و به‌تازگی انتشار یافته باشد، مشاهده نمی‌شود.

- دقت در استنادات و ارجاعات کمابیش خوب است و در اغلب فصل‌ها بیش از سی تا چهل ارجاع داده شده است. البته وضعیت شکلی ارجاعات مناسب نیست و گاه پاراگراف‌های طولانی در داخل متن آورده شده است، بدون اینکه از متن اصلی متمایز گردد.
- به نظر می‌رسد رعایت امانت در اثر تا حد بسیار زیادی صورت گرفته باشد.
- در این اثر به نقد و مقایسه روایت تا پیش از دوران پست‌مدرن و همچنین در دوران پست‌مدرن پرداخته شده است. خود این تحلیل و بررسی ارزشمند است.
- در این اثر، بی‌طرفی علمی رعایت شده و جانبداری غیر علمی مشاهده نشده است.
- نکته نوآورانه این اثر، مقایسه موضوع روایت در دوران پست‌مدرن و پیش از آن با توجه به محورهای مهم مربوط به روایت است. همچنین تحلیل و توصیف متون و فیلم بر اساس روش‌های جدید از ویژگی‌ها و نوآوری‌های این اثر است.
- عنوان کتاب «روایت فلسفی روایت از باستان تا پست‌مدرن» است. از طرفی کتاب دارای دو بخش است و عنوان بخش اول کتاب هم دقیقاً همین است یعنی «روایت فلسفی روایت از باستان تا پست‌مدرن». از این‌رو نام‌گذاری کتاب بر اساس عنوان بخش اول نشان می‌دهد که یا عنوان کتاب نامناسب است (زیرا بخش دوم کتاب را در نظر نگرفته است) یا عنوان بخش اول با محتوای آن مناسبت ندارد (زیرا در غیر این صورت چه نیازی به طرح بخش دوم کتاب بود). به نظر گزاره دوم صحیح‌تر باشد، زیرا بخش اول به روایت فلسفی روایت نمی‌پردازد، بلکه روایت را به‌طور عام مد نظر دارد. انطباق محتوای اثر با عناوین و فهرست در بخش دوم کتاب بهتر و پذیرفتنی‌تر است.
- این اثر با وجود تناسب آن در زمینه دروسی نظیر شناخت جنبه‌های فلسفی آثار

هنری، یا آشنایی با آرای متفکران و هنر در دوران پست‌مدرن، کتاب جامعی در این زمینه نیست و البته به این منظور هم تدوین نشده است. بنابراین می‌توان از آن به‌عنوان یک منبع فرعی استفاده کرد.

- بخش‌هایی از این کتاب را می‌توان به‌تناسب برای درس‌ها و موضوع‌هایی مانند نشانه‌شناسی، روایت‌شناسی و تحلیل گفتمان، شناخت جنبه‌های فلسفی در نقاشی، موسیقی و ادبیات، آشنایی با آرای متفکران در باب هنر و زیبایی و هنر از منظر اندیشه پست‌مدرن برای دوره کارشناسی و کارشناسی‌ارشد استفاده کرد. این کتاب به‌طور کامل و دقیق با سرفصل‌های درس خاصی انطباق ندارد و البته این موضوع را نباید نقطه‌ضعف کتاب تلقی کرد.
- در این کتاب هم از تصاویری برای طرح مباحث مربوط به هنر بهره گرفته شده و در پایان بخش دوم نیز جمع‌بندی از این بخش صورت گرفته است. هرچند جمع‌بندی یادشده صرفاً مربوط به بخش دوم کتاب است و بخش اول فاقد این جمع‌بندی است.
- به‌طور کلی می‌توان گفت از اصطلاحات مناسب و رایج در این حوزه استفاده شده است و اغلب این اصطلاحات برای مخاطب تخصصی آشنا و ملموس است؛ به‌ویژه اینکه استفاده از منابع معتبر فارسی در این کتاب زیاد صورت گرفته و در نتیجه واژگان و اصطلاحات مورد استفاده مناسب هستند.
- تعارض آشکاری بین محتوای اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول آن مشاهده نمی‌شود. نویسنده در همه‌جا گفتمان پست‌مدرن و قرائت چندجانبه آن از روایت را برتر و جامع‌تر از گفتمان دوران مدرن و ماقبل مدرن می‌داند. به‌طور کلی این اثر جهت‌گیری خاصی درباره فرهنگ و ارزش‌های دینی و اسلامی ندارد، زیرا موضوع آن چندان به این حوزه ربط پیدا نمی‌کند. البته مباحث کتاب بیشتر بر زمینه فلسفی روایت استوار بوده و بدیهی است که این مباحث بیشتر در همان چارچوب غربی مطرح شده باشد.

انگلیسی برای دانشجویان برنامه‌ریزی درسی

محمود مهرمحمدی، غلامرضا کیانی و مریم خضری‌نژاد. تهران: سمت، ۱۳۸۲. چاپ اول، ۱۴۳ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری اثر خوب است. صفحه‌آرایی نسبتاً خوب است. البته اگر در ابتدای هر درس تصویر کوچکی برگرفته از مطالب درس اضافه می‌شد، مناسب‌تر و جذاب‌تر بود. صحافی نیز مناسب به نظر می‌رسد.
- طرح جلد مشکی چندان مناسب نیست. اگر طرحی متناسب با مطالب کتاب تهیه می‌شد، بهتر بود.
- قواعد عمومی ویرایش و نگارش رعایت شده است.
- محتوا، تناسب و جامعیت نسبی دارد. البته متن‌های انتخاب‌شده و محتوای در نظر گرفته شده برای کتاب و برای فصل‌های ۴، ۵ و ۶ می‌توانست از مباحث مهم‌تری مانند «curriculum Theory»، «curriculum change»، «curriculum orientations»، «curriculum evaluation»، «curriculum issues» و «curriculum development» انتخاب شود. همچنین در صورتی که از اندیشمندان و نویسندگان معتبری در این حوزه چون شوبرت، مک‌نیل، شورت، میلر، ارنشتاین و... متنی انتخاب می‌شد، در آشنا کردن دانشجویان با مباحث ضروری‌تر حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌توانست مفیدتر باشد.
- محتوای اثر با عنوان و فهرست هم‌خوانی دارد و مشکلی ندارد. همچنین مطالب با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم منطبق است و کتاب برای دانشجویان دوره کارشناسی مفید به نظر می‌رسد.
- اطلاعات کتاب تقریباً روزآمد است. البته اگر کتاب، تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری ویژه‌ای برای ارجاع دانشجویان به منابع دیگر داشت، بهتر می‌توانست آنها را با سایر منابع آشنا سازد.

- نظم منطقی و انسجام مطالب خوب است و روندی منطقی از ساده به مشکل و پیچیده‌تر را پی می‌گیرد.
- روی هم رفته منابع از نظر علمی معتبر هستند. البته زمینه‌های اساسی‌تر و قسمت‌های مناسب‌تری در حوزه برنامه‌ریزی درسی وجود دارد که می‌توانست در فصل‌های ۴، ۵ و ۶ استفاده شود.
- در استنادات و ارجاعات دقت کافی شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- از نظر ویژگی‌های صوری کتاب حاضر، فهرست کلی، راهنمای علائم آوانگاری، پیشگفتار و فهرست منابع دارد.
- بهتر است که در بخش پیشگفتار یا در بخشی با عنوان مقدمه، ساختار کتاب و شیوه ارائه مطالب توضیح داده شود.
- بهتر است در بخش پیشگفتار، به سابقه و حیطة تخصصی فعالیت نویسندگان نیز به گونه‌ای اشاره شود.
- راهنمای علائم آواشناختی ارائه شده، با آنچه در فرهنگ‌های تک‌زبانه یا دوزبانه جدید یافت می‌شود، تفاوت دارد. بهتر بود از علائم آوانگاری همچون الفبای بین‌المللی آوانگاری^۱ برای این منظور استفاده می‌شد.
- در هر درس، عنوان درس در یک صفحه برای نمونه lesson one ارائه شده است و عنوان اصلی، پس از ارائه تعدادی از واژه‌های مربوط به متن در صفحه دیگری ذکر شده است (مثلاً reading). این شیوه در ذکر عنوان درس مرسوم نیست.
- در بین واژه‌های فهرست شده در ابتدای هر درس، تعداد زیادی از واژه‌های عمومی و غیر تخصصی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در درس اول: «organize»، «balance» و «initiate»، در درس سوم واژه‌های «endeavor»، «emerging» و «approach» ارائه شده است. در واقع در درس زبان تخصصی، انتخاب واژه‌ها باید به گونه‌ای باشد که تنها با مشاهده واژه‌ها، حیطة و زمینه مورد بحث در کتاب مشخص شود. در عین حال بافتی که برای هر واژه ارائه شده است نیز بافتی کلی و غیر مرتبط با

1. IPA

متون تخصصی رشته است. تواناساختن دانشجویان رشته‌های مختلف در استفاده از منابع خارجی از یکسو و ترجمه منابع به فارسی از سوی دیگر، از اهداف درس زبان تخصصی است. در این کتاب تنها تعریف یا معادل انگلیسی واژه‌ها هدف است و دانشجویان با معنا و معادل فارسی اصطلاح تخصصی آشنا نمی‌شوند.

- در متنی که برای خواندن ارائه شده است و محتوای درس را شامل می‌شود، پس از هر پاراگراف، یک پرسش درباره آن پاراگراف ارائه شده است. این پرسش به لحاظ اصول کتاب‌های خواندن - که به نظر می‌رسد این کتاب نیز سعی دارد از آنها تبعیت کند - به این شیوه توجهی ندارد. اگر پرسش در ابتدا و در بخش به اصطلاح prereading مطرح شده بود، به آماده‌سازی ذهن دانشجو کمک می‌کرد، ولی به این شکل کمکی به یادگیری نمی‌کند، به‌ویژه که پرسش‌های درک مطلب در ادامه و در بخش تمرین‌ها ارائه شده است.

- به نظر می‌رسد نویسندگان محترم از دانشجویان انتظار دارند که مطالب مرتبط با رشته تحصیلی‌شان را بتوانند به انگلیسی از حفظ کنند و فراگیرند. تجربه نشان داده است که سطح انگلیسی دانشجویان اغلب به این اندازه نیست و با توجه به طولانی بودن متون هر درس و ساده‌نکردن و آماده‌نساختن مطلب برای چنین هدفی، از عهده این کار برنخواهند آمد.

- تمرین‌های کتاب به لحاظ تنوع خوب است. اما به لحاظ محتوا، نکاتی قابل ذکر است: ✓ تمرین‌های واژگان^۱، ارتباطی با واژه‌های تخصصی ندارد، بلکه تعدادی واژه که دلیل انتخابشان قابل درک نیست، در غالب جمله‌هایی ارائه شده است که آنها هم عمومی و نامرتبط با موضوع هستند (این موضوع تقریباً برای همه درس‌ها بیش و کم صادق است).

- ✓ در بخش تمرین‌های دستوری نیز نکته‌ای قابل ذکر است. هدف از نگارش کتب درسی در نهایت آموزش دانشجویان است. در این کتاب، نکته گرامری همانند کتاب‌های مهارت خواندن (در رشته زبان انگلیسی یا زبان عمومی رشته‌های دانشگاهی) مورد توجه قرار گرفته است، بدون آنکه نکته مورد نظر به شیوه‌ای پیش از ارائه در تمرین‌ها آموزش داده شده باشد. باز هم در این بخش، تمرین‌ها در

- غالب جمله‌ها و واژه‌های غیر تخصصی ارائه شده است.
- ✓ این کتاب بیشتر زبان عمومی با استفاده از متن‌های خواندن مرتبط با رشته برنامه‌ریزی درسی است، نه زبان تخصصی.
- ✓ آوانگاری‌ها به‌ویژه جایگاه تکیه در واژه‌های ارائه‌شده در ابتدای درس‌ها دارای غلط است. به‌عنوان مثال در واژه «concept»، تکیه در هجای اول باید باشد، ولی در صفحه ۱۰ کتاب در فهرست واژه‌ها، تکیه در هجای دوم قرار گرفته است. همچنین در واژه «diagnostic»، جایگاه تکیه اشتباه است. به‌طور کلی شیوه آوانگاری بسیار نامتعارف است.
- ✓ متن درس دوم طولانی است: چهار صفحه کامل بدون فاصله و حاشیه مناسب.
- ✓ به‌طور کلی بهتر است متن‌های ارائه‌شده در هر درس، زیرعنوان هم داشته باشد تا دانشجو بتواند با متن، ارتباط بیشتری برقرار کند و نظم مورد نظر در ارائه مطالب را دریابد.
- ✓ در مواردی، پرسش‌های درک مطلب بسیار متن - وابسته طراحی شده‌اند. یعنی به‌عنوان مثال در صفحه ۲۳ در پرسش اول و دوم از عبارت‌های *In this approach and Advocates of this design* استفاده شده است که بهتر بود عنوان رویکرد یا طرح ارائه می‌شد.
- در کتاب مشخص نشده است که برای ارائه معنی یا صورت تلفظی واژه‌ها از چه منبعی استفاده شده است.
 - ارجاع متن‌های ارائه‌شده در کتاب، در پایان هر متن مشخص شده است.
 - در نهایت جای تمرین‌هایی که واژه‌های تخصصی و معادل‌های فارسی آنها را هدف قرار دهد، در این کتاب خالی است.
 - بهتر بود به مباحثی چون «syllabus design» نیز اشاره می‌شد.
 - در چنین کتابی، ارائه نمایه واژه‌های تخصصی می‌تواند دانشجویان را در یافتن معادل و معنای واژه‌های تخصصی یاری کند.
 - به‌طور کلی بهتر است متن‌ها کوتاه‌تر باشد.
 - رعایت بیشتر اصول صفحه‌آرایی و استفاده از امکانات مختلف برای برجسته کردن واژه‌های تخصصی، ارائه بخش‌بندی‌های ریزتر، افزودن بر حاشیه بالای صفحه و فاصله بین پاراگراف‌ها می‌تواند کتاب را ملموس‌تر و خواندنی‌تر کند.

آموزش نوین زبان روسی

حسین لسانی. تهران: کوهسار، ۱۳۸۲. چاپ اول، ۴۲۶ صفحه.

کتاب حاضر برای درس‌های دستور زبان روسی (تخصصی) و زبان روسی مقدماتی (پایه) در دوره‌های کارشناسی زبان روسی به‌عنوان کتاب مرجع مناسب است.

۱- بررسی شکلی اثر

- شکل ظاهری کتاب به لحاظ چاپ، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی خوب است، ولی اگر صحافی و جلد محکم‌تری برای آن استفاده شود، بهتر است.
- نگارش متن، روان و رساست و انسجام و سیر منطقی خوبی دارد.
- منابع استفاده‌شده معتبر و در زمان تألیف کتاب به‌روز بوده است. باوجود این ارجاع به منابع به‌خوبی و کمال صورت نگرفته است.
- در برخی موارد غلط چاپی وجود دارد: در مشخصات کتاب، واژه قلبی به‌جای قبلی آورده شده است. نویسنده خود نیز در صفحه پانزده (پیشگفتار) کتاب به وجود اشتباهات در چاپ اول اشاره کرده است.
- در صفحه ۱ در قسمت الف، ترتیب حروف الفبایی هم‌خوان‌ها رعایت شده، اما برای واژه‌ها رعایت نشده است.
- احتمالاً به‌دلیل استفاده از نرم‌افزارهای قدیمی برای تایپ و حروف‌چینی، از حروف ثابت و یکنواختی برای حروف‌چینی استفاده شده است که متن کتاب را کمی خسته‌کننده و غیر جذاب کرده است.
- در زبان روسی برای نشان‌دادن شناسه و یا پایانه قبل از آن و برای ریشه، در هر دو طرف علامت نیم خط (-) گذاشته می‌شود، ولی در بسیاری از موارد این قاعده رعایت نشده است: ص ۱۰ (а) و (я)، (тель) و (арь)، ص ۱۴ و ۱۵ (б) و (а)،

ص ۲۵ (TI)، ص ۲۹ (IO) و

- موازین صفحه‌آرایی در این اثر به‌طور کلی رعایت شده است، ولی در مواردی نیز لحاظ نشده است:
- ✓ در صفحه ۳۳: جدول در دو صفحه و بدون تکرار سرتیتر جدول آمده است.
- ✓ در صفحه ۳۴: در قسمت مطالب فارسی، حاشیه پایین صفحه خیلی کم و در مواردی اصلاً وجود ندارد، مانند صفحه‌های ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳ و
- ✓ در صفحه ۲۷: صرف فعل بیمار بودن می‌توانست در یک صفحه آورده شود.
- کیفیت چاپ و جنس کاغذ چندان مناسب نیست و طرح جلد ساده است. در کل قواعد عمومی ویرایش و نگارش رعایت شده است.
- کتاب دارای پیشگفتار، مقدمه کلی و مقدمه فصل‌های مختلف است. بیان هدف به‌صراحت در کتاب ذکر شده است. فهرست مطالب تفصیلی است و در متن کتاب به تناسب از جدول استفاده شده است. کتاب دارای تمرین و آزمون است و در پایان آن، فهرست موضوعی و منابع درج شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- نویسنده در پیشگفتار (ص ۱) چنین آورده که این کتاب جنبه کاربردی دارد و آن را به‌عنوان کتاب کمک‌درسی پیشنهاد داده است.
- در مجموع به‌لحاظ ارائه مطالب، انسجام کافی دیده می‌شود.
- در این اثر برای یک اصطلاح روسی (در حوزه‌های مختلف آواشناسی، دستوری و...) گاه یک معادل و گاه هم‌زمان از چند معادل استفاده شده است:
- ✓ صفحه ۱: نوشتن پی‌درپی سه واژه هم‌خوان، صامت یا بی‌صدا برای واژه «СОГЛАСНЫЙ» و واکه، مصوت یا صدادار برای واژه «ГЛАСНЫЙ».
- ✓ صفحه ۳۴: برای «-НУ-» و «-Л» اصطلاح پسوند به کار برده شده، که به نظر صحیح نیست.
- در صورت ارائه اصطلاحات تخصصی در پایان کتاب، اینگونه واژه‌های تخصصی، یکدست و یکسان‌سازی می‌شدند.

- در کل نویسندگان با استفاده از تجربیات شخصی و برخی منابع خاص سعی نموده کتاب جامعی در این باره ارائه کند.
- در برخی موارد کتاب به جزوه درسی و کلاسی شبیه شده و روند علمی خود را از دست داده است. به عنوان مثال در صفحه ۲۸، نخست معادل فارسی داده شده و بعد شناسه روسی آورده شده است (در صفحه‌های ۱۵۶ تا ۱۶۴، صرف کلیه اعداد آورده شده است که نیازی نیست).
- کتاب، محتوای «آموزش زبان روسی» را مدنظر قرار داده، اما چرا واژه «نوین» به عنوان کتاب اضافه شده، مشخص نیست. از آنجاکه کتاب برای آموزش زبان روسی به «ایرانیان» یا «فارسی‌زبانان» نگاشته شده است، از این رو یکی از این دو قید می‌توانست به آخر عنوان کتاب اضافه شود.
- عنوان روسی کتاب با عنوان فارسی آن تطابق ندارد. ترجمه عنوان روسی چنین است: «کتاب درسی زبان روسی».
- در دو چاپ کتاب، دو عنوان روسی جداگانه برای کتاب انتخاب شده است: ۱- Учебник русского языка و ۲- Новое учение русского языка
- به نظر می‌رسد شکل دوم به عنوان فارسی نزدیک‌تر است.
- محتوای کتاب با دروس دستوری زبان روسی برای ایرانیان تطابق دارد.
- از موارد قابل تأمل در کتاب، سعی نویسندگان در ارائه معادل فارسی برای ساختارهای مختلف دستوری است. این موضوع در بیشتر موارد، روند صحیح خود را طی نموده و در برخی موارد، نیاز به بازنگری دارد.
- هیچ استناد مستقیم و یا غیر مستقیم در کتاب ملاحظه نشد. در انتهای کتاب، منابع استفاده شده ذکر نشده است. اما مقایسه کتاب با منابع روسی موجود، نشان می‌دهد که محتوای اصلی آن احتمالاً از کتاب معروف پولکینا اقتباس شده است که چاپ نخست این کتاب به دهه ۷۰ میلادی بازمی‌گردد. این کتاب بارها تجدید چاپ شده و هم‌اکنون نیز برای آموزش به خارجیان استفاده می‌شود.
- زمان چاپ کتاب، آخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، تقریباً کتاب خاصی در این زمینه

و با این محتوا برای فارسی‌زبانان وجود نداشت. به یقین اگر نویسنده خود دوباره دست به نگارش اثر بزند و یا قصد بازنگری کتاب خود را داشته باشد، با توجه به تجربیات جدید آموزشی و همچنین نگارش چند کتاب موازی دیگر توسط استادان ایرانی (زهرایی، کریمی مطهر، ولی‌پور و...)، بخش‌های عمده‌ای از کتاب بازنویسی و یا تغییر خواهد کرد.

- انسجام مطالب به‌لحاظ محتوایی و ظاهری در بیشتر موارد رعایت شده است.
- در مواردی جزئی، ترتیب و تسلسل مطالب به هم خورده است. صفحات ۷۵ تا ۷۷ درباره کاربرد دو فعل روسی در بند هفت آورده شده که با محتوای قبل و بعد آن بی‌ارتباط است.
- در صفحه‌های ۱۳۸ تا ۱۴۸، یکی از موضوعات مهم دستوری زبان روسی، یعنی افعال حرکتی آورده شده است، اما این مطالب با موضوعات قبل و بعد ارتباط منطقی ندارد.
- ارجاعی به منابع مورد استفاده در نگارش کتاب نشده است.
- برای تمرین، یکی از کتاب‌های مشهور روسی در انتها آورده شده و در بیشتر موارد به آن ارجاع داده شده است. در صفحه ۴۱، بهتر بود تمرین‌ها موارد مشابه به صفحات کتاب ضمیمه روسی برای تمرین ارجاع داده می‌شد.
- از آنجا که کتاب تنها به مطالب آموزشی زبان روسی به دور از انگیزه‌های فرهنگی در آموزش زبان روسی اقدام نموده است، از این رو مطلبی دال بر انحراف از مبانی و اصول دینی و اسلامی در کتاب ملاحظه نشد.

از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری

فاطمه مدرسی. تهران: چاپار، ۱۳۸۶. چاپ اول، ۴۹۴ صفحه.

این کتاب برای درس‌های مقدمات زبان‌شناسی، زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی در دوره‌های کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسی به‌عنوان کتاب مرجع مناسب است.

۱- بررسی شکلی اثر

امتیازات

- این اثر از نظر طرح روی جلد، صفحه‌آرایی، حروف‌نگاری و صحافی، کیفیت مطلوبی دارد. قواعد عمومی ویرایش و نگارش نیز در حد بسیار خوبی رعایت شده است. به‌لحاظ صوری، کتاب دارای مقدمه، فهرست مطالب، نمودار، جدول و منابع است.

کاستی‌ها

- مدخل اصلی بدون هیچ نشانه‌ای آمده است. در برخی موارد مدخل فرعی با شماره مشخص شده و اگر مدخل فرعی، خود در بردارنده مدخل‌های فرعی‌تر باشد، با حروف الفبا مشخص شده است؛ ولی در پاره‌ای از موارد برعکس عمل شده است (مثال: صفحه ۴۶ تا ۵۵ و ۲۴ تا ۲۷).
- برخی از وندها همراه با نشانه (_) آمده، ولی در برخی موارد این علامت نیامده و وند به هیئت یک واژه ظاهر گشته است (مثال: صفحه ۷۶ تا ۸۶).
- در قسمت منابع، یکی از منابع بدون عنوان و یکی هم بدون تاریخ آمده است:
✓ خیام پور، عبدالرسول (۱۳۳۴)، چاپ دوم، تبریز.
✓ لاینز، جان، طرحی ساده از دستور زبان زایشی، ترجمه رضا نیلی‌پور.

۲- بررسی محتوای اثر

امتیازات

- در این اثر اصطلاحات بسیاری در حوزه‌های نحو، صرف، معنی‌شناسی و آواشناسی معرفی شده است.
- برای بسیاری از اصطلاحات، مثال‌هایی از زبان فارسی ارائه شده و این باعث می‌شود که پژوهش در این زمینه‌ها درباره زبان فارسی آسان‌تر شود.
- بسیاری از وندهای زبان فارسی همراه با مثال معرفی شده است.
- انواع مختلف اسم، متمم، قید، اضافه، بدل، صفت، ضمیر و فعل همراه با مثال معرفی شده است.
- نویسنده محترم برخی از نظریه‌های زبان‌شناسی را در این کتاب معرفی کرده است.
- در بسیاری از موارد در صورت نیاز، از نمودار و جدول برای روشن‌شدن مطلب استفاده شده است.
- در تألیف و گردآوری این اثر، نویسنده محترم از منابع متعددی در زمینه دستور زبان استفاده کرده است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر مطلوب است.
- در این کتاب از بیش از ۱۵۰ منبع، تألیف نویسندگان ایرانی و یا ترجمه کتب غیر فارسی استفاده شده است. سال انتشار برخی منابع نیز مربوط به حدود ۵۰ سال قبل از این اثر است.
- کیفیت رعایت امانت در این اثر مطلوب است. میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر از جهت توجه به اصول منبع‌دهی علمی نیز در حد مطلوبی ارزیابی می‌شود. منبعی نیز مشاهده نشد که بدون ذکر مأخذ از آن استفاده شده باشد.

کاستی‌ها

- بسیاری از نمودارهای درختی به صورت سه شاخه‌ای ترسیم شده است، درحالی‌که باید دوشاخه‌ای باشد.
- مواردی از اشتباه در حروف چینی مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال:

از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری ۷۳

- ✓ در صفحه ۳۹۶، پاورقی ۳ باید برای کلمه «نودستوریان» درج شود، ولی برای «خواندند» درج شده است.
- ✓ سطر ششم در صفحه ۱۱۳، «چه نامه‌ای» به شکل «چه نامه‌ای» نوشته شده است.
- ✓ در صفحه ۱۹۸، «یکنواخت» به شکل «یک نواخت» نوشته شده است.
- ✓ در صفحه ۳۵۸ آمده «نحو کلمه‌ای است یونانی...»، در حالی که به جای کلمه «نحو» باید کلمه «syntax» نوشته شود.
- ✓ در صفحه ۴۱۲، «Phonotactics» به شکل «Phono tactics» نوشته شده است.
- نویسنده محترم برای برخی از اصطلاحات، معادل‌های مناسب به کار برده است، ولی برای برخی دیگر از اصطلاحات، معادلی ارائه نکرده است. از آنجاکه کتاب یادشده یک فرهنگ زبان‌شناسی است، ارائه معادل برای مدخل‌ها و اصطلاحات مندرج، دسترسی به آنها را برای خواننده آسان‌تر خواهد کرد. در این کتاب، اصطلاحات متعددی بدون ذکر معادل لاتین آمده است، از قبیل: ابهام (کژتابی)، خیزان، افتان، اسم جنس، اشتقاق، برجسته‌سازی، پایه‌وار، تجزیه مؤلفه‌ای، تضاد معنایی، تضمن، توانش، جفت کمینه، چندمعنایی، فعل آغازی، تفسیر، تناقض، گذرا، ناگذرا، مجهول، سببی، قلب، قواعد بازگشتی، کاربردشناسی، مکرر، ممیز، میانوند، نام‌آوا، نحو، نماد، نمایه، واج، واج‌شناسی، وجه، اخباری، التزامی، هم‌معنایی (ترادف)، هم‌نامی و هم‌نویسه.
- برخی معادل‌های لاتین به صورت زیرنویس و برخی دیگر در کنار مدخل فارسی آمده است. اگر همه معادل‌ها به یک شیوه ارائه می‌شد، کار برای خواننده این کتاب آسان‌تر می‌بود.
- نویسنده محترم بیشتر به مباحث دستوری، معناشناختی، صرفی، واجی و معرفی برخی مکاتب و نظریه‌های زبان‌شناختی و برخی از زبان‌های خانواده ایرانی پرداخته و اشاره‌ای به مباحث کلیدی مطرح دیگر در حوزه‌هایی مانند تحلیل کلام و شاخه‌های میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی مثل جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان نکرده است.
- همان‌گونه که از عنوان کتاب (از واج تا جمله، فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری)

برمی‌آید، این کتاب بیشتر دربارهٔ دستور زبان است. در تألیف و گردآوری این اثر، نویسندۀ محترم از منابع متعددی در زمینهٔ دستور زبان استفاده کرده است. البته اشاره‌هایی به برخی از مکاتب زبان‌شناسی شده است، اما به مواردی مانند کمینه‌گرایی، نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی، دستور رابطه‌ای، زبان‌شناسی شناختی و دستور واژی - نقشی اشاره‌ای نشده است.

- از آثار جدید زبان‌شناسی استفادهٔ زیادی نشده است. کتاب در سال ۱۳۸۶ منتشر شده، ولی تنها ده منبع از ۱۵۰ منبع، مربوط به سال‌های پس از سال ۱۳۸۰ است.
- از برخی آثار شاخص جدید ایرانی در زبان‌شناسی (مانند تألیفات محمد دبیرمقدم) به‌ویژه در زمینهٔ نحو و نظریه‌های زبان‌شناسی استفاده نشده است.
- از منابع خارجی نیز (به غیر از ترجمه) استفاده نشده است.

پیشنهادهای

- بی‌گمان تألیف یک فرهنگ تخصصی که بتواند تمام اصطلاحات مطرح در زبان‌شناسی را پوشش دهد، کاری بس دشوار است و کاری که فاطمه مدرسی انجام داده است، بسیار قابل تقدیر است. به‌طور کلی این کتاب مرجعی بسیار مفید برای علاقه‌مندان و پژوهشگران زبان‌شناسی است.
- به‌طور کلی منابع به‌کاررفته، معتبر و مفیدند، ولی می‌توان از منابع اصلی جدید و دست اول هم در ویرایش‌های بعدی سود جست.
- پیشنهاد می‌شود برای تمام مدخل‌های کتاب، معادل‌های مناسب به کتاب افزوده شود و شیوهٔ معادل‌نویسی هم یکنواخت گردد.
- بازنگری در نمودارهای درختی و رفع اشکالات تایپی نیز در ویرایش‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد.
- درج مواردی از قبیل «انضمام»، «ارتقا»، «افزوده»، «سور»، «دستوری‌شدگی»، «مبتداسازی»، «مطابقه» و نظریه‌های مهم زبان‌شناسی مثل «حاکمیت و مرجع‌گزینی»، «کمینه‌گرایی»، «دستور واژی - نقشی» و «زبان‌شناسی شناختی» نیز بر میزان مرجع‌بودن این اثر می‌افزاید.

اصول و روش نامه‌نگاری به زبان روسی

مرضیه یحیی‌پور. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷. چاپ دوم، ۲۹۹ صفحه.

این اثر به‌عنوان منبع اصلی برای درس «نامه‌نگاری در زبان روسی» و منبع فرعی برای درس «ترجمه اسناد و مکاتبات» در دوره کارشناسی زبان و ادبیات روسی مناسب است. این کتاب، آموزشی است و هدف از آن، آموزش حرفه نامه‌نگاری به شیوه‌ای علمی است.

۱- بررسی شکلی اثر

امتیازات

- وضعیت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی درمجموع خوب و مطلوب است. طرح جلد با موضوع تناسب دارد. قواعد عمومی نگارش و ویرایش در متن روسی به‌طور کامل و در متن فارسی نیز تقریباً به‌طور کامل رعایت شده است.
- کتاب حاضر به‌لحاظ صوری جامع است و دارای پیشگفتار، بیان هدف، مقدمه کلی و فصول مختلف، فهرست تفصیلی مطالب، تمرین و آزمون، خلاصه کلی، نتیجه و جمع‌بندی کلی، فهرست اعلام، موضوعی و منابع است.

کاستی‌ها

- طرح جلد علی‌رغم داشتن تناسب با موضوع، چندان جذاب نیست.

۲- بررسی محتوای اثر

امتیازات

- استفاده از مثال‌های مناسب در هر فصل، درک خواننده را عمیق‌تر و یادگیری را عملی می‌کند. تمرین و آزمون در پایان کتاب آمده است که مروری بر کل کتاب دارد و منبع مناسبی برای آزمون‌های نامه‌نگاری و ترجمه اسناد و مکاتبات به‌شمار می‌رود. جدول علائم ویراستاری و علائم اختصاری، کمک زیادی به خواننده فارسی‌زبان می‌کند. تصویر

- نیز در موارد لزوم به مناسبت استفاده شده است. واژه‌نامه پایان کتاب و ضربه‌گذاری روی کلمات روسی نیز از نکات قوت کتاب است.
- معادل‌سازی اصطلاحات و واژه‌های تخصصی با دقت و به‌خوبی صورت پذیرفته است.
 - کتاب با توجه به‌عنوان، محتوا و مضمون، با هدف درس مورد نظر انطباق دارد و مرجع مناسبی برای درس نامه‌نگاری است. همچنین انطباق متن با فهرست کتاب به‌طور کامل احراز شده است.
 - محتوای کتاب در مقایسه با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، انطباق کامل را نشان می‌دهد.
 - استفاده از منابع، جامع است. هم از منابع قدیمی و معتبر نامه‌نگاری استفاده شده، هم از منابع جدید. علاوه بر منابع روسی از منابع فارسی نیز استفاده کافی شده است.
 - کتاب حاضر تنها کتاب در موضوع خود است که برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات روسی ایران نوشته شده است و با توجه انواع مختلف نامه‌نگاری می‌تواند نیازهای کاربران زبان روسی را تأمین کند. استفاده از مکاتبات شخصیت‌های مشهوری چون آنتوان چخوف برای نمونه مکاتبات، از مزیت‌های کتاب است.
 - نظم و انسجام در تألیف کتاب مشاهده می‌شود. چارچوب کلی کتاب و تقسیم‌بندی فصل‌ها و بخش‌های مختلف برای پرداختن به بحث‌های متنوع این حوزه در حد متعارف منطقی است.
 - رعایت امانت به نظر مطلوب می‌رسد.
 - کتاب آموزشی است و هدف از آن، آموزش حرفه نامه‌نگاری به شیوه‌ای علمی است.

الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین

جان‌اله کریمی مطهر و مرضیه یحیی‌پور. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰. چاپ اول، ۲۱۳ صفحه.

کتاب حاضر برای تدریس «آشنایی با آثار ادبی روسی ۱ و ۲»، «بررسی متون علمی و ادبی ۱ و ۲»، «سیری در آثار ادبی ۱ و ۲»، «ترجمه متون ادبی از روسی به فارسی»، «ادبیات تطبیقی»، «تحلیل یک اثر ادبی» در رشته‌های زبان و ادبیات روسی (کارشناسی‌ارشد) و مترجمی زبان روسی (کارشناسی) به‌عنوان منبع فرعی مناسب است.

۱- بررسی شکلی اثر

- کتاب به‌لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی مناسب و مطلوب است. طرح جلد با محتوای کتاب و کاربرد آن در حوزه دانشگاهی و منبع تدریس مناسب است.
- قواعد عمومی نگارشی خوب است و ویراستاری مناسبی دارد، چنان‌که نیازی به ویرایش مجدد احساس نمی‌شود.
- کتاب، پیشگفتار ندارد، ولی دارای مقدمه‌ای کلی است. هدف از تألیف کتاب به‌صراحت بیان شده است. فهرست مطالب به‌صورت تفصیلی آمده است و در متن کتاب از وجود تصویر استفاده شده است. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل‌ها وجود دارد و فهرست منابع و کتاب‌شناسی منظور شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب «الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین»، شرح مختصری از ویژگی‌های شاعر و نویسنده بزرگ روس و گرایش وی به مشرق‌زمین است. در مقدمه، تصویری کلی از تقسیم‌بندی و فصل‌بندی کتاب داده شده و محتوای هر فصل به‌طور خلاصه بیان شده است. پس از مقدمه، نویسندگان به دو فصل کتاب به‌طور جامع می‌پردازند.

- فصل اول شامل زندگی، کودکی و دوران تحصیل پوشکین است. اشعار مربوط به هر دوران همراه با تصاویر، نقاشی‌ها، دست‌خط‌ها و عکس‌های لازم آورده شده است. پرداختن به جزئیات زندگی پوشکین در دوران تحصیلش در مدرسه، به دلیل اهمیت و بازتاب این دوران در آثارش و شکل‌گیری خلاقیت این نویسنده بزرگ لازم بوده که نویسندگان آن را با جزئیات کامل آورده‌اند. در فصل دوم، مبانی شرق‌شناسی پوشکین و تأسی وی از شرق به‌ویژه قرآن، اسلام و ایران با استفاده از اشعار مستند آورده شده است که به فهم موضوع کتاب کمک می‌کند.
- ضمناً علاوه بر کتاب‌نامه، در پایان مقدمه و هر فصل، پی‌نوشت مربوط به آن آورده شده است. در پایان کتاب قبل از بخش کتاب‌نامه، فهرست اشعار پوشکین به ترتیب الفبای روسی و سپس الفبای فارسی و نیز اسامی شاعران با تاریخ تولد و وفات آنان به‌طور کامل ذکر شده است.
- در فصل دوم کتاب، معادل‌سازی اصطلاحات روسی به دقت انجام شده است.
- در درس «آشنایی با آثار ادبی»، «سیری در آثار ادبی»، «بررسی و ترجمه ادبی» در مقطع کارشناسی و درس «شعر در قرون ۱۹ و ۲۰»، «ادبیات تطبیقی» و «تحلیل یک اثر ادبی» در مقطع کارشناسی‌ارشد، به‌نوعی نقد و بررسی آثار و تألیفات الکساندر پوشکین مطرح می‌شود. همچنین وجود شرح کامل زندگی شاعر و آثارش در فصل اول و شرح مبسوط سیمای زندگی اقوام مختلف روسیه، ادیان و مذاهب مردم آن، اشاره به آثار تاریخی «گذر از سه دریا» ی آفاناسی نیکیتین، خلاصه‌هایی از «اسیر قفقازی»، «فواره باغچه سرای» و برخی دیگر از آثار پوشکین، تطبیق و نقد اشعار سعدی، حافظ و پوشکین با یکدیگر و بسیاری از موضوعات دیگر، همگی ارتباط اثر را با اهداف دنبال‌شده در درس یادشده به‌نوعی پی‌می‌گیرد. ضمناً از این کتاب در تدوین پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد ادبیات به‌عنوان یکی از منابع می‌توان استفاده کرد.
- مطالب و بحث‌های آمده در دو فصل کتاب از قبیل زندگی، آثار مربوط به شرق، تأثیر و مجذوب‌شدن پوشکین به زندگی، آداب، فرهنگ مشرق‌زمین، ذکر اشعار شرقی معروف نویسنده از قبیل «اسیر قفقازی»، «صومعه‌ای بر فراز کازبک» و...

«تأسی از عرب»، «از حافظ»، «گل و بلبل»، «نگاهی به سعدی» و... همگی نشان‌دهندهٔ مطابقت محتوای اثر با عنوان و فهرست آن است. از آن می‌توان در کارشناسی و کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات روسی استفاده کرد. تدریس این کتاب به‌عنوان منبع اصلی برای مقطع دکترا توصیه نمی‌شود.

- نویسندگان در فصل اول و دوم، پی‌نوشت اسامی را به روسی و انگلیسی آورده‌اند، ولی برای عناوینی نظیر الکساندر سرگیویچ پوشکین، تولستوی، چخوف و میخایلوفسکویه، این نظم رعایت نشده و تنها معادل روسی این کلمات آورده شده است که برای خواننده‌ای که زبان روسی نمی‌داند، تلفظ صحیح آنها سخت می‌شود. از آنجایی که تا سال‌های اخیر، آثار روسی از زبان واسطه به فارسی ترجمه می‌شده و تلفظ اسامی، عنوان‌ها همیشه به گونه‌ای اشتباه بوده است، انتظار می‌رود نویسندگانی که تسلط به زبان اصلی اثر دارند، چنین مواردی را با وسواس تمام رعایت فرمایند. منابع و ارجاعات به‌کاررفته به‌روز هستند.
- بررسی و نقد آثار پوشکین که به جرئت می‌توان وی را در زمرهٔ یکی از بهترین نویسندگان جهان قرار داد، در ادبیات ایران جایگاه مطلوب خود را نیافته و با وجود همسایگی و انعکاس فرهنگ شرق به‌ویژه ایران در خلاقیت وی، بسیاری از اشعارش ناشناخته یا با ترجمه‌های ناقص و دور از مفهوم واقعی آن به فارسی برگردانده شده است. از دلایل اصلی این مسئله می‌توان به ترجمهٔ آثار پوشکین از زبان دیگری غیر از روسی نام برد. وجود اشعار روسی در کتاب و ترجمهٔ آن، دلیلی بر تسلط نویسندگان بر زبان روسی و ترجمه است. از طرف دیگر، پرداختن به اشعار مربوط به قرآن پوشکین در ایران مهجور مانده و بسیار اندک به آن توجه شده است. کتاب حاضر با پرداختن کامل به مقولهٔ تأسی پوشکین از قرآن در سروده‌هایش، طرحی جدید در نوع خود است.
- مطالب کتاب، انسجام و پیوستگی مناسبی دارد. همان‌گونه که نویسندگان در مقدمه به معرفی تقسیم‌بندی کتاب پرداخته‌اند، کتاب از مقدمه و دو فصل تشکیل شده است. در فصل اول ابتدا به زندگی و آثار پوشکین پرداخته شده، آنها را معرفی و بررسی می‌کنند. در این فصل به اشعار مرتبط با حوادث زندگی شخصی و اجتماعی

دورانی که شاعر در آن می‌زیسته پرداخته می‌شود. در فصل دوم، ابتدا به نقش شرق در آثار پوشکین و اشعار شرقی وی پرداخته می‌شود. سپس منبع الهام و پیدایش مجموعه اشعار «تأسی از قرآن» و نیز دلایل توجه پوشکین به این الهامات و تأثیرپذیری وی از مشرق‌زمین بررسی می‌شود.

- ترجمه اشعار مربوط به قرآن از منابع ترجمه‌شده بهاء‌الدین خرمشاهی و آیت‌الله مکارم شیرازی استخراج شده است که طبق مقایسه به‌عمل‌آمده، صحت استفاده از منابع مورد تأیید و برای منظور مورد نظر مناسب است. سایر منابع از قبیل بخش‌هایی از بوستان سعدی اثر غلامحسین یوسفی و نقد و سیاحت اثر فاطمه سیاح و نیز شاهنامه فردوسی (روسی) و بسیاری از منابع دیگر به‌نوعی در قسمت‌های مختلف کتاب به کار رفته است.

- به‌نظر نمی‌رسد از منابعی بدون ذکر مأخذ استفاده شده باشد.

- همان‌طور که از عنوان کتاب پیداست، نویسندگان سعی کرده‌اند ارتباط پوشکین و تأثیر شرق و به‌ویژه قرآن را در آثار وی منعکس کنند و نشان دهند که شاهکارهای ادبی که منادی حق و عدالت هستند، مرزهای جغرافیایی نمی‌شناسند و به ملتی خاص تعلق ندارند. نویسندگان تلاش داشته‌اند ابعاد مختلف آثار شاعر را با نگرش‌های بی‌طرفانه ارزیابی کرده، آثار او را در ارتباط با نویسندگان و شاعران برجسته جهان بررسی کنند.
- نویسندگان تلاش کرده‌اند نشان دهند الکساندر پوشکین ضمن درک این مطلب که قرآن اهمیت خاصی برای بسیاری از مسلمانان دارد، سعی می‌کرد در حال و هوای آن سیر کند. دین اسلام و قرآن، پوشکین را به سمت مذهب و موضوعات دینی سوق می‌دهد و قرآن، اولین جرقه احیای مذهب را در پوشکین به‌وجود می‌آورد و اهمیت زیادی در زندگی درونی او دارد.

- شالوده اصلی کتاب بر پایه منشأ الهام و تأثیرپذیری پوشکین از قرآن و دلایل توجه شاعر به مقوله شرق، تألیف مجموعه اشعار «تأسی از قرآن» نهاده شده است. در کتاب سعی شده تلاش پوشکین در درک اعجاز قرآن و قدرت آن و ارزش‌های اسلامی و تأثیر آنها بر دل و جان انسان‌ها نشان داده شود.

فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی

صفرعلی فرسادمنش و لودمیلا یژووا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴. چاپ اول، ۳۲۰ صفحه.

این کتاب، مرجعی مفید برای دانشجویان، مدرسان، مترجمان و سایر علاقه‌مندان فعال در زمینه زبان‌های روسی و فارسی است و در درس اصطلاحات و تعییرات روسی می‌تواند استفاده شود.

۱- بررسی شکلی اثر

- کتاب به لحاظ حروف‌نگاری، صحافی و صفحه‌آرایی خوب است.
- جملات فارسی و روسی از نظر قواعد عمومی نگارش خوب و مناسب هستند.
- از نظر شکلی کتاب دارای پیشگفتار، فهرست مطالب، خلاصه کلی، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی، فهرست منابع و کتاب‌شناسی است.

۲- بررسی محتوای اثر

- در پیشگفتار کتاب از اهمیت نگارش اثر و تاحدودی اهداف و ضرورت آن سخن رفته است، ولی بنا به ماهیت کتاب، نیازی به کاربرد ابزاری چون جدول و نمودار نبوده است.
- نثر متن بسیار روان و رساست و معادل‌سازی‌ها مناسب و درست به کار رفته است.
- محتوا متناسب با موضوع اثر است و از جامعیت مناسبی نیز برخوردار است. این اثر به عنوان یک منبع کمک‌درسی برای درس اصطلاحات و تعییرات روسی می‌تواند استفاده شود.
- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن انطباق کامل دارد.
- در حد یک منبع کمک‌درسی با سرفصل‌های وزارت علوم هم‌خوانی دارد.

۸۲ نقدنامه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی (۵)

- منابع استفاده‌شده خوب است، ولی برخی منابع اندکی قدیمی هستند. منابع جدیدتری نیز قابل استفاده است.
- چاپ چنین کتابی در زمینهٔ امثال و حکم روسی به علت نداشتن سابقه در ایران، کاری مفید و ضروری بوده است.
- با توجه به ترتیب الفبایی مدخل‌ها، نظم کافی در کتاب دیده می‌شود.
- این کتاب، فرهنگ اصطلاحات است و ارجاع درون‌متنی ندارد. منابع به صورت کلی معرفی شده است.

بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی

سالار منافعی. تهران: سمت، ۱۳۹۱. چاپ دوازدهم، ۲۲۵ صفحه.

این کتاب می‌تواند برای درس بررسی ترجمه متون اسلامی در دوره کارشناسی زبان انگلیسی به‌عنوان منبع اصلی استفاده شود.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی کتاب خوب است. استفاده از خطوط قرآنی در طرح جلد بسیار مناسب است.
- نویسنده، سبک نگارش خاصی دارد که در تمام کتاب، سبک و سیاق خود را حفظ کرده است.
- کتاب دارای پیشگفتار، مقدمه، بیان هدف، فهرست منابع و تمرین و آزمون است.

۲- بررسی محتوای اثر

- محتوای کتاب، آیاتی از قرآن و بخش‌هایی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر در نهج البلاغه است.
- عنوان درس‌ها مشخص نیست. برای هر درس، شماره‌ای در نظر گرفته شده است و فهرست نیز بر مبنای شماره‌ها مرتب شده است.
- متن با سرفصل‌های رشته مترجمی زبان مناسب است.
- در نگارش متن از ترجمه‌های قدیمی قرآن مانند اربری و ترجمه‌های جدید استفاده شده است.
- بهتر است از متون دیگر اسلامی نیز مانند روایات و احادیث استفاده شود.

- متن تاحدودی برای دانشجویان سنگین و دشوار است، ازاین‌رو نیاز به اندکی تعدیل دارد.
- فهرست منابع پایان کتاب، نقایصی دارد؛ برای مثال فرهنگ‌های لغت عربی - انگلیسی غالباً در بخش منابع نیامده است.

تاریخ ادبیات روس

ویکتور تراس، ترجمه علی بهبهانی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴. چاپ اول، ۱۵۰۰ صفحه.

این کتاب، منبعی مناسب است برای درس‌های آشنایی با آثار ادبی روسی ۱ و ۲، بررسی متون علمی و ادبی ۱ و ۲، سیری در آثار ادبی ۱ و ۲، شعر در قرن ۱۹ و ۲۰، ادبیات تطبیقی در رشته زبان و ادبیات روسی و مترجمی روسی و درس‌های مرتبط با ادبیات جهان در رشته زبان و ادبیات فارسی.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری طبیعی و مناسب است.
- صفحه‌آرایی استاندارد و مناسب است.
- صحافی مناسب است. البته حجم هر دو جلد کتاب زیاد است و بهتر بود تعداد جلد‌های کتاب بیشتر شود.
- در طرح جلد، تصاویری از «بالشوی تئاتر مسکو»، «کرم‌لین»، سرما و زمین یخ‌زده به کار رفته است که از ویژگی‌های بارز منطقه است. همچنین کالسکه‌های یک‌اسبه و دواسبه یادآور قرن نوزدهم و عصر طلایی ادبیات روسیه است و همه این موارد با محتوای کتاب به‌عنوان اثری که درباره روسیه قرون گذشته و امروز است، هم‌خوانی دارد.
- مترجم، قواعد عمومی ویرایش و نگارش را رعایت کرده است و نیاز به ویرایش مجدد نیست.
- زبان جلد اول بسیار ثقیل است. مترجم، سبک نوشتاری نویسندگان را حفظ کرده و به این لحاظ فهم متن دشوار شده است.
- کتاب دارای پیشگفتار و مقدمه‌ای کلی است. در مقدمه، هدف از تألیف اثر تصریح شده است. فهرست مطالب تفصیلی و وجود تصویر در متن از دیگر ویژگی‌های

کتاب است. تمرین و آزمون و خلاصه فصل یا کتاب منظور نشده است. کتاب دارای نتیجه‌گیری و جمع‌بندی، فهرست اعلام، منابع و کتاب‌شناسی است.

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب با پیشگفتار مترجم و پیشگفتار نویسنده آغاز می‌شود. بحث موضوعی کتاب با فراوانی اصطلاحات، نام‌ها، یادداشت‌های پایان هر فصل که توضیحات مربوط به عبارات داخل متن است ادامه می‌یابد. در طول کتاب، مترجم توضیحاتی آورده است.
- اصطلاحات تخصصی ادبی، زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی در کتاب به‌وفور یافت می‌شود که نویسنده و مترجم به زبانی رسا، آنها را به خواننده منتقل نموده‌اند. در یادداشت‌های آخر هر فصل، در پاورقی‌ها و قلاب‌های داخل متن، اصطلاحات و عبارات با توضیح آمده است. اسامی خاص یا عبارات، برای مثال «پچاتنی دور» با تلفظ روسی، معنی فارسی و تایپ انگلیسی نشان‌دهنده تسلط مترجم بر زبان کتاب و خود موضوع است.
- از آنجاکه کتاب حاضر، تاریخ ادبیات روسیه را از ابتدای شکل‌گیری آن با ادبیات عامیانه و در ادامه ادبیات کهن و قرون ۱۷ و ۱۸ و به‌ویژه شعر، نمایش، نقد، دوران ادبی روسیه و در نهایت ادبیات روسی را تا زمان فروپاشی شوروی بررسی و تحلیل کرده است و اطلاعات متنوع و بسیار خوب ادبی و نویسندگان هر عصر را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد، می‌توان از آن برای بهره‌برداری در درس یادشده استفاده کرد.
- محتوای هر دو جلد کتاب با عنوان و فهرست آن مطابقت کامل دارد.
- طبق آخرین تغییرات صورت گرفته در سرفصل‌های مربوط به درس ادبیات روسی، مباحث یادشده در آنها مربوط به نویسندگان و شعرای قرون ۱۷ تا اوایل قرن ۲۰ است. همچنین بررسی شعر، نمایشنامه، نقد، ادبیات منثور داستانی و مکاتب ادبی نیز از مباحث درس یادشده است که همه به‌طور کامل و با ترجمه روان و معادل‌سازی‌های درست در کتاب حاضر آمده است.
- اطلاعاتی که در یادداشت‌ها و پاورقی‌ها و حتی داخل خود متن توسط نویسنده و بیشتر مترجم آمده است، ممکن است از منابع جدید نباشد؛ زیرا ادبیات قرون یادشده

بارها در منابع مختلف آمده است که تقریباً یکسان هستند.

- تاکنون به ندرت کتابی از ادبیات روسی دیده شده که این قدر جامع از تاریخ کهن تا روزگار معاصر را در برگیرد. از طرفی معمولاً عبارات و کلمات ترجمه شده از انگلیسی به فارسی بوده که تلفظ‌های نامأنوسی از کلمات روسی داشته است. در کتاب حاضر، تمامی این کلمات (عبارت از عناوین، موقعیت‌ها، الفاظ، اصطلاحات و...) همه با تلفظ دقیق روسی آن به فارسی ترجمه شده و این خود عامل مهمی برای نوآوری اثر، به ویژه ترجمه آن است که می‌تواند خوانندگان آشنا به زبان روسی را به خود جلب نماید.
- طبق آنچه در فهرست منابع آمده، مطالب داخل کتاب نیز از فرهنگ عامه روس آغاز و به دوران شوروی ختم شده است. عناوین جزیی با عناوین کلی و تسلسل آنها رعایت شده است.
- منابع به کار گرفته شده از جنگ‌ها، کتاب‌ها و دانشنامه‌های معتبر است. منابع دیگری که در کتاب استفاده شده، از آثاری است که مربوط به تاریخ ادبیات روس، فرهنگ‌های عامیانه، شعر، ادبیات داستانی و نمایشی قرون مختلف لاتین است که با توجه به نویسندگان آنها، همگی از منابع معتبر محسوب می‌شوند.
- طی بررسی به عمل آمده، به نظر نمی‌رسد که از منبعی بدون ذکر مأخذ استفاده شده باشد. فراوانی منابع با حجم کتاب هم‌خوانی دارد.
- در هر مبحث، آثار با تعریف مختصری از آنها، برای اطلاع خواننده آورده شده است. سپس به نقد هر اثر پرداخته می‌شود. حجم گسترده اعصار و سده‌ها مانع از پرداختن مفصل به آثار و نقد کامل آنهاست، ولی با وجود این بررسی‌ها کاملاً بی‌طرفانه و منطقی است. برای بسیاری از آثاری که شهرت جهانی دارند و نظرات مطرح شده درباره آنها تقریباً مشابه است، در این کتاب نیز بدون هرگونه دگرسونگری، آثار بررسی و نقد شده‌اند.
- نویسندگان و شعرا، به گفته پوشکین همچون پیامبران، رسالت آگاه‌ساختن مردم در جهت خدمت به آرمان‌های والای انسانی، عدالت و مبنای دینی را برعهده دارند و

تاریخ ادبیات بشری همواره به‌نوعی پایبند به اصول و ساختار ادیان الهی است. برخی از نویسندگان روسی همچون پوشکین، لرمانتف، یسنین و... نسبت به اسلام، رویکردی مثبت دارند و این کتاب نیز با اصول دینی سازواری دارد. می‌توان گفت که کتاب تاریخ ادبیات روس با بررسی آثار نویسندگان و پژوهشگرانی که به‌دلیل همجواری، تردد یا پاسخ به اذهان کنجکاو خود درباره اسلام و کشورهای اسلامی و همچنین مشرق‌زمین مطالعه و تحقیق داشته‌اند. بنابراین به‌طور حتم نسبت به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی نیز به بازتاب اندیشه‌های مثبت خود در این‌باره پرداخته‌اند. نمونه بارز این کلام را می‌توان در بسیاری از آثار پوشکین، لرمانتف و سایرین دید.

دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی

مهدی مشکوةالدینی. تهران: سمت، ۱۳۸۸. چاپ چهارم، ۲۵۶ صفحه.

کتاب برای درس ساخت زبان فارسی در رشته‌های زبان‌شناسی (کارشناسی) و مترجمی زبان انگلیسی (کارشناسی ارشد) به عنوان منبع فرعی مناسب است. البته نویسنده محترم در پیشگفتار کتاب بر این باورند که این اثر، متن درسی برای درس‌های نحو زبان فارسی و ساخت زبان فارسی دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است. اما به نظر می‌رسد با توجه به برخی نکات نمی‌تواند این نقش را ایفا کند.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد خوب است. تلاش شده تا جایی که ممکن است قواعد ویرایش و نگارش رعایت شود و از این منظر کتاب در سطح قابل قبولی است.
- کتاب، پیشگفتار و مقدمه ندارد، اما فهرست تفصیلی مطالب تهیه شده است و هدف از تألیف کتاب نیز به تصریح آمده است.
- در متن کتاب به تناسب از جدول و نمودار استفاده شده است. فهرست منابع و واژه‌نامه انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی نیز ضمیمه شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- فصل‌های کتاب هیچ کدام مقدمه و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ندارد و در هر فصل تنها به موضوع مورد بحث پرداخته شده است. تمرین و آزمون هم در کتاب وجود ندارد.
- در برخی از موارد از معادل‌هایی استفاده شده که چندان رایج و جافتاده نیست و گاهی نادرست انتخاب شده است:

واژه	معادل کتاب	معادل رایج
recipient	بهره‌بر	بهره‌ور
minimalist program	طرح کمینه‌گیری	برنامه کمینه‌گرا(یی)
logical form	نمای منطقی	صورت منطقی
Phonetic form که در اصل باید form phonological باشد.	نمای آوایی	صورت واجی
copula	فعل رابط	فعل ربطی
CP	گروه مطابقه (در واژه‌نامه)	گروه متمم‌نما
inflection	صرفی	تصریف
conjugated	صرفی	تصریف‌شده

- البته در کتاب، معادل انگلیسی اصطلاح‌ها در متن زیرنویس نشده و تنها در واژه‌نامه‌های انتهای کتاب به آنها اشاره شده است. همین امر سبب شده خواننده در بسیاری از موارد متوجه نشود که معادل فارسی به‌کاررفته در متن، به کدام اصطلاح انگلیسی اشاره دارد.
- نویسنده محترم در برخی از موارد بیش از اندازه وارد جزئیات شده است؛ مانند فصل‌های ۹ و ۱۵ کتاب، که به‌تفصیل درباره انواع حرف اضافه و نقش‌های آن و نیز تکواژ «را» و کاربردهای آن بحث کرده است که جای بسیاری از این مطالب در این کتاب نیست. از طرف دیگر، در برخی موارد نیز نظراتی که مطرح می‌کند در زبان‌شناسی امروز پذیرفته نیست؛ برای نمونه، پسوند «-جات» را نشانه جمع در نظر می‌گیرد؛ به تکواژگونگی قائل نیست؛ به وجود میانوند در فارسی قائل است.
- یکی از ایرادهای اصلی کتاب این است که تحلیل‌ها و استدلال‌های مطرح‌شده در آن نه کاملاً سنتی است نه، کاملاً مدرن و زبان‌شناختی.
- از آنجاکه در عنوان کتاب از «واژگان» استفاده شده است، این انتظار در خواننده ایجاد می‌شود که به مباحث مربوط به صرف و واژگان نیز تا اندازه قابل قبولی پرداخته شده باشد، درحالی‌که بخش عمده کتاب به حوزه نحو اختصاص دارد و اشاره

- کوچکی به حوزه صرف شده است.
- از آنجاکه به گفته نویسنده محترم این کتاب می‌تواند منبع درس «ساخت زبان فارسی» باشد و ساخت زبان تنها به حوزه نحو محدود نمی‌شود، مباحث صرفی بیشتری باید در این کتاب مطرح شود تا برای درس ساخت زبان فارسی قابل استفاده باشد. در غیر این صورت و با وضعیت کنونی، تنها برای درس نحو زبان فارسی کفایت می‌کند.
- متأسفانه از منابع و آثار جدید استفاده نشده است. جدیدترین اثر فارسی استفاده‌شده، مقاله خود نویسنده محترم است که مربوط به سال ۱۳۸۶ است. جدیدترین منبع انگلیسی نیز مربوط به سال ۱۹۹۶ است.
- متأسفانه اشتباهات زیادی در این اثر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
 - ✓ صفحات ۱۳ تا ۱۵: تعریف تکواژ و طبقه‌بندی انواع تکواژ اشکال دارد.
 - ✓ واژه‌های مشتق - مرکب و مرکب از یکدیگر متمایز نشده است.
 - ✓ صفحه ۳۱: برخلاف آنچه نویسنده محترم عنوان کرده است، وند اشتقاقی همیشه مقوله دستوری پایه را تغییر نمی‌دهد.
 - ✓ برخلاف آنچه در صفحه‌های ۲۹ و ۳۲ عنوان شده، در زبان فارسی میانوند وجود ندارد.
 - ✓ در صفحه ۶۲، تکواژهای «-ام، -ای، -ایم و...» در ساخت گذشته نقلی ساده، «پسوند» در نظر گرفته شده است، درحالی‌که «واژه‌بست» هستند.
 - ✓ در صفحه ۶۶ درباره گذشته التزامی بحث می‌شود، اما مثالی که ارائه شده، مربوط به گذشته بعید و گذشته استمراری است.
 - ✓ در صفحه ۷۰، «کِشت‌شدن» به عنوان نمونه برای مجهول ارائه شده، که درست نیست.
 - ✓ در صفحه ۲۰۸، پرسش‌واژه‌های «کی، چی، کدام، چند» به عنوان ضمیر معرفی شده که با توجه به زبان‌شناسی امروز درست نیست.
- انسجام مطالب در کل خوب است، اما بهتر بود فصل‌های مربوط به ضمیر و حرف

- نشانه «را» (فصل‌های ۱۴ و ۱۵) بلافاصله پس از فصل ۹ (حرف اضافه) می‌آید و پس از آن فصل‌های مربوط به ساخت‌های نحوی (گروه و جمله) آغاز می‌شود. به این ترتیب ابتدا به انواع واژه پرداخته می‌شود و در ادامه نیز به ساخت‌های نحوی.
- منابعی که استفاده شده است، اعتبار علمی لازم را دارند، اما تنها منابع موجود در زمینه مورد بحث نیستند و منابع جدیدتری هم در این باره وجود دارد که نویسنده محترم به آنها اشاره نکرده است. علاوه بر این میزان ارجاع‌دهی به منابع مورد استفاده نیز در طول کتاب چندان زیاد نیست.
 - مواردی را که نویسنده محترم نیاز به ارجاع دانسته‌اند، ارجاع‌دهی انجام شده است. روش ارجاع‌دهی نیز قابل قبول و یکدست است.

میخائیل لرمانتف و مشرق زمین

مرضیه یحیی‌پور و زینب صادقی سهل‌آباد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰. چاپ اول، ۲۲۸ صفحه.

این کتاب را می‌توان برای درس‌های آشنایی با آثار ادبی روسی ۱ و ۲ در رشته مترجمی زبان روسی استفاده کرد. همچنین برای بررسی متون علمی و ادبی ۱ و ۲، سیری در آثار ادبی ۱ و ۲، شعر در قرن ۱۹ و ۲۰، ادبیات تطبیقی، تحلیل یک اثر ادبی در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد رشته ادبیات روسی مناسب است.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری طبیعی و مناسب است.
- صفحه‌آرایی و صحافی، استاندارد و مناسب است.
- طرح جلد با محتوای کتاب به‌عنوان یک اثر دانشگاهی و مرجعی برای تدریس هم‌خوانی دارد.
- نویسندگان، قواعد عمومی نگارش را رعایت کرده‌اند و نیاز به ویرایش مجدد نیست.
- کتاب دارای پیشگفتار، مقدمه کلی، فهرست تفصیلی مطالب، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل‌ها، فهرست منابع و کتاب‌شناسی است. از تصویر برای فهم بهتر مطالب استفاده شده است.

۲- بررسی محتوایی اثر

- کتاب از پیشگفتار کوتاهی تشکیل شده که طرحی کلی از محتوای کتاب و هدف نویسنده است. کتاب شامل دو بخش است: در بخش اول زندگی و آثار لرمانتف به‌اجمال معرفی و در بخش بعدی به آثاری که با الهام از مشرق‌زمین و فرهنگ اسلامی سروده شده، پرداخته شده است. دو منظومه معروف لرمانتف، «میتسری» و «ابلیس»، که حاصل مطالعه و شناخت عمیق لرمانتف از تمدن مشرق‌زمین است نیز

- در این بخش بررسی و ترجمه شده است. به عبارت دیگر در بخش اول به ویژگی‌ها، عناصر اصلی و نقش‌مایه‌های اساسی آثار نویسندگان اشاره و بخش دوم مربوط به بررسی آثاری است که با الهام از مشرق‌زمین و فرهنگ اسلامی سروده شده است.
- در کتاب اکثر اشعار معروف لرمانتف، به‌ویژه اشعاری که جلوه‌گر تأثیرات مشرق‌زمین بر وی بوده است، آورده شده که با توجه به مضامین فلسفی و روان‌شناسانه شاعر و مفاهیم متضاد زیادی که در اشعارش وجود دارد، نویسندگان به‌خوبی توانسته‌اند اصطلاحات را به فارسی ترجمه و وزن اشعار را روان سازند.
 - آثار میخائیل لرمانتف در ایران بسیار کم مورد بررسی قرار گرفته است و ترجمه مستقیم آثارش از زبان روسی به فارسی تاکنون انجام نشده و این کتاب به‌نوعی نوآوری در زمینه ترجمه آثار وی به‌شمار می‌رود. ملقب‌بودن لرمانتف به «ماه» ادبیات روسی (پس از پوشکین که ملقب به «خورشید» است)، اهمیت بررسی آثارش را به‌خوبی نشان می‌دهد. لرمانتف و آثارش در دروس ادبیات روسی که واحدهای زیادی از سرفصل دروس دانشگاهی را تشکیل می‌دهد، می‌توانند آموزش داده شوند. تناسب اثر حاضر با دروس ادبیات روسی کاملاً احساس می‌شود. از طرف دیگر نکته حائز اهمیت، ضربه‌گذاری روی اشعار است که به دانشجویان کمک زیادی برای خواندن اشعار به زبان اصلی می‌کند.
 - همان‌طور که از نام کتاب «میخائیل لرمانتف و مشرق‌زمین» برمی‌آید، بسیاری از آثار شاعر که دارای مضامین شرقی است مانند «خنجر»، «بحث»، «فراری»، «اسماعیل بی»، «فرشته مرگ»، «پیامبر»، «شاخه فلسطین»، «ابلیس»، «میتسری» و بسیاری از اشعار دیگر و نیز اولین رمان رئالیستی - روان‌شناختی وی با عنوان «قهرمان عصر ما» در کتاب حاضر آمده است و نویسندگان این اثر ضمن ترجمه تمامی اشعار لرمانتف و بررسی آنها، محتوای اثر را با عنوان و فهرست آن انطباق کامل داده‌اند.
 - محتوا و موارد یادشده در اثر حاضر با آخرین سرفصل‌ها در مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و دروس ادبیات روسی مانند شعر در قرن ۱۹ و ۲۰، ادبیات تطبیقی و سایر دروس ادبی مطابقت کامل دارد.
 - در پایان هر فصل، پی‌نوشت‌هایی آمده که داده‌های خوبی در اختیار پژوهشگران ادبی قرار می‌دهد. این پی‌نوشت‌ها علاوه بر تلفظ درست اسامی سخت روسی به‌وسیله

ضربه‌گذاری و معادل انگلیسی آن، گاه همراه با توضیحاتی دربارهٔ وقایع یا افراد خاص و مناصب آنها آمده است. بهتر بود این معادل‌ها در صفحهٔ مربوط به خود، پانویست می‌شد.

- هرچند بسیاری از آثار معروف لرمانتف درباره مشرق‌زمین و فرهنگ شرقی است که در بررسی ادبیات روسیه و آثار برجسته و نقش آن در توسعهٔ ادبیات جهان، نقش بسزایی دارند، به دلیل آنکه به‌طور مستقیم به فارسی ترجمه نشده‌اند، این آثار تاکنون ناشناخته مانده و کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. در کتاب حاضر به آثار میخائیل لرمانتف از منظر تأثیر شرق و اسلام بر خلاقیت شاعر پرداخته شده و با بیان ویژگی‌ها و انطباق بیشتر آثار وی با فرهنگ شرقی، به دیدگاه‌ها و ارزیابی لرمانتف از شرق پرداخته می‌شود. نویسندگان این کتاب برای نخستین بار و با نوآوری، آگاهی و معرفت لرمانتف نسبت به مکان‌هایی همچون ایران، مکه، مصر و فلسطین به‌عنوان مهد تمدن کهن شرق را نشان داده‌اند.
- کتاب، نظم عادی و متداولی دارد که تشکیل شده از پیشگفتار، که طی آن با چکیده کوتاهی از ویژگی‌های کلی شاعر می‌گوید. از آنجاکه دو فصل کتاب به‌طور گسترده و با رعایت جزئی‌گویی به آثار لرمانتف پرداخته است، پیشنهاد می‌شود در مقدمه، اندکی بیشتر و کامل‌تر از اهداف کتاب صحبت شود. این اثر از شرح زندگی و آثار میخائیل لرمانتف در فصل اول شروع می‌شود که در آن اشعار و بسیاری از آثار مربوط به دوران خلاقیت شاعر آورده شده است؛ سپس نویسندگان به ویژگی‌ها، موضوعات و نقش‌مایه‌های اصلی آثار شاعر پرداخته‌اند. پس از آن یکی از آثار مهم لرمانتف یعنی «قهرمان عصر ما» که اولین رمان رئالیستی- روان‌شناسی و فلسفی روسی است، تجزیه و تحلیل می‌شود. فصل بعدی کتاب به‌طور خاص به مقولهٔ شرق و فرهنگ و معرفی شرق در آثار نویسنده اختصاص دارد و در همین بخش نیز به دو اثر ارزشمند وی یعنی ابلیس و میتسری که نشان از شناخت عمیق شاعر از فرهنگ و تمدن مشرق‌زمین دارد، پرداخته می‌شود. در همه موارد یادشده، تسلسل جزئی‌گویی و رسیدن به نتیجهٔ اصلی و هدف نویسندگان رعایت شده است.
- کتاب‌نامه از منابع معتبر فارسی همچون ترجمه قرآن کریم بهرام‌پور و سنایی غزنوی و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی فتح‌الله مجتبیایی و منابع معتبر روسی تشکیل شده است. منابع اینترنتی استفاده‌شده نیز همگی مرتبط با اثر و معتبر است.

- تعداد منابع به کاررفته (فارسی، روسی و اینترنتی) با توجه به حجم کتاب بسیار زیاد است و ارجاعات اثر همگی در منابع وجود دارد. استنادات نیز معتبر هستند.
- نقد و بررسی‌ها آزاد و هم‌سو با محتویات قسمت‌های به کارگرفته شده است. در هر شعر یا اثری که نویسندگان می‌آورند، نقد و بررسی‌های ادیبان و منتقدان مختلف با رعایت بی‌طرفی کامل از سوی نویسندگان آورده شده است. به عنوان مثال در نقدهای آمده برای شعر «پیامبر» و یا «قهرمان عصر ما»، تحلیل‌های مختلفی از نویسندگان ایرانی و خارجی آمده که در آنها هیچ‌گونه اعمال نظری از سوی نویسندگان کتاب صورت نگرفته است.
- در کتاب اشعار ساشکا، سپاس، اسماعیل بئی و... از لرمانتف آمده که در همه آنها از اعتقادات مذهبی و آموزه‌های دین اسلام، اعتقاد به مشیت الهی، اشاره به پیامبران (الیاس پیامبر، حضرت خضر، حضرت یوسف، حضرت محمد) صحبت شده است. در شعر «پیامبر»، جهالت بشر و آزار و اذیت آنها بر پیامبر و سختی‌هایی که پیغمبر در رسالت خویش متحمل شده است، نشان داده می‌شود. همچنین در منظومه‌های «مرثیه به د...» و «شاخه فلسطین» مملو از شور و حرارت بایرونیست، کشش و علاقه لرمانتف به زندگی مسلمانان و شخصیت‌های اسلامی پیداست. همچنین در شعر «سه نخل» به چیرگی، نخل را که یکی از اشجار قرآنی است به تصویر می‌کشد که در سوره‌های مختلف، خداوند از آن یاد می‌کند. هدف شاعر در این اشعار، اشاره به موضوعی فلسفی، یعنی مفهوم زندگی و وجود انسان است. نویسندگان در اشعار لرمانتف، اشتیاق شاعر به سوی شرق و بارگاه ابدی پروردگار و اصول دینی را نشان می‌دهند. همچنین در کتاب مورد داوری، اثر منظوم «ابلیس» بررسی شده که از شخصیت‌های الهام گرفته از قرآن است. لرمانتف این اثر را با افسانه‌های ملت قفقاز درباره روح کوهستان با پس‌زمینه اندیشه‌های فلسفی - اجتماعی و روان‌شناسی خود درمی‌آمیزد و با آوردن کلمات بهشت، جهنم و قسم‌های ابلیس به سوره‌هایی از قرآن از جمله سوره شمس اشاره دارد.
- اثر حاضر درباره روح شرقی و تصاویر مشرق‌زمین با تأثیرپذیری از اسلام در شناخت فرهنگ کهن خاور است.

اصطلاحات و تعبيرات زبان روسی

جمیلۀ بابازاده. تهران: سمت، ۱۳۸۸. چاپ اول، ۲۱۹ صفحه.

این کتاب برای درس اصطلاحات و تعبيرات در رشته زبان روسی دورۀ کارشناسی به عنوان منبع اصلی مناسب است.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف نگاری، صفحه آرایی و صحافی خوب است.
- طرح جلد قابل قبول است، ولی از میان شش اصطلاح به کاررفته در طرح جلد تنها یک اصطلاح روسی است. بهتر است طرح ترکیبی از معادل های روسی و فارسی باشد.
- کیفیت نگارش خوب است، ضمن آنکه نکات قابل تجدیدنظری هم دیده می شود.
- کتاب دارای پیشگفتار، بیان صریح هدف، فهرست اجمالی مطالب، تصویر، تمرین و آزمون، خلاصۀ فصل و فهرست منابع است. قواعد عمومی ویرایش و نگارش رعایت شده است. ولی در توضیح مطالب از روشی واحد در کل اثر استفاده نشده است. برای نمونه در برخی قسمت ها برای تفهیم موضوع از تصویر استفاده شده است، ولی به دلیلی نامشخص از این روش در قسمت های دیگر کتاب استفاده نشده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- از ابزار لازم مانند تمرین و تصویر به خوبی استفاده شده است.
- معادل سازی اصطلاحات تخصصی خوب صورت گرفته است، هرچند استثناهایی هم هست که می توان معادل بهتری جایگزین کرد. گاهی برای برخی از اصطلاحات، معادل محاوره ای و برای برخی دیگر، معادل کتابی آورده شده است.
- محتوا با عنوان و فهرست، انطباق کامل دارد.
- محتوا با سرفصل های مصوب، مطابق است.

- سعی شده است اصطلاحات پرکاربرد بررسی شود. بیشتر این اصطلاحات، معادل دقیق فارسی دارند. بهتر بود از اصطلاحات جدید رایج (به تعداد اندک) نیز به کتاب اضافه می‌شد.
- شکل آموزشی کتاب حائز اهمیت است. در این کتاب به جای فهرست کردن اصطلاحات، تجزیه و تحلیل و تمرین نیز منظور شده است.
- نظم کتاب قابل قبول است. برای رعایت سطح دشواری بهتر است اصطلاحات مربوط به زندگی روزمره در آغاز کتاب و اصطلاحات دشوارتر به درس‌های آخر کتاب انتقال یابد.
- منابع یادشده در آخر کتاب از نظر علمی معتبر بوده و از منابع اصلی اصطلاحات زبان روسی است. اما به نظر می‌رسد نویسنده می‌توانست از منابع بیشتری که متناسب با موضوع اثر است و به روسی و فارسی نگاشته شده، بهره گیرد. نویسنده محترم می‌توانست نمونه‌هایی از آثار ادبیات کلاسیک و معاصر را که در آنها از اصطلاحات و تعبیرات استفاده شده است، به عنوان نمونه و شاهد مثال بیاورد.
- در متن درس‌ها به هیچ منبع ارجاع نشده و تنها در آخر کتاب، فهرست منابع آمده است. البته به طور عمومی در کتاب‌هایی از این دست که به اصطلاحات می‌پردازد، نیازی به ارجاع به منبع نیست.
- کتاب هیچ‌گونه مشکلی از دیدگاه اسلامی و ملی ندارد.
- نکته دیگر این است که در این کتاب از منابع سرشار کشورشناسی و فرهنگ‌شناسی اصطلاحات به درستی و به حد کافی استفاده نشده است. هرچند نویسنده محترم در پیشگفتار به کاربرد اصطلاحات و تعبیرات اشاره کرده بود، ولی در عمل در کتاب کمتر به این امر پرداخته شده است.
- این کتاب نخستین کتاب آموزشی دانشگاهی در زمینه اصطلاحات و تعبیرات زبان روسی است.
- جامعیت اثر و تناسب آن با اهداف درس اصطلاحات و تعبیرات مناسب است، ولی نویسنده می‌توانست با استفاده از منابع جدید، جامعیت اثر را تقویت کند.
- در این کتاب مواردی مانند بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی و آزمون مراعات شده است و برای تفهیم بهتر موضوع از تصویر استفاده شده است، ولی از این ابزار در بسیاری از قسمت‌های کتاب بهره‌گیری نشده است.

نمونه‌های نیازمند به بازنگری

- در پیشگفتار، ترجمه از روسی به فارسی چندان روان نیست و نیاز به ویرایش دارد. مانند موارد زیر:
 - ✓ بند اول: «این کتاب به‌ویژه برای... که به فراگیری زبان روسی در خارج از روسیه مشغول هستند، سودمند است». ساختار یادشده، ساختاری روسی است نه فارسی.
 - ✓ بند سوم: «اکثر مردم در روند ارتباطی...» و «حداقل‌های لغوی و فرهنگی زبان روسی و...» و «بلکه عامل انگیزش قدرتمندی...» و «دیگر ویژگی کتاب این است که در آن به گفتار کنونی، زنده و طبیعی...» و «بخش دوم کتاب، مشتمل بر ۱۳ درس است که از آن بین، ... قرار می‌گیرند».
 - ✓ «تمامی دروس حاوی تمرین‌هایی جهت نهادینه کردن و درک مطلب آموزش داده شده است، عبارت‌های اصطلاحی به‌صورت متون مکالمه‌ای و به شکل...».
 - ✓ «کتاب حاضر برای دانشجویان مرحله متوسط که مقوله‌های...».
 - ✓ «دلیل نبودن علایم و نشانه‌های سبکی آن است که...».
- درس ۱، صفحه ۸: به جای فعل «خنده گرفتن» بهتر است نوشته شود «خنده‌ام می‌گیرد».
- معادل روسی آن هم به «خنده‌ام می‌گیرد» اشاره دارد. در همین صفحه معادل اصطلاحات روسی یادشده دقیق نیست: «روزهای کاری و کودکان» بهتر است تا «روزهای عادی کار و مهدکودک» آورده شود.
- صفحه ۱۰: «دل به کار ندادن» اشتباه چاپی دارد: «دل به کار ندادن».
- در کل بهتر بود اصطلاحات یادشده در هر درس که اشتراکات معنایی یا محتوایی دارند، بر اساس حروف الفبا نوشته می‌شد.
- نقطه‌گذاری یا فاصله‌گذاری‌ها گاه به‌خوبی رعایت نشده است.
- انتخاب برخی اصطلاحات و موضوع‌ها برای دانشجویان ترم ۳ و ۴ مناسب نیست. استفاده بیش از حد صفت و قید فعلی برای دانشجویان کارشناسی سنگین است.

مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان

دیمیترا هارتاس، ترجمه احمد رضانی و آتوسا رستم بیک. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱. چاپ اول، ۱۴۰ صفحه.

این کتاب به عنوان منبعی فرعی برای درس‌های روش‌های آموزش کودکان کم‌توان ذهنی و روان‌شناسی رشد در دوره کارشناسی رشته‌های روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، همچنین درس آسیب‌شناسی زبان و گفتار در دوره کارشناسی گفتاردرمانی و نیز منبع فرعی مورد نیاز برای درس‌های مرتبط با آموزش در رشته‌های تربیت دبیر به‌شمار می‌رود.

۱- بررسی شکلی اثر

- ترکیب چاپی کتاب در مجموع مطلوب ارزیابی می‌شود. طرح جلد به لحاظ رنگ و فضا برای بیننده آرام‌بخش به نظر می‌رسد و ترکیب کلی طرح ایده‌ای از تفاوت و کمبود را به ذهن متبادر می‌کند.
- به لحاظ نگارش، خوب و روان است و به رغم وجود دو مترجم، متن یکدست است؛ مگر در برخی موارد که جمله‌های طولانی متن انگلیسی در ترجمه نشکسته و کمی جمله طولانی شده است. در نتیجه در جاهایی ساختار ترجمه‌ای به چشم می‌خورد. ویرایش خوب است، مگر از قلم افتادگی‌هایی که در ادامه به آن اشاره می‌شود.
- بهتر بود به جای قلم B nazanin از قلم B lotus استفاده می‌شد، زیرا این نوع قلم، شکستگی کمتری دارد، خطوط آن خمیده است و باعث خستگی کمتری می‌شود. البته شاید این مورد هم تا حدودی سلیقه‌ای باشد، اما با توجه به بررسی چند کتاب دیگر از ناشران مختلف، مشاهده شد که کمتر کتابی با این نوع قلم به چاپ می‌رسد.
- چند نمونه نگارشی و ویرایشی از یک صفحه کتاب مطرح می‌شود که البته این نوع اصلاحات را می‌توان در صفحات دیگر هم مشاهده کرد:

✓ ص ۷۳: «...می‌توانید دانش‌آموزان را تشویق کنید که اتفاق یا تجربه خارج از

مدرسه خود را با هم‌کلاسی‌های‌شان در میان بگذارند». نکتهٔ اول دربارهٔ جمله‌بندی است. درست است که این جمله، مفهوم و قابل‌درک است، اما قدری به ساختار ترجمه نزدیک است تا فارسی روان. می‌توان این جمله و جمله‌های مشابه آن را - که در کتاب کم نیست - به صورت یک جملهٔ روان فارسی بیان داشت: «می‌توانید دانش‌آموزان را به تبادل تجربه و رخداد خارج از مدرسهٔ خود با هم‌کلاسی‌هایشان تشویق کنید» و البته این با اصل اقتصاد زبانی نیز هم‌سازتر است.

✓ نکتهٔ دوم دربارهٔ یکدستی نگارش است. در این جمله، کلمهٔ تجربه با همزه‌ای بالای «ه» آمده تا «ی» کسرهٔ اضافه را نشان دهد؛ درحالی‌که همین علامت برای کلمهٔ مدرسه، در همین جمله به کار نرفته است، در صورتی‌که باید به کار می‌رفت. این مورد هم در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورد. رعایت این موارد باعث تسهیل در خواندن کتاب می‌شود و فرایند ادراک را با تأخیر مواجه نمی‌سازد. نمونهٔ دیگر در زمینهٔ یکدستی نگارشی در همین جمله، کلمهٔ «هم‌کلاسی‌هایشان» است که به همین صورت آمده و به نظر می‌رسد با توجه به اجزای تشکیل‌دهندهٔ کلمه به همین صورت هم نوشته شود مناسب‌تر است. اما این یکدستی در جاهای دیگر رعایت نشده است، حتی در همین صفحه و در چند خط پایین‌تر: «احساساتشان» که اگر به صورت «احساسات‌شان» می‌بود با مورد قبلی هماهنگی می‌داشت. اما در چند خط پایین‌تر همین صفحه، «انتخابی‌اش» را داریم که به همین صورت آمده. به هرروی، اتخاذ روشی یکسان برای نشان دادن ضمیرهای متصل به یکدستی متن کمک می‌کند.

✓ نمونهٔ دیگر در جمله‌بندی را می‌توان در انتهای همین صفحه و ابتدای صفحهٔ بعد دید: «... می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند که بتوانند دیدگاه دیگران را درک کنند و به نوعی در گفتارهای هیجانی نیز شرکت نمایند». چرا نمی‌توانیم چندین جملهٔ کوتاه را به یک یا دو جملهٔ بلندتر تبدیل کنیم. می‌دانیم جمله‌های کوتاه زودتر درک می‌شوند، اما آمدن چندین جملهٔ کوتاه در پی هم به صورت زنجیروار باعث می‌شود تا برای دریافت معنا اولاً مدام از یک قالب معنایی - یا یک جمله -

به قالب معنایی دیگر - یعنی جمله دیگر برویم و این تکرار قالب‌های معنایی، گاه خود باعث اختلال در دریافت می‌شود. دوم اینکه با این جمله‌های کوتاه، ذهن مخاطب/ خواننده فارسی‌زبان را در همین حد نگاه می‌داریم و به او می‌آموزیم که ظرفیت ادراک معنایی خود را در همین اندازه نگاه دارد. این باعث می‌شود که خواننده در برخورد با جملات طولانی‌تر با مشکل مواجه شود و معنا را با درنگ دریابد، زیرا ذهن او را به جمله‌های کوتاه یا همان واحدهای معنایی کوچک عادت داده‌ایم. بر این اساس می‌توانیم جمله یادشده را بدین صورت تغییر دهیم: «...می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند در عین درک دیدگاه دیگران، در گفتارهای هیجانی هم شرکت کنند». در این صورت هم اقتصاد زبانی و هم نکته مورد بحث برآورده می‌شود. نمونه دیگر را در صفحه ۳۳ هم می‌توان دید: «زبان رفتاری پیچیده است که متأثر از عوامل زیادی است که خارج از محدوده کنترل شما است...» که می‌توان بدین صورت اصلاح کرد: «زبان، رفتاری پیچیده و متأثر از عوامل زیادی است که از کنترل ما خارج است».

- ✓ درباره اصل اقتصاد زبانی، به دو نمونه دیگر از همین صفحه اشاره می‌شود. در انتهای پاراگراف دوم: «... این کودک فرصت پیدا می‌کند...» که می‌توان گفت «... فرصت می‌یابد...». خط سوم از پاراگراف سوم: «(به استفاده از... منجر می‌شود) که می‌توان گفت «... می‌انجامد». البته از آنجا که زبان فارسی، زبانی است که به استفاده از ترکیب، بیشتر گرایش دارد تا افعال بسیط، این نکته قابل اغماض است، اما در جاهای مختلف کتاب دیده می‌شود که حتی درباره مصدرها و برخی کلمات هم این امر مشاهده می‌شود و بنا بر اصل اقتصاد زبانی، رعایت این موارد باعث تحمیل کلمات و در پی آن، عبارات کمتری به ذهن خواننده می‌شود و بدین ترتیب خواننده ضمن خستگی کمتر، ادراک آسان‌تری از متن خواهد داشت.
- ✓ در خط چهاردهم همین صفحه، علامت ویرگول نابجا به کار رفته و بنابراین با القای مکث به خواننده، ادراک را مختل می‌سازد: «...تا به پرسش‌های شما، جواب کوتاه ندهد.»
- ✓ در خط شانزدهم، کلمه «تازه فرا گرفته شده» آمده اما نیم‌فاصله بین آنها از بین

نرفته است. سؤال این است که مگر این چند کلمه، یک معنی را منتقل نمی‌کنند؟ مگر در ترکیب با هم صفت نمی‌سازند؟ پس چرا نیم‌فاصله بین آنها حذف نشده تا هم یکدستی را در متن موجب شوند و هم خواندن آن را ساده سازند، تا خواننده بداند که با یک کلمه مواجه است نه چند کلمه: «تازه‌فراگرفته‌شده». در همین صفحه و در ابتدای پاراگراف سوم: «ادبیات محور» باید به صورت «ادبیات محور» یا «ادبیات - محور» اصلاح شود.

✓ خط سوم پاراگراف سوم همین صفحه: «شما می‌توانید با انتخاب چند کتاب...». نکته این است که ضمیر شما می‌تواند از ابتدای این جمله و بسیاری از جمله‌های دیگر این کتاب حذف شود. می‌دانیم که فارسی، زبانی ضمیرانداز است و انگلیسی زبانی ضمیرناانداز. بنابراین حذف ضمیر از ابتدای جمله‌های انگلیسی باعث نادرستی شدن جمله می‌شود، اما در فارسی، جمله همچنان دستوری می‌ماند. علت هم این است که در فارسی می‌توانیم از راه شناسه موجود در افعال، این ضمیر را بازیابیم اما در انگلیسی چنین شناسه‌ای در فعل یافت نمی‌شود. حال، حضور فراوان ضمیر «شما» در ابتدای جمله‌ها - که چندین و چند مورد دیگر هم در کتاب هست - قدری ساخت ترجمه‌ای و زبان انگلیسی را به ما القا می‌کند. بنابراین بهتر است اصلاح شود.

- مواردی که بدان‌ها اشاره شد، نمونه‌هایی است که در تمام کتاب با آنها برخورد می‌کنیم و برای نمونه به شماری از آنها در یک صفحه اشاره شد. البته باید خاطرنشان ساخت که اصلاحات مطرح‌شده، چیزی از ارزش ترجمه کتاب نمی‌کاهد و همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ترجمه روان و قابل فهم است. رعایت این موارد بر روانی ترجمه و بنابراین فارسی‌تر شدن آن می‌افزاید.

- کتاب دارای پیشگفتار، بیان هدف، فهرست تفصیلی مطالب، خلاصه فصل‌ها، فهرست اعلام و منابع است و در ترجمه، واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی نیز اضافه شده است. به لحاظ آنکه کتاب به عنوان متن درسی نوشته نشده است، تمرین و آزمون در آن به کار نرفته است و جدول، تصویر و نمودار ندارد.

۲- بررسی محتوای اثر

- کتاب، مختصر و فشرده است. البته تألیف کتاب به‌عنوان متن درسی نبوده و بیشتر برای اطلاعات عمومی معلمان و تغییر نگرش و دادن سرنخ‌هایی برای جهت‌دهی به ایشان نگارش یافته است. از این دیدگاه، کتاب موفق است و ترجمه هم تاحدودی به هدف‌های کتاب رسیده است.
- کتاب حاضر، با توجه به نحوه پرداختن به موضوع، نوعی روش‌شناسی و دستورالعمل درباره مشکلات ارتباطی و زبانی محسوب می‌شود که معلمان را به‌صورت مقدماتی با این مشکلات آشنا و برای رفع آن راه‌حلی ارائه می‌کند. بنابراین نویسنده در مقدمه، هدف خود را ذکر می‌کند و با روشی توصیفی و تاحدودی تحلیلی می‌کوشد تا به تفهیم موضوع و هدف خود بپردازد. در این راستا، طرح مقدماتی موضوع به‌خوبی صورت می‌گیرد و در پایان هر فصل، خلاصه‌ای از موضوعات بحث‌شده به‌دست می‌دهد.
- معادل‌سازی‌ها مناسب است. البته باید توجه داشت که خواننده ایرانی کتاب، معلم است و با اصطلاحاتی که به‌ویژه در حوزه زبان‌شناسی کاربرد دارد، آشنا نیست. بنابراین به‌نظر می‌رسد تعریف پاره‌ای اصطلاحات زبان‌شناختی و حتی تربیتی مفید خواهد بود.
- چنان‌که پیشتر یادآوری شد، کتاب محتوای درسی نیست؛ بیشتر به‌عنوان یک کتاب کمکی و تکمیلی برای درس‌های مرتبط با آموزش کودکان و بازپروری‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی و یادگیری، هم برای معلمان بخش آموزش عادی و هم معلمان آموزش ویژه (استثنایی)، بسیار مفید و لازم است. به این لحاظ جامعیت محتوای کتاب خوب است. البته بحث انگلیسی به‌عنوان زبان دیگر برای ما مطرح نیست، مگر اینکه بتوانیم مباحث این بخش را به‌گونه‌ای با آموزش در مناطقی که زبان بومی غیر فارسی دارند، ربط دهیم و از راهبردهای آن به‌سود آموزش در این بخش استفاده کنیم که این موضوع نیاز به کار دارد.
- موضوع کتاب و نحوه پرداختن به بحث و سطح تحلیل‌ها به‌گونه‌ای است که هر

معلمی باید از این موارد به عنوان اصولی مقدماتی آشنا باشد. با توجه به عنوان فرعی کتاب، «راهنمایی برای معلمان»، می‌توان آن را جزء اصول اولیه و نوعی اطلاعات نیمه تخصصی و راهنمای معلمان قلمداد کرد. و البته در این سطح موفق بوده است.

- با توجه به اینکه کتاب برای درس خاصی به طور مستقیم تألیف نشده، نباید انتظار مطابقت با سرفصل‌ها را داشت. ولی می‌توان گفت که چنین کتاب‌هایی در واقع تکمیل کننده سرفصل‌های موجود در حوزه‌های تربیتی است و بازنگری در سرفصل‌ها که به طور طبیعی باید در دوره‌های مناسبی صورت پذیرد، بی‌نیاز از منابع جدید در حوزه علمی مربوط به خود نیست.

- کتاب تاحدودی جدید و برای جامعه ما هنوز به روز است و تازگی دارد. جای این ایده‌ها و رویکردها در نظام آموزشی ما هنوز خالی است و جا برای این دست ترجمه‌ها و تألیف‌ها گشاده است. البته از این نکته نیز غافل نباید بود که گرفتن این تفکرات نیازمند بحث‌های تحلیلی و انطباقی با شرایط بومی است که امید است بتوان در فرصتی بیشتر به این نکات پرداخت.

- نویسنده درصدد است تا کتابی مقدماتی و راهنما برای معلمان تألیف کند تا آنان را با مشکلات زبانی و ارتباطی دانش‌آموزان آشنا سازد و توصیه‌هایی برای رفع آن مشکلات برای مخاطب کتاب ارائه می‌دهد. بر این اساس منابعی که به کار می‌گیرد متناسب با اهداف مورد نظرش است. هرچند می‌توان منابع دیگری را هم برای جامع‌تر ساختن موضوعات بحث مطرح کرد، چنان‌که گفته شد می‌توان این منابع را متناسب با اهداف مورد نظر کتاب و کافی دانست.

- راهبردها و به بیان دیگر سرنخ‌های کتاب‌هایی از اینگونه، درواقع محرک خلاقیت معلمان می‌تواند باشد و از این جهت این خود یک نوآوری است. این کتاب‌ها برای معلمان ما این پیام را دارد که به کلاس درس خود و به دانش‌آموزان نگاه دیگری داشته باشید. کلاس درس می‌تواند و باید کیفیتی دیگر داشته باشد که از وضع کنونی ما فاصله زیادی دارد و باید تغییر جهت‌گیری را آغاز کرد. از سوی دیگر نشان دادن رابطه میان مشکلات زبانی و ارتباطی با مشکلات هیجانی و رفتاری، از مباحثی است

- که شاید در منابع دیگر کمتر به چشم خورده باشد. توجه به این نکته در مشکلات رفتاری کودکان برای معلمان و خانواده‌ها اهمیت بسیاری دارد.
- محتوای کتاب با معتبرترین منابع و مباحث حوزه روان‌شناسی تربیتی مطابقت دارد و مغایرتی از این نظر دیده نشد. ولی به همان علت که کتاب یک مرجع علمی یا یک اثر پژوهشی نیست و برای معلمان نوشته شده، نه الزاماً متخصصان و حکم بر ایجاز داشته، منابع نظریه‌های مطرح‌شده همه‌جا به دقت بیان نشده است.
 - به نظر می‌رسد منابع استفاده‌شده برای کتابی مقدماتی و راهنما کفایت می‌کند، اما جای بخشی به نام «منابعی برای مطالعه بیشتر» خالی است. اصولاً در کتاب‌هایی مقدماتی با این حجم، فرصتی برای بحث‌های بیشتر و تخصصی‌تر فراهم نمی‌شود؛ اما این بحث‌ها را می‌توان با اشاره به منابع دیگر، ذیل بخشی که گفته شد پی گرفت.
 - در حفظ امانت مطالب نقل‌شده به نظر می‌رسد مشکلی وجود ندارد. مترجمان محترم نیز در ترجمه نهایت دقت را کرده‌اند که منطبق بر متن اصلی باشد و در ذکر منابع نیز کوتاهی نکرده‌اند؛ ولی همچنان که گفته شد، به حکم اختصار در بسیاری جاها ذکر منبع نشده است.
 - متن محدودتر از آن است که به نقد و بررسی بپردازد. البته همچنان که گفته شد، اینگونه ترجمه‌ها باید ماهیت تحلیلی و انطباقی داشته باشند، تا سوددهی آن برای جامعه ما بیشتر باشد. این کاری است که به‌رغم وفور ترجمه در ایران، هنوز از آن غفلت می‌شود و کسی به آن دست نیازیده است.
 - درباره سازواری محتوا با معیارهای علمی روز، اثر میرا از خطا به نظر می‌رسد و اصول علمی امروز هنوز خدشه‌ای به این مباحث وارد نمی‌کند. از نظر معیارهای اعتقادی باید گفت که اصول دینی و اسلامی، معیار تألیف اثر حاضر نیست، چون کتاب به جامعه انگلیسی تعلق دارد. البته مغایرتی هم مشاهده نمی‌شود. اگر این سؤال را متوجه مترجمان بدانیم، مترجمان محترم متنی را انتخاب نکرده‌اند که انجام راهبردهای آن یا حتی قبول نظریه‌های آن، مغایر باورهای دینی و اسلامی باشد. درواقع کتاب، نکته‌ای در تبیین با اصول ارزشی و اعتقادی مترجمان محترم نداشته است.

مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان ۱۰۷

- اثر، جهت‌گیری مستقیمی نسبت به اعتقادات دینی ندارد و دلیلی هم نیست که داشته باشد. به‌طور کلی کتاب اگر علمی باشد، خود را به دست‌انداز درافتادن با دین نمی‌افکند، مگر آنکه هدف نویسنده از ابتدا یا دست‌وپا کردن مستندات علمی برای دین‌ستیزی باشد، یا به‌عکس بخواهد دین را در آینه علم نشان دهد، که هر دو کاری سخت و خطرناک است. سرنوشت اولی که پیداست و دومی هم نیازمند تسلط گسترده در هر دو حوزه است تا موفق شود. به هر تقدیر اثر حاضر، چنین رویکردی ندارد.

پیشنهادهای

- فرهنگ توصیفی اصطلاحات تخصصی در حوزه‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی اضافه شود.
- منابعی برای مطالعه بیشتر پیشنهاد شود.
- مباحثی درباره انطباق‌های بومی و توجه به پدیده دوزبانگی در فرهنگ ایرانی فراهم شود و در این باره مباحث موجود در کتاب با عنوان «انگلیسی به‌عنوان زبان دیگر»، هم به مسایل بومی کمک کند و هم در متن کتاب تحت‌الشعاع آن قرار گیرد.

تاریخ ادبیات آلمان

پریسا درخشان مقدم. تهران: فرهنگسرا (یساولی)، ۱۳۷۷. چاپ اول، ۲۹۲ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- کیفیت حروف‌نگاری خوب است. صفحه‌آرایی متوسط و صحافی نیز خوب است. عکس یک سرباز آلمانی روی جلد «تاریخ ادبیات» مناسب نیست. اگر این کتاب به ادبیات قرن بیستم اختصاص داده شده بود که در آن جنگ جهانی رخ داده است، تاحدودی قابل قبول بود.
- نویسنده سعی کرده است قوانین نگارش و ویرایش را رعایت کند، اما در بسیاری از موارد از این قواعد تخطی می‌کند. برای مثال در صفحه ۴۳ می‌نویسد: «با توجه به پیه تیسیم ادیبانی چون ... شعر سرودند» (سطر سوم). با توجه به اینکه «پیه تیسیم»، یک جریان عینی و مشخص نبود که به آن «توجه» شود، باید اینگونه نوشته می‌شد: «ادیبانی چون... اشعاری سرودند که در آن روح پیه تیسیتی تجلی یافته بود».

۲- بررسی محتوای اثر

- این اثر برای علاقه‌مندان غیر دانشگاهی جالب و مفید است و اطلاعات اولیه درباره تاریخ ادبیات آلمان و آشنایی با نویسندگان آلمانی را عرضه می‌کند، اما برای تدریس در دانشگاه توصیه نمی‌شود. در بخش‌هایی از کتاب، اشتباهات فاحشی دیده می‌شود. افزون بر آن، کتاب ارجاع به منابع علمی ندارد و باعث سوء تفاهم‌هایی نزد خواننده می‌شود. این اشتباهات و نیز رعایت نکردن قوانین تاریخ ادبیات‌نگاری، از اعتبار این اثر کاسته است.
- این کتاب چندان بر اساس قوانین علمی تهیه نشده است و گردآورنده مشخص نکرده است که کدام بخش‌ها ترجمه شده است و کدام بخش‌ها تألیف. اشتباهات زیادی در

- متن وجود دارد و ارجاعات کتاب به منابع علمی معتبر، بسیار نادر و ضعیف است.
- در این کتاب، طرح بحث، نتیجه‌گیری، تمرین، جدول و... دیده نمی‌شود. گردآورنده کتاب بسته به مطالبی که در دسترس داشته است، بخش‌های مختلف کتاب را تدوین کرده است، نه بر اساس یک طرح منسجم. برای مثال وقتی خواننده، «مقدمه» را مطالعه می‌کند، این تصور پیش می‌آید که کتاب درباره «تاریخ زبان آلمانی» است و نه «ادبیات آلمانی». موضوع مقدمه با کل کتاب هم‌خوانی ندارد. در این کتاب از تصاویر نویسندگان منتخب استفاده شده است که نقطه قوت است.
- کیفیت زبان و شیوه معادل‌سازی اصطلاحات درمجموع خوب و قابل قبول است و خواننده احساس می‌کند متن روانی را می‌خواند. البته در برخی موارد زبان متن دچار کاستی است و به نظر می‌رسد که ترجمه واژه به واژه شده است. برای مثال در صفحه ۲۱، پاراگراف دوم، سطر دوم: «تنها اثر استثناء... است»، که بهتر می‌بود اینگونه ترجمه شود: «تنها اثری که از این قاعده پیروی نمی‌کند، ... است».
- این کتاب، کیفیت علمی لازم و انسجام موضوعی ندارد و به همین جهت نمی‌تواند به عنوان یک کتاب مرجع در دروس دانشگاه استفاده شود. البته این کتاب می‌تواند برای کسانی که به زبان آلمانی آشنایی ندارند - برای مثال دانشجویان ادبیات تطبیقی - جالب باشد و به خواننده، اطلاعات اولیه و لازم درباره تاریخ ادبیات و نویسندگان آلمانی ارائه کند.
- از نظر ارجاع به منابع علمی، کتاب به شدت ضعیف است و نویسنده در پایان تنها به تعداد معدودی از منابع اشاره کرده است.
- عنوان کتاب، این فکر را در خواننده برمی‌انگیزد که گویا محتوای اصلی آن، «تاریخ ادبیات» آلمان است، اما بخش زیادی از این کتاب به زندگی‌نامه نویسندگان «آلمانی‌زبان» و معرفی آثار ایشان اختصاص داده شده است. دیدگاه تاریخی در این کتاب عمیق نیست و شاید بتوان آن را مروری بر تاریخ ادبیات دانست. فهرست‌بندی کتاب با مطالب ارائه شده هم‌خوانی دارد، اما با عنوان اثر کمتر در ارتباط است؛ چون در مقایسه با کتاب‌های تاریخ ادبیاتی که به زبان آلمانی یافت می‌شود، طرح منسجمی

- که از اول تا آخر پیوستگی موضوعی و منطقی داشته باشد، ندارد.
- کتاب به علاقه‌مندانی که قصد آشنایی با تاریخ ادبیات آلمان را دارند، توصیه می‌شود و نمی‌تواند به‌عنوان یک کتاب دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب اشتباهاتی دارد و حتی به کسانی که قصد شرکت در آزمون سراسری را دارند نیز توصیه نمی‌شود، چون اطلاعات غلطی را انتقال خواهد داد.
- ارجاعات به منابع علمی معتبر در این کتاب بسیار نادر است. پانوشته‌ها غالباً به معرفی لاتین اسامی اختصاص داده شده است. برخی از اطلاعات موجود در کتاب اشتباه است؛ آنها یا از منابع قدیمی کسب شده‌اند، یا آنکه گردآورنده در فهم آنها دچار سوء تفاهم شده است. برای مثال ادبیات قرون وسطی طبق منابع معتبر علمی از سال ۷۵۰ پس از میلاد شروع می‌شود، ولی در این کتاب، سال ۱۰۵۰ به‌عنوان شروع قرون وسطی ذکر شده است. همچنین دوران روشنگری طبق منابع معتبر در سال ۱۷۲۰ میلادی شروع شده است، اما در این کتاب، سال ۱۷۰۰ به‌عنوان شروع روشنگری قید شده است. اشتباهات تاریخی دیگری نیز وجود دارد که اعتبار این پژوهش را کاهش داده است.
- هرچند این کتاب حاوی اطلاعات و پژوهش‌های بسیاری است، نوآوری ندارد.
- کتاب از نظم منطقی و انسجام مطالب برخوردار نیست. از آنجاکه روی برخی از مطالب تأمل می‌شود و برخی دیگر به‌صورت حاشیه‌ای مطرح می‌شوند، این تصور پیش می‌آید که گردآورنده بدون یک طرح منسجم و بسته به منابعی که در دسترس داشته است، این کتاب را تدوین کرده است.
- نویسنده به‌اندازه کافی از منابع معتبر استفاده نکرده است و به همین علت در تقسیم‌بندی موضوعی دچار اشتباه شده است. برای مثال در صفحه ۱۹۳، سه مرحله ادبی که درباره ادبیات آلمان شرقی ذکر شده، طبق منابع جدید و معتبر کاملاً اشتباه است. جمله «توصیف طرح‌گونه و ساده حقایق که حدود سال ۱۹۵۰ میلادی آغاز شد و تا پایان دهه ۵۰ ادامه یافت» نیز کاملاً اشتباه است.
- اصل اولیه ذکر منابع و ترتیب تاریخ انتشار، محل انتشار و ناشر رعایت نشده است.

در متن کتاب نیز منابع استفاده شده به ندرت قید شده است. این رعایت نکردن امانت علمی به کیفیت کتاب صدمه جدی وارد کرده است.

- نویسنده در شناسنامه کتاب از «ترجمه و پژوهش» سخن رانده است و در پیشگفتار کتاب مشخص نکرده است که تا چه حد مطالب را ترجمه کرده است. بنابراین خواننده نمی‌داند که آیا نقد و بررسی‌ها محصول پژوهش‌اند یا ترجمه.

دستور کامل و آموزش زبان اردو برای فارسی‌زبانان

شاهد چوهدری. قم: مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۸۲. چاپ اول، ۳۱۷ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری نسبتاً خوب است، اما در حروف اردو و گاه در فارسی، غلط‌های تایپی نیز مشاهده می‌شود.
- طرح جلد، صفحه‌آرایی و صحافی مناسب است.
- در حقیقت ویرایش این کتاب به صورت ویرایش قطعی و حتمی صورت نگرفته است و نیاز به ویرایش جدی دارد. درباره نگارش نیز مطالب متن، ناکافی و ناقص است.

۲- بررسی محتوای اثر

- از این کتاب می‌توان برای تدریس درس دستور زبان اردو در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات اردو استفاده کرد.
- می‌توان گفت کتاب حاضر چون نخستین کتاب دستور زبان اردو است، نواقصی دارد، باوجوداین به دانشجویان و اساتید این رشته بسیار کمک می‌کند. نمودارها و نقشه‌ها نیز متأثر از مسئله محتوایی و موضوعی، جای بهترشدن دارد. بخش تمرین‌های کتاب نسبتاً خوب و کامل است و می‌شود از آن به اندازه کافی بهره برد. جداول، تصویرسازی و نمودار نیز متوسط و ضعیف است.
- کاربرد و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این کتاب، کیفیت نسبتاً خوبی دارد. در کتاب، اصطلاحات خوبی برای یادگیری مخاطب وجود دارد که از روانی خوبی نیز بهره‌مند است. تعداد مصادر، اصطلاحات، لغات و... که در کتاب به کار رفته است، قابل توجه است.

دستور کامل و آموزش زبان اردو برای فارسی‌زبانان ۱۱۳

- دروس کتاب به لحاظ محتوایی و جامعیت موضوع و... شکل نسبتاً خوبی دارد، هرچند نکات موجود در هر درس به‌ویژه در بخش افعال معلوم و مجهول به‌نسبت کامل است، ولی می‌توان نکات و ریزه‌کاری‌های دستوری بیشتری در آن گنجاند. مباحث کتاب در بخش مباحث دستوری، جامعیت لازم را ندارد، مثلاً صفات اشاره خیلی کم‌رنگ مطرح شده است. برخی مباحث نیز مطرح نشده است؛ برای مثال بحث مربوط به کلمه یا کلمات موصول که در زبان اردو، ترکیب و اجزای متعددی دارد.
- «که» موصول در اردو ← جو
- یای نکره در اردو ← جو و...
- پیشتر به این اثر توجه بیشتری می‌شد و خود اثر یک نوآوری به‌شمار می‌رفت، اما در حال حاضر در جامعه علمی کشور، میزان توجه به اندازه قبل نیست.
- برای اینکه کتاب حاضر با سرفصل‌های وزارت علوم منطبق شود، باید تغییراتی در آن ایجاد شود؛ برای نمونه در بخش مربوط به فهرست، کلیات طرح، نحوه ارائه و بیان دروس، منابع و مآخذ، محتوا و متن و مسایل مربوط به صرف و نحو. به‌نظر می‌رسد به برخی نکات در حوزه دستور به‌صورت دقیق پرداخته نشده است و باید بازنگری شود تا مورد اقبال قرار گیرد.
- متأسفانه استنادات و ارجاعات خاصی در این اثر مشاهده نمی‌شود و فقط بیان دیدگاه‌های نویسنده اثر مد نظر است. داده‌ها و اطلاعات اثر با توجه به منابع علمی و اصلی خاصی ارائه نشده است.
- به‌طور کلی انسجام و هماهنگی مطالب در اثر یادشده، چه در جزییات و چه در کلیات دارای تسلسل خاص و ارزنده نیست.
- کتاب، منابع و مآخذ علمی و دانشگاهی ندارد. البته باید در نظر داشت که در زمینه دستور و گرامر اردو در شبه‌قاره به‌ویژه در پاکستان کار زیادی صورت نگرفته است که قابل تأمل است.

زبان‌شناسی فرانسه

گیتی دیهیم. تهران: نشر مرکز دانشگاهی، ۱۳۸۹. چاپ سوم، ۱۶۱ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- حروف‌نگاری، صحافی، طرح جلد کتاب خوب است، اما از نظر صحافی، کتاب مشکل دارد.
- به نظر می‌رسد قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این کتاب تا حد زیادی رعایت شده است و زبان متن بسیار ساده و قابل فهم برای دانشجویان سال‌های سوم، چهارم کارشناسی یا سال اول کارشناسی‌ارشد رشته زبان فرانسه است.

۲- بررسی محتوای اثر

- در بخش اول کتاب درواقع تاریخچه‌ای از زبان فرانسه و تحولات آن ارائه شده است که به نظر می‌رسد هرچند دانستن آنها به عنوان اطلاعات عمومی مفید است، اگر به جای این بخش، نویسنده محترم که دانش و اطلاعات کافی را در این زمینه دارند، مطالب جدیدتری را مبتنی بر مکاتب مختلف زبان‌شناسی به کتاب بیفزایند، بی‌تردید ارزش کتاب بیشتر خواهد شد. در بخش دوم کتاب، مطالب خوبی درباره واج‌شناسی، صرف، نحو و معناشناسی ارائه شده؛ اما با توجه به اینکه از زمان نخستین چاپ کتاب در سال ۱۳۷۸ تاکنون، تغییر چندانی در محتوای کتاب داده نشده، بخشی از مطالب بسیار جدیدتر مرتبط با گفته‌پردازی، نشانه، معناشناسی و کاربردشناسی زبان در آن نادیده گرفته شده است.
- نظم منطقی و انسجام بین مطالب و محتوای کتاب رعایت شده است.
- منابع به کاررفته در کتاب هرچند در زمان نخستین چاپ آن از آثار برجسته

زبان‌شناسی بوده است و هنوز هم برخی از آنها به‌عنوان مرجع معتبرند، اما به‌نظر می‌رسد پس از سال ۱۹۹۶ از منابع بسیار دیگری که در این زمینه به چاپ رسیده، هیچ استفاده‌ای نشده است و در این باره کتاب نیاز به بازنگری دارد.

- در این کتاب هرچند بخش اعظم کتاب برگرفته از آثار زبان‌شناسی فرانسه است، جز در پایین صفحه ۴۸ کتاب، هیچ ارجاعی دیده نمی‌شود و بقیه پانویس‌ها در حد توضیحات نویسنده است و این نکته متأسفانه نقطه ضعف کتاب به‌شمار می‌آید.
- نویسنده محترم در ارجاعات درون‌متنی از افراد نام برده‌اند، اما سال نشر و شماره صفحه مرجع نیامده است و اطلاعات کتاب‌شناسی فقط در بخش منابع آمده است.
- با توجه به اینکه هدف کتاب، ارائه اطلاعات درباره مبانی زبان‌شناسی فرانسه بوده است، مطالب کتاب از کتاب‌های دیگر گردآوری شده است. بنابراین در این اثر، نقد و تحلیل نظرات دیگران دیده نشده است. تحلیل‌های کتاب همه در جهت ساده‌تر کردن فهم مطالبی است که در آثار دیگران که به زبان فرانسه در کشور فرانسه به چاپ رسیده است، برای مخاطب ایرانی یعنی دانشجویان رشته فرانسه به‌ویژه در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد به رشته تحریر درآمده است و نشانی از سوگیری و جانب‌داری در آن دیده نمی‌شود. البته همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، در این کتاب به همه مکاتب زبان‌شناسی و رویکردهای آن توجه نشده است.
- با توجه به اینکه در زمان انتشار این کتاب در ایران هیچ اثر دیگری در این زمینه وجود نداشت که به‌طور ساده و منسجم، مفاهیم غامض و پیچیده زبان‌شناسی را در اختیار دانشجویان قرار دهد، این کتاب تلاش مهمی در این زمینه به‌شمار می‌آمد و امروز هم اگر مطالب آن کامل‌تر شود، بی‌شک می‌تواند برای دانشجویان زبان فرانسه مفید باشد.
- محتوای اثر، مبانی زبان‌شناسی فرانسه است (اعم از تاریخچه تا بررسی مفاهیم بنیادی این رشته در شاخه‌های گوناگون زبان‌شناسی) و از این لحاظ با عنوان و فهرست مطابقت دارد. این کتاب برای آشنایی دانشجویان مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه مفید است. البته برای این مورد نیز باید مطالب تکمیلی به آن اضافه

شود. افزودن مباحث مربوط به رابطه زبان‌شناسی و ادبیات برای دانشجویان رشته ادبیات، مطالب مرتبط با رابطه زبان‌شناسی و آموزش زبان برای دانشجویان آموزش زبان، همچنین موضوعات مربوط به زبان‌شناسی و ترجمه برای دانشجویان گرایش مترجمی مفید است.

- کتاب در پایان هر فصل، تمرین‌های زیادی برای دانشجویان تدارک دیده است که برای بررسی و حصول اطمینان از درک درست مطالب هر درس بسیار لازم و مفید است و از این جهت کفایت لازم را دارد. تعداد تصاویر و نمودارها زیاد نیست، ولی با توجه به نوع مطالب به بیشتر از این تعداد هم نیازی نیست.
- با توجه به میزان زیاد مفاهیم علمی و اصطلاحات تخصصی زبان‌شناسی، این کتاب به زبان ساده و قابل فهمی، مطالب و مفاهیم مربوطه را باز کرده است و از این جهت خوب است، اما به هر حال با توجه به نوع درس و نیز سطح زبان فرانسه دانشجویان دوره کارشناسی که بیشتر در دانشگاه شروع به یادگیری زبان فرانسه می‌کنند و در سال‌های بالاتر به یادگیری درباره زبان فرانسه می‌پردازند، بی‌تردید استاد در تفهیم مطالب کتاب و اطمینان از درک درست آنها، نقش عمده‌ای دارد.
- این کتاب برای آشناساختن دانشجویان با رشته زبان‌شناسی (مطالعه علمی زبان) شهرت دارد. از این رو می‌کوشد به شیوه علمی و با ارجاع به شاخه‌های این رشته سازوکار قوه نطق به‌طور کلی و به‌ویژه زبان فرانسه را در نظام زبان‌ها توصیف کند.

زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون

سیروس عزیزی و نگار مؤمنی. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۱. چاپ اول، ۴۱۲ صفحه.

مناسب خواهد بود که یک درس اختیاری در رشته زبان‌شناسی در دوره ارشد و دکتری تعیین شود و کتاب حاضر می‌تواند منبع آن باشد. همچنین برای مطالعات بین‌رشته‌ای حقوق در گرایش‌های مختلف رشته حقوق نیز کاربرد دارد.

۱- بررسی شکلی اثر

- کتاب دارای پیشگفتار، مقدمه، فهرست تفصیلی مطالب، فهرست موضوعی و منابع است. از جدول و تصویر در آن بهره برده شده است و برخی از فصل‌ها دارای خلاصه است.
- مطالب مرتبط، با یک زبان علمی مشخص نویسندگان ارائه نشده است و در موارد زیادی تأثیر نگاه ترجمه‌ای در نثری که در کتاب به کار برده‌اند، هویداست. اما در کل متن کتاب روان نوشته شده است و با سرعت قابل قبولی خواننده می‌تواند کتاب را بخواند.
- قواعد ویرایش و نگارش به‌خوبی رعایت نشده است. برای نمونه در آغاز پاراگراف‌هایی که زیر عناوین قرار گرفته‌اند هم فضای آغاز پاراگراف گذاشته شده است؛ نیم‌فاصله‌ها به‌صورت یکدست در سراسر کتاب رعایت نشده است: «خشونت آمیز» و «انگیزه» صفحه ۵۴، «زاغ زن» صفحه ۱۹۴، «اعلان شده» صفحه ۳۷۴؛ به فاصله‌هایی که پس از واژه‌ها یا علائم سجاوندی قرار می‌گیرند، در مواردی توجه نشده است: «... و سخنرانی» (ص ۵۸) و «قربانی جرم/بزه‌دیده» صفحه ۴۱۲... . گذشته از اینها در مواردی چون آغاز فصل اول کتاب، «سخن آغازین» داریم که در فهرست کتاب نیامده است و معلوم نیست که «سخن آخر» کتاب را باید بخشی از بدنه اصلی کتاب در نظر بگیریم یا بخشی از پیوست‌های آن، چون به‌عنوان یکی از

فصل‌های کتاب، شماره‌گذاری نشده است.

- حروف به‌کاررفته در کتاب و اندازه آن، چندان چشم‌نواز نیست. پس از شماره‌هایی که هر بخش کتاب را تقسیم می‌کند نیز یک «-» آمده است که اضافی است (برای نمونه، ۱-۵-۱-۱- در صفحه ۵۵). در مواردی در پایین یک صفحه، بدون علت خاصی فضای خالی دیده می‌شود؛ برای نمونه، صفحه ۸۳ و ۱۶۸ و شمار زیاد خط‌های هر صفحه نیز خواندن آن را برای یادگیرنده، خسته‌کننده می‌کند. باین حال طرح جلد کتاب و قطع و صحافی کتاب قابل قبول و مناسب به‌نظر می‌رسد.
- کتاب در ۴۱۲ صفحه سامان یافته است. حجم این کتاب برای واحدهای درسی دانشگاهی در ایران که معمولاً دوتایی هستند، زیاد به‌نظر می‌رسد. البته علت زیادشدن حجم کتاب بیش از آنکه به مطالب لازم آن مربوط باشد، به مطالب اضافی، غیر ضروری و گاه اطناب‌های بی‌موردی مربوط است که نویسندگان در آن آورده‌اند که به‌نظر می‌رسد اگر چنین مطالبی در ویراست بعدی کتاب از آن حذف یا کوتاه‌تر شود، حجم کتاب برای یک درس دوواحدی مناسب خواهد بود.

۲- بررسی محتوای اثر

- از نظر اصطلاحات به‌کاربرده‌شده، نویسندگان تلاش کرده‌اند که هم اصطلاحات زبان‌شناسی و هم اصطلاحات حقوقی را با دقت به‌کار برند. گذشته از این، نویسندگان مجموعه‌ای از اصطلاحات خاص افراد مجرم یا پلیس را هم در کتاب به‌کار برده‌اند و معنای آنها را توضیح داده‌اند که از این نظر هم کار آنها دارای اهمیت است.
- در کل می‌توان گفت که اصطلاحات تخصصی به‌کاررفته در این کتاب - چه مربوط به حوزه زبان‌شناسی و چه مربوط به حوزه حقوق - از قبل در زبان فارسی وجود داشته و نیازی نبوده است که نویسندگان برای آنها برابری کنند. اما با توجه به آنکه برخی از این اصطلاحات در زبان فارسی دارای چند برابر هستند، نویسندگان در گزینش برابرهایی رساتر و سازگارتر با شم زبانی فارسی‌زبانان موفق عمل کرده‌اند؛ برای نمونه، آنها برای اصطلاحات «locutionary act»، «illocutionary act» و «perlocutionary act» به ترتیب برابرهایی «کنش بیانی»، «کنش منظوری»

و «کنش تأثیری» را برگزیده‌اند که به‌نظر می‌رسد از همتایان دیگرشان در زبان فارسی فهم‌پذیرتر باشد.

- با آنکه در ارائه مطالب کتاب در مواردی پراکندگی، اطناب و ناهماهنگی به چشم می‌خورد، موضوع هر فصل کتاب قابل فهم است؛ به‌ویژه اینکه در موارد زیادی نویسندگان از مثال‌های خوب و متناسبی برای جااندختن مطلب بهره گرفته‌اند. در مواردی هم برای کمک به فهم مطلب از جدول، تصویر و نمودار استفاده شده است.
- برای معرفی زبان‌شناسی حقوقی به خواننده و بیان کاربردهایی که زبان‌شناسی در عرصه حقوق دارد، این اثر کتاب مفیدی است و مطالب لازم در آن آورده شده است؛ به‌ویژه با توجه به نمونه‌ها و مثال‌ها و موارد عملی بررسی پرونده‌ها که این کار را بر نمونه‌های ترجمه‌شده آن از زبانی خارجی به فارسی برتری می‌بخشد.
- آنچه در فهرست کتاب آمده است، در مطالب کتاب در بیشتر موارد دیده می‌شود. اما ایراد بزرگی که در این زمینه می‌توان بر کتاب گرفت، حجم بسیار زیادی است که به معرفی نظام قضایی ایران، مجموعه قوانین و سازمان قوه قضاییه در ایران اختصاص داده شده است (از صفحه ۶۶ تا ۱۵۴) که جدای از آنکه لزومی نداشته است که این‌همه مطلب در یک کتاب مقدماتی زبان‌شناسی حقوقی آورده شود، نبود تخصص حقوقی در نویسندگان باعث شده است که گاه سخنانی غیر علمی یا بدون احتیاط علمی را نیز در این بخش از کتاب بر قلم جاری کنند.
- این کتاب را در هر دو دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری رشته زبان‌شناسی و گرایش‌های مختلف رشته حقوق می‌توان به دانشجویان معرفی کرد و اگر در میان درس‌های اختیاری این رشته‌ها، درس زبان‌شناسی حقوقی هم وارد شود، این کتاب قابل معرفی به‌عنوان منبع اصلی یا جنبی است. علت این امر این است که اولاً این کتاب به‌عنوان یکی از معدود کارهای موجود در زمینه زبان‌شناسی حقوقی در ایران، کار قابل قبولی است و دیگر آنکه در آن از نمونه‌ها و مثال‌های بومی و داخلی خوبی بهره گرفته شده است.
- نویسندگان از کتاب‌ها، مقالات و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی موجود در ایران

به زبان فارسی به‌خوبی بهره گرفته‌اند. شمار کارهای انگلیسی که تاریخ نشر آنها پس از سال ۲۰۰۰ است هم در کتاب قابل قبول است.

- بررسی و تحلیل زبان‌شناختی چند پرونده داخلی، معرفی ویژگی‌های زبان مجرم، زبان پلیس و زبان بدن از مواردی است که در آنها، نوآوری‌های خوبی در این کتاب دیده می‌شود. به‌ویژه آنکه نویسندگان، چنین مواردی را با نمونه‌های زبانی خاصی از زبان فارسی همراه کرده‌اند و از این نظر مطالب ارائه‌شده برای خواننده بسیار قابل فهم است.

- کتاب همان‌گونه که در بالا هم اشاره شد، در مواردی دارای پراکنده‌گویی و زیاده‌گویی است و برخی از مطالب هم که اتفاقاً حجم انبوهی از کتاب را شامل می‌شود، اصلاً نیازی نبوده است که در کتاب آورده شود؛ درباره این مطالب (به‌طور خاص مطالب مربوط به نظام قضایی ایران) بهتر بود که نویسندگان، خواننده علاقه‌مند را به چند منبع شناخته‌شده در این زمینه ارجاع می‌دادند. اما در کل می‌توان گفت که مطالب کتاب دارای درصد قابل قبولی از انسجام است و بسیاری از آنها همدیگر را کامل می‌کنند.

- نه صفحه از کتاب مربوط به فهرست منابع است. می‌توان گفت امکان بهره‌گیری از منابع بیشتری در این کتاب وجود داشته است، زیرا زبان‌شناسی حقوقی از دهه ۱۹۷۰ به بعد همواره روبه‌رشد بوده است و منابع زیادی در زمینه موضوعات مربوط به آن تولید شده است که به‌نظر می‌رسد نویسندگان از آنها بهره نگرفته‌اند. برای نمونه، از راجر شای که از شناخته‌شده‌ترین پژوهشگران این عرصه است، تنها سه اثر در میان منابع کتاب دیده می‌شود. اما ایراد اساسی‌تر این است که حجم زیادی از منابع کتاب اینترنتی است که این شایسته هیچ اثر پژوهشی و علمی نیست؛ به‌ویژه اینکه بسیاری از این منابع اینترنتی هم از وبلاگ‌ها برگرفته شده است.

- در مواردی، بخش زیادی از کتاب، نقل‌شده از یک اثر است که این در یک کار پژوهشی چندان قابل پذیرش نیست. همانند آنچه درباره معرفی نظام قضایی ایران دیده می‌شود، یا حجم زیاد مطالبی که از دو کتاب جورج یول نقل شده است.

- در استنادات و ارجاعات، در مواردی پراکندگی به چشم می‌خورد و گاهی هم ادعاهایی مطرح شده است که منبع آن ذکر نشده است. برای نمونه در صفحه ۱۸۶ گفته می‌شود «در گذشته، اجتماعات زبانی را به‌طور کلی یکپارچه فرض می‌کردند» و برای چنین ادعایی، هیچ‌گونه منبعی ذکر نشده است. در فهرست پایانی منابع کتاب هم پراکندگی دیده می‌شود. برای نمونه، ساعت و تاریخ برداشتن مطالب در منابع اینترنتی کتاب ذکر نشده است.
- از این نظر هم کتاب تناسب کامل با شرایط جامعه ایران دارد و نکته منفی در آن دیده نمی‌شود.
- با توجه به آنکه چنین کتاب‌هایی می‌تواند موجب بومی‌شدن نگاه به مسایل شوند، به‌نظر می‌رسد که نه‌تنها دارای اثرات مخرب نیستند، بلکه به ریشه‌دارشدن نگاه علمی در جامعه ما هم کمک می‌کنند.
- با توجه به آنکه حوزه میان‌رشته‌ای مطالعات زبان‌شناسی و حقوق، چند دهه پیش شکل گرفته است و در زمینه زبان‌شناسی حقوقی در ایران کار چندان زیادی صورت نگرفته است، باید به ورود کتاب‌هایی چون «زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون» به بازار کتاب کشورمان با دید مثبت نگریست. به‌ویژه اینکه کشور ما، کشور چندزبانه‌ای است که استفاده از دانش زبان‌شناسی در حوزه مسایل حقوقی می‌تواند هم برای پلیس کشورمان و هم برای مسئولان قضایی بسیار سودمند واقع شود.

مقاله نویسی

عباس کسراییان و محمدرضا فخر روحانی. تهران: سمت، ۱۳۸۰. چاپ ششم، ۱۲۴ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- کتاب پیشگفتار دارد، ولی مقدمه، فهرست اصطلاحات و نمایه ندارد. در پیشگفتار به طور خیلی مختصر درباره دو بخش کتاب بدون اشاره به عناوین، توضیحی ارائه شده است. با این حال این توضیحات به عنوان مقدمه‌ای برای شروع مبحث اصلی کافی نیستند و ارائه توضیحات بیشتر درباره مفهوم مقاله نویسی، مقایسه آن با شیوه‌های پاراگراف نویسی و چگونگی طبقه‌بندی انواع شیوه‌های نگارش مقاله، می‌تواند ذهن دانشجو و خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده‌تر کند.
- عنوان (بخش اول: روش‌ها) «Part One: Method» در بالای صفحه‌ای که فصل اول شروع می‌شود نوشته شده است، در حالی که باید شروع فصل از متن متمایزتر باشد.
- قواعد عمومی نگارش و ویرایش رعایت شده است. در صفحه اول کتاب در خط دوم، سه اصطلاح تخصصی معرفی شده که برای نگارش آنها از فونت یا شیوه نگارش متفاوت استفاده نشده است، در حالی که در ادامه مطالب، اصطلاحات تخصصی ایتالیک شده است.

۲- بررسی محتوای اثر

- در این کتاب، اصطلاحات تخصصی و مباحث مرتبط با موضوع معرفی شده است، اما جامعیت لازم را ندارد. کتاب حاضر بیشتر به مباحث پاراگراف نویسی می‌پردازد و مطالب آن با موضوعات درس اصول نگارش هماهنگی بیشتری دارد.
- با توجه به شیوه ارائه مباحث و مقدماتی بودن آن به نظر می‌رسد کتاب با سرفصل‌های درس مقاله نویسی چندان متناسب نیست. هرچند مطالب مرتبط وجود دارد، باید

- به صورت جامع‌تر به آنها پرداخته می‌شد.
- ارجاع به منابع به‌طور کلی ضعیف است و بسیاری از متون بدون ذکر منبع آمده‌اند (متن‌های نمونه پس از صفحه ۴۳).
- یکی از بخش‌ها با عنوان «methods» آمده است، که کلی است و نشان‌دهنده موضوعات مطرح‌شده در آن بخش نیست.
- موضوعات مطرح‌شده در کتاب بسط داده نشده‌اند و برای دانشجویی که با این موضوع تاکنون آشنا نبوده است، سؤالات بسیاری را بی‌پاسخ می‌گذارد.
- در فصل اول که عنوان آن «Outline and Thesis» است، رابطه این دو عنوان (زیرعنوان هم در فصل نداریم) مشخص نیست. آیا این دو، بخشی از یک عنوان کلی‌تر است که نوشته نشده است؟ به عبارت دیگر ارتباط منطقی بین دو عنوان ارائه‌شده مشخص نیست.
- در فصل اول برای «thesis»، معادل دیگری ارائه نشده است. در حالی که در فصل دوم، صفحه ۴، در تعریف «unity»، معادل «main idea» برای «thesis» در پرانتز آورده شده است. بهتر است این معادل که معادلی آشناتر نیز می‌باشد، در همان فصل اول در کنار تعریف «thesis» ارائه می‌شد.
- باز هم انسجام مطالب در فصل دوم به دلیل نبود عنوان‌ها و زیرعنوان‌های کافی، کم است. مباحث مهمی چون انواع حروف ربط، بدون آنکه مورد تأکید قرار گیرند، درون مبحث دیگری عنوان شده‌اند (فصل دوم، صفحه ۴، پاراگراف آخر). در فصل دوم که به ساختار کلی مقاله می‌پردازد، مباحث تنها توضیح داده شده‌اند و نمونه‌ای ارائه نشده است. در حالی که نشان دادن بخش‌های مختلف یک پاراگراف به عنوان نمونه، به درک بهتر دانشجویان از مطالب کمک می‌کند. همان فصل دوم به نظر می‌رسد که مطالب آموزشی مرتبط با موضوع در بخش تمرین‌ها به صورت یک مقاله ارائه شده است و در ادامه به جای آنکه دانشجویان، شناسایی بخش‌های مختلف یک مقاله را تمرین کنند، باید آنچه را در آن مقاله ارائه شده است بدانند و سؤالات مربوط را پاسخ دهند! در حالی که اگر مطالب، ارزش آموزشی دارند، باید جداگانه در ابتدا با توضیحات و مثال

کافی تدریس شوند و سپس در تمرین‌ها گنجانده شوند.

- در فصل سوم نیز مشکلات فصل‌های قبلی دیده می‌شود. برای اولین بار در بند دوم به انواع متن‌های نگارشی اشاره می‌شود، باز هم بدون آنکه مورد توجه قرار گیرند یا بسط و توضیح داده شوند. در این فصل که به شیوه روایت «narrative» می‌پردازد، شیوه نگارش باز هم بدون توضیح قدم به قدم و بخش‌بندی ارائه شده است.
- تمرین‌هایی که در پایان برخی از فصل‌ها از دانشجویان خواسته شده است، با توجه به شیوه ارائه مطالب در آن فصل واقع‌بینانه نیست. به عنوان مثال، تمرین‌های فصل سوم، صفحه ۱۰.
- ارائه‌نشدن تقسیم‌بندی‌های ریزتر و طبقه‌بندی مطالب مورد بحث، در تمام فصل‌ها دیده می‌شود.
- عنوان فصل ۱۰ با سایر فصل‌ها هماهنگ نیست.
- انشا و شیوه نگارش، روان و قابل درک است.
- بهتر است به جای استفاده از اصطلاح کلی «development» در مواردی مانند «method's of development» از اصطلاح «paragraph development» استفاده شود (صفحه ۱۶، خط اول). به عبارتی محدود کردن برخی از اصطلاحات با واژه‌های توضیحی دیگر، شفافیت و درک متن را بیشتر می‌کند.
- به‌طور کلی برای نمونه‌های پاراگراف‌ها یا مقاله‌های ارائه‌شده در متن درس‌ها، بهتر است از شماره‌گذاری یا حروف استفاده شود، تا ارجاع و صحبت درباره متن حین تدریس و یادگیری، راحت‌تر انجام شود. به عنوان مثال در صفحه ۱۶، ۱۷ و ۱۸، نمونه‌هایی از بندهای مربوط به عنوان فصل آمده است، ولی با توجه به اینکه هیچ‌یک شماره‌گذاری نشده است، نقشه آغاز یا پایان یک متن مشخص نیست. آیا متن متشکل از چند بند است یا هر بند، یک نمونه است؟
- به‌طور کلی باید بخش بندهای نمونه در متن درس با سایر قسمت‌ها، با یک عنوان مشخص جدا شود. در صفحه ۴۰، عنوان بخش دوم هم باید در یک صفحه جداگانه نوشته شود.

- بهتر است عنوان متن‌های ارائه‌شده در بخش دوم نیز در فهرست ذکر شود. درعین حال بخش دوم کتاب یعنی از صفحه ۴۰ تا ۱۱۶، متن‌ها بدون هیچ گونه توضیح یا طبقه‌بندی ارائه‌شده‌اند که به این شیوه نمی‌توانند چندان برای دانشجو مفید و آموزنده باشند.
- با توجه به اینکه بیش از نیمی از کتاب به ارائه مقاله‌ها و متن‌های نمونه اختصاص داده شده است، باید چارچوب مشخص و آموزنده‌ای برای آنها در نظر گرفت. به عنوان مثال اینکه هر نمونه در کدام یک از شیوه‌های نگارش مقاله قرار می‌گیرد.
- درعین حال در بسیاری از متن‌های ارائه‌شده، نام نویسنده و مرجع متن مشخص نشده است. در مواردی هم که مشخص شده است، باز هم در منابع مرجع متن ذکر نشده است. به نظر می‌رسد صرف فهرست کردن چند متن نمی‌تواند جنبه آموزشی داشته باشد.

آزمون‌سازی زبان: از نظریه تا کاربرد

حسین فرهادی، عبدالجواد جعفرپور و پرویز بیرجندی. تهران: سمت، ۱۳۹۰. چاپ هفدهم، ۲۹۰ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- از لحاظ حروف‌نگاری، این اثر کیفیت مطلوبی داشته، صفحه‌آرایی نسبتاً مناسبی دارد. درباره صحافی نیز مشکلی مشاهده نشد. طرح جلد بسیار ساده است.
- قواعد عمومی ویرایش و نگارش به شکل نسبتاً مناسبی رعایت شده است. چند مورد بسیار جزیی عبارتند از: حرف اول اسم Wertheimer در صفحه ۲۵۲ که باید از حرف بزرگ استفاده می‌شد؛ در صفحه ۲۵۵، خط سوم از پایین صفحه، عبارت «in used» باید به صورت «is used» اصلاح شود. مورد سوم مربوط به صفحه ۲۲۴ است که در نوشتن مرجع درون متن قواعد APA درست رعایت نشده است (Alexander, 1968: 20).

۲- بررسی محتوای اثر

- از این اثر می‌توان در مقطع کارشناسی رشته‌های مترجمی و آموزش زبان انگلیسی برای درس آزمون‌سازی استفاده کرد.
- در قسمت‌های مختلف کتاب از جدول، نمودار و به‌ندرت از تصاویر برای تفهیم مطالب استفاده شده است. به‌ویژه فصل‌های ۴ و ۵ که کمک بسیاری به خوانندگان این اثر می‌کند و از این لحاظ کیفیت اثر بسیار مطلوب است. همچنین در انتهای هر فصل، تمرین‌ها و آزمون‌های مناسبی برای تثبیت مطالب آموخته‌شده قرار داده شده است. کیفیت این تمرین‌ها هم با توجه به سطح کتاب و سطح علمی دانشجویان مناسب است. از نظر بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی، این اثر به نسبت ضعیف است.
- از نقاط قوت این کتاب، جامعیت آن از لحاظ محتوا و موضوع با توجه به اهداف درس آزمون‌سازی است و تقریباً اکثر مباحث اصلی و پایه‌ای این درس در این اثر وجود دارد.
- انطباق کاملی بین محتوای اثر با عنوان و فهرست آن وجود دارد و مطالب به‌خوبی توضیح داده

شده است. همچنین مطالب با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای درس «آزمون‌سازی زبان خارجی» مطابقت کامل دارد و هیچ نقضی در این زمینه وجود ندارد.

- بارزترین نقطه ضعف این اثر، روزآمد نبودن داده‌ها و اطلاعات و منابع استفاده‌شده در آن است. جدیدترین منبع استفاده‌شده در این اثر مربوط به ۱۹۹۱ است. البته با توجه به اینکه این اثر به مقدمات و اصول درس آزمون‌سازی می‌پردازد و ماهیتی کاربردی دارد، چندان لزومی به استفاده از منابع روزآمد و جدید وجود ندارد.
- مواردی از نوآوری در این کتاب مشاهده می‌شود که مهم‌ترین آنها، تئوری «Functional Testing» است که موضوع پایان‌نامه دکتری حسین فرهادی بوده است. ایشان این تئوری را مطرح نموده‌اند. البته این موضوع مربوط به ۱۹۸۰ است.
- نظم و انسجام مطالب در کل اثر در بین فصول مختلف و همچنین درون فصول مختلف، منطقی و قابل قبول است و از این لحاظ ایرادی به این اثر وارد نیست.
- منابعی که در قسمت منابع و مآخذ انتهای کتاب ذکر شده، منابع معتبری هستند. اما مشکل این اثر این است که در آن به اندازه کافی از این منابع استفاده نشده است. در مجموع ۲۳ منبع ذکر شده که به بسیاری از آنها در متن ارجاع داده نشده است. در مجموع ۲۸۹ صفحه کتاب، تنها ۲۱ مورد در متن به منابع ارجاع داده شده است که برای یک کتاب علمی بسیار ناچیز است. به عنوان مثال در فصول ۳، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴ حتی یک مورد هم ارجاع به منابع صورت نگرفته است که بسیار عجیب است. همچنین در فصل ۱ سه مورد ارجاع، در فصل ۲ چهار مورد، فصل ۴ یک مورد، فصل ۸ دو مورد، فصل ۱۳ یک مورد، فصل ۱۵ هفت مورد و در فصل ۶ سه مورد ارجاع به منابع صورت گرفته است. از نظر منبع‌دهی علمی هم اثر بسیار ضعیف است، زیرا از مجموع ۲۱ مورد ارجاع داخل متن، ۱۵ مورد آن در انتهای کتاب در قسمت منابع وجود ندارد.
- در نقد و بررسی‌های انجام‌شده در این اثر، بی‌طرفی علمی به‌طور کامل رعایت شده است و نقاط ضعف و قوت تئوری‌ها به صورت علمی و منطقی و با ارائه مثال‌های مناسبی مطرح شده است.
- با توجه به ماهیت تخصصی اثر که درباره سنجش و اندازه‌گیری توانش زبانی و نحوه طراحی، روایی سنجی و استفاده از آزمون‌های زبان‌های خارجی است، اثر روی هم‌رفته خوب تنظیم شده است.

آمار و روش‌های پژوهش در زبان‌شناسی کاربردی

اولین هج و حسین فرهادی. تهران: رهنما، ۱۳۷۸. چاپ اول، ۲۹۰ صفحه.

۱- بررسی شکلی اثر

- در این اثر هیچ مورد اشتباه در حروف‌نگاری دیده نشده است. البته اگر اندازه قلم مورد استفاده بزرگ‌تر بود، مناسب‌تر می‌شد. صحافی و صفحه‌آرایی مناسب است. طرح جلد با توجه به تخصصی بودن کتاب نسبتاً خوب است.
- قواعد عمومی ویرایش و نگارش کاملاً رعایت شده است.
- در این کتاب، بیان صریح هدف، مقدمه کلی، فهرست مطالب تفصیلی، جدول و نمودار، خلاصه فصل، نتیجه‌گیری کلی، فهرست اعلام و فهرست موضوعی به چشم می‌خورد.

۲- بررسی محتوای اثر

- این کتاب برای درس روش تحقیق در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد گرایش‌های مختلف رشته زبان انگلیسی کاربرد دارد (به عنوان منبع اصلی برای دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی و منبع فرعی برای دانشجویان رشته مترجمی، به دلیل اینکه تا حد زیادی از مسایل مطرح در زمینه ترجمه به دور است).
- با توجه به موضوع مورد بحث، از ابزار علمی لازم متناسب با زمان نگارش اولیه کتاب استفاده شده است، اما به عنوان مثال در فصول مربوط به آمارهای مختلف (فصل‌های ۱۰-۱۶)، اشاره‌ای به نرم‌افزارهای آماری از قبیل SPSS و Liserel و... نشده است و مباحث آماری ارائه شده، متناسب با وضعیت حاضر نیست.
- برای سطح کارشناسی، نحوه بیان و استفاده از اصطلاحات تخصصی، تاحدی سنگین و ثقیل است. هرچند در اغلب موارد، گریزی از این موضوع نیست. برای سطح

- کارشناسی‌ارشد نیز می‌توان گفت روانی و رسایی اثر مطلوب است.
- با توجه به اینکه اثر حاضر بیشتر به تحقیقات کمی^۱ پرداخته است و به روش‌های تحقیق کیفی^۲ و کمی - کیفی چندان توجه نکرده است، به نظر می‌رسد این اثر چندان جامع نباشد.
 - محتوا با عنوان و فهرست کاملاً منطبق است. همچنین محتوا با سرفصل مصوب دوره‌های آموزش زبان در مقطع کارشناسی کاملاً تطابق دارد، اما در مقایسه با سرفصل دوره کارشناسی‌ارشد، گستردگی لازم را ندارد. همان‌گونه که ذکر شد، در رابطه با تحقیقات کیفی و نیز تحقیقات کمی - کیفی، این کتاب چندان مطلبی برای ارائه ندارد.
 - این اثر از زمان نگارش اولیه در ۱۹۸۱، بازبینی و اصلاح و به‌روزرسانی نشده است. بنابراین به مباحث و داده‌ها و منابع جدید ارجاع داده نشده است. به‌طور کلی در این اثر، ارجاع به منابع دیده نمی‌شود.
 - با توجه به افق مدنظر نویسندگان و نیز مقدماتی‌بودن اثر، ساختارهای علمی نو و نظریات علمی جدید و... در این اثر به چشم نمی‌خورد و اصولاً امکان طرح چنین مواردی نبوده است. در ارائه مباحث، نویسندگان از الگوهای سنتی و قدیمی و رایج استفاده کرده‌اند و خلاقیت چندانی در این زمینه دیده نمی‌شود.
 - نظم منطقی، انسجام درون‌فصلی و کلی در اثر تا حد بسیاری رعایت شده است.
 - در صفحه ۲۶۸ کتاب، ۲۲ عنوان اثر برای مطالعه بیشتر ارائه شده و منابع تنها محدود به این موارد است که با نگاهی گذرا به این منابع می‌توان به‌روشنی دریافت که اعتبار این متون در زمان نگارش مورد وثوق بوده است و در حال حاضر دیگر نمی‌توان به آنها بسنده کرد. در داخل متن، هیچ نشانی از ارجاع علمی دیده نمی‌شود و کلیه مطالب بدون ذکر مآخذ و منبع از زبان نویسندگان گزارش شده است و این نکته از نظر علمی مورد پذیرش نمی‌تواند باشد.
 - بررسی‌های انجام‌شده در این کتاب بیشتر جنبه آموزشی داشته و از نقد سوگیرانه اجتناب شده است. در مواردی، مطالعاتی به‌عنوان مثال مطرح شده، ولی از قضاوت ارزشی درباره آنها اجتناب شده و تنها جنبه آموزشی مد نظر قرار گرفته است.

1. quantitative research
2. qualitative research

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان

کلود ژرمن، ترجمه روح‌الله رحمتیان. تهران: سمت، ۱۳۸۸. چاپ اول، ۱۴۰ صفحه.

- این کتاب که در سال ۱۹۹۱ نگارش و در سال ۱۹۹۳ ویرایش مجدد شده است، به نکاتی درباره رویکرد ارتباطی اشاره دارد. در ابتدا این رویکرد را به لحاظ تاریخی - اجتماعی بررسی می‌کند و پیدایش آن را در آمریکا، بریتانیا و فرانسه توضیح می‌دهد و سپس مفاهیمی چون زبان و ارتباط و یادگیری زبان خارجی و فعالیت‌های زبان‌آموزی در کلاس درس و نیز نقدی از اصول اساسی رویکرد ارتباطی ارائه می‌شود. مقالات و کتاب‌های دیگری نیز در منابع خود از این کتاب به عنوان مرجع یاد کرده‌اند. کلود ژرمن، نویسنده کتاب، استاد دانشگاه کبک در رشته آموزش زبان است.
- عنوان کامل کتاب « Le Point Sur L'approche Communicative En Didactique Des Langues » است. کتاب از سه بخش اصلی تشکیل شده است: در بخش نخست با عنوان «نگاهی گذرا به گذشته» به رویکردهای پیش از به وجود آمدن رویکرد ارتباطی اشاره شده است. نکته‌ای که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد این است که برخلاف انتظاری که از عنوان بخش می‌رود، خیلی کوتاه به روش شنیداری - گفتاری در آمریکا و بریتانیا و فرانسه اشاره شده است، بدون آنکه سایر رویکردها و اصول و شیوه‌های تدریس در آنها توضیح داده شود. بخش اول به لحاظ تعداد صفحات و مطالب از بخش دوم کتاب که تلاش دارد رویکرد ارتباطی را توضیح دهد، بسیار کوتاه‌تر است (بیست صفحه در برابر نود صفحه) و بخش سوم با عنوان چشم‌انداز آینده، تنها شش صفحه است و به نوعی گذار از رویکرد ارتباطی را توضیح می‌دهد.
- برای نشان دادن تاریخچه نظریه‌های مطرح در آموزش زبان و آنچه پیش از نظریه ارتباطی مورد بحث بوده است، بهتر بود که روش‌ها و اصول نظریه‌ها به طور مختصر

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان ۱۳۱

توضیح داده می‌شد و سپس مشکلات کاربردی ارائه می‌گردید. به‌طور کلی چارچوب ارائه مطالب می‌توانست بهتر باشد (ص ۱۰ ترجمه).

- در صفحه ۱۱ به بررسی‌هایی درباره برتری روش شنیداری - گفتاری نسبت به روش سنتی دستور - ترجمه اشاره شده است، اما درباره شیوه بررسی توضیحی ارائه نشده است و فقط در پایان نتیجه‌گیری شده است که هیچ کدام موفق نبوده است. به‌طور کلی نویسنده در ابتدا به مشکلات کاربردی روش اشاره کرده است و سپس به مشکلات نظری. مطالب ارائه شده در این دو بخش به گونه‌ای است که اگر جای آنها بالعکس می‌شد، در درک مطالب کمک بیشتری می‌کرد.
- شیوه ارائه مطالب به گونه‌ای است که خواننده حتماً باید درباره موضوع پیش‌زمینه داشته باشد. به عبارتی مباحث با دقت و جزئیاتی که لازمه یک کتاب آموزشی است، معرفی نشده‌اند.
- در صفحه ۱۳، به اشکالات و نقدهای نظریه چامسکی و رفتارگرا اشاره شده است، بدون آنکه این دو نظریه و اصولشان توضیح داده شود.
- روش موقعیتی در صفحه ۱۶ و کتاب آموزشی شنیداری - دیداری صدا و سیمای فرانسه در صفحه ۱۸ نام برده شده‌اند، اما توضیح بیشتری در این مورد ارائه نشده است. مطالب بیشتر شبیه به گزارشی از تعداد دفعات چاپ این کتاب‌ها و کارآمد بودن یا نبودن آنهاست. گویی پیش‌فرض شده است که خواننده اطلاعاتی در این باره داشته است.
- در صفحه ۳۰ معرفی نقش‌های زبان به عقیده هالیدی به هفت مورد اشاره شده است. برای موارد ۴ تا ۷، مثال ارائه نشده است، در صورتی که مبحث مهمی است و پرداختن به آن ضروری است.
- در صفحه ۳۴، شیوه ارجاع با شیوه مرسوم فرق دارد. به این ترتیب که تنها در داخل پراکنش شماره صفحه ذکر شده است، در حالی که در چنین مواردی (همان: شماره صفحه) مرسوم است. همین امر در صفحه ۳۹ و... نیز دیده می‌شود.
- در کل کتاب برای تقسیم‌بندی زیرعنوان‌ها از الف، ب و... استفاده شده است. این

موضوع باعث شده است که تقسیم‌بندی‌های ریزتر بعدی با استفاده از اعداد صورت گیرد و در تقسیم‌بندی‌های ریزتر از اعداد، دوباره از حروف الفبا استفاده شود. به نظر می‌رسد این امر انسجام مطالب را کم‌رنگ می‌کند.

- انسجام مطالب کم است و گذر از یک مبحث به موضوع دیگر به شیوه‌ای رسا و لحاظ ساختاری قابل درک صورت نگرفته است. به عنوان مثال در صفحه ۴۱ و ۴۲ با عنوان الف) انتخاب محتوا، به محتوای کتاب‌ها در نظریه‌های پیشین اشاره شده است (که البته از عنوان آن مشخص نیست) و ارتباط این مطلب با عنوان شماره ۱. «نیازهای زبانی» در صفحه ۴۳ (که از ملاک‌های انتخاب محتواست) به خوبی نشان داده نشده است. به عنوان مثال در ابتدا نمی‌دانیم آیا عنوان «۱. نیازهای زبانی» درباره همه نظریه‌هاست یا فقط به نظریه ارتباطی مربوط است.
- باز هم گنگ بودن مطالب در تمام بخش‌ها به چشم می‌خورد. برنامه زبانی ارائه شده در صفحه ۴۵ و ۴۶ از ویلکینز و سالیم‌بن بسیار مبهم است. توضیحات کافی نیست و چندان جنبه آموزشی ندارد. به طور کلی توضیحات برنامه درسی ارتباطی در صفحات یادشده بسیار گذرا مطرح شده است و انسجام مطالب در حد یک گزارش است و نه یک کتاب آموزشی.
- به طور کلی درباره ساختار و چارچوب ارائه مطالب، بهتر بود که در هر فصل ابتدا توضیحاتی با عنوان مقدمه ارائه می‌شد و تصویری کلی از مطالب فصل داده می‌شد.
- در کل کتاب، اسامی و نظریه‌های افراد زیادی حتی برای مباحث نه چندان ضروری ارائه شده است و مورد استناد قرار گرفته است که موجب پیچیده شدن مطالب شده است.
- به طور کلی انتخاب عنوان‌ها برای فصل‌ها و زیرعنوان‌ها و... نشان‌دهنده محتوای فصل نیست. به عنوان مثال، عنوان فصل چهارم، «مفهوم یادگیری» است و زیرعنوان‌های اصلی: الف) رابطه بین زبان اول و زبان خارجی، ب) روان‌شناسی شناختی، پ) ترتیب و آهنگ فراگیری و ت) روان‌شناسی اجتماعی ژنتیکی است. با توجه به اینکه در روان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی اجتماعی - ژنتیکی به تعریف یادگیری در این دو رویکرد اشاره شده است، رابطه بین الف و ب با سایر مطالب روشن نیست.

مواردی درباره ترجمه

- معادل انگلیسی همه اسامی پانویست نشده است. به عنوان مثال صفحه ۱۹، خط آخر پاراگراف دوم، «مواران» و خط چهارم «بس».
- در مواردی، فاصله و نیم فاصله رعایت نشده است. مانند صفحه ۲۸، خط ششم، بین می و کند و نقش و گرا باید نیم فاصله باشد. در صفحه ۲۹، خط سوم، بین می و کند فاصله است. در کل به این نکات، توجه زیادی شده است و تعداد موارد رعایت نشده کم است.
- برخی از واژه‌های تخصصی که در مبحث مورد نظر اهمیت دارد، پانویست نشده است. مانند صفحه ۲۹ که هفت نقش زبان معرفی شده و معادل فرانسه یا انگلیسی آنها ارائه نشده است. همچنین در صفحه ۳۸ و ۳۹ (که به انواع توانش و مؤلفه‌های برقراری ارتباط اشاره شده است و بیشتر جنبه آموزشی دارد)، معادل اصطلاحات تخصصی ارائه نشده است.
- در ترجمه عناوینی که با حروف الفبا مشخص شده است، ساختار نحوی یکسان به کار نرفته است و انسجام مطالب کم شده است:
 - ✓ الف) توانش برقرار ارتباط از نظر هایمز
 - ✓ ب) زبان‌شناسی نقش گرا و اجتماعی هالیدی
 - ✓ ویدوسون: کاربرد دستوری و استعمال دستور در موقعیت؛ انسجام دستوری و انسجام معنایی
 - ✓ توانش برقراری ارتباط به عقیده کانال و سوین.
- همچنین در صفحه ۴۷، رابطه عنوان و زیرعنوان‌ها کمی مبهم است و نیاز به بازنگری دارد.
- در کل ترجمه کتاب حاضر به پژوهشگران حوزه آموزش زبان کمک می‌کند.

فهرست داوران

استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان	احمدی صفا، محمد
پژوهشگر حوزه تاریخ	احمدی، مهدی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	احمدی، میریلا
پژوهشگر حوزه روان‌شناسی کودکان استثنایی	اسدپور، ساسان
استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه	امینی، رضا
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد	ایزائلو، حسن
پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات	ایمانی، محمود
پژوهشگر حوزه مطالعات ریاضی	بخشعلی‌زاده، شهرناز
استادیار دانشگاه تهران	بیات، علی
پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات	توکل‌ی شاندیز، ابوالفضل
استادیار دانشگاه تهران	حامدی، گلناز
استادیار دانشگاه شهید بهشتی	خدایی، نرجس
استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	خیرآبادی، رضا
پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات اردو	رجایی‌زاده، صدیقه‌السادات
استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	رستم‌بیک تفرشی، آتوسا
استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	رمضانی، احمد
استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش	سلسیلی، نادر
مربی دانشگاه الزهراء، دانشجوی دکتری دانشگاه	صادقی سهل‌آباد، زینب
استادیار دانشگاه تربیت مدرس	تربیت مدرس صفا، پریش
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی	عباسی، علی
استاد دانشگاه تهران	غلامی، حسین

۱۳۶ نقدنامه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی (۵)

استادیار دانشگاه قم	فخر روحانی، محمدرضا
استادیار دانشگاه الزهرا	قطره، فریبا
استاد دانشگاه تهران	کریمی مطهر، جان‌اله
مربی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	متقیانی، رضا
پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات	محمدی، حسین
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	محمدی، محمدرضا
استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان	محمودی، محمدهادی
استادیار دانشگاه علامه طباطبائی	مدرسی قوامی، گلناز
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد	مصطفوی، حسینعلی
استادیار دانشگاه مازندران	معمدنی، معصومه
استادیار سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی	نویخت، محسن

فهرست کتب نقد شده

- بابازاده، جمیله. (۱۳۸۸). *اصطلاحات و تعبیرات زبان روسی*. تهران: سمت.
- تراس، ویکتور. (۱۳۸۴). *تاریخ ادبیات روس، ترجمه علی بهبهانی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفرزاده، مهدی، و میرمیران، مجید. (۱۳۸۹). *انگلیسی برای دانشجویان رشته ریاضی*. تهران: سمت.
- چوهدری، شاهد. (۱۳۸۲). *دستور کامل و آموزش زبان اردو برای فارسی‌زبانان*. قم: موسسه فرهنگی اکو.
- درخشان مقدم، پریسا. (۱۳۷۷). *تاریخ ادبیات آلمان، تهران: فرهنگسرا (یساولی)*.
- دیهم، گیتی. (۱۳۸۹). *زبان‌شناسی فرانسه*. تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- رودی، فائزه. (۱۳۸۹). *روایت فلسفی روایت، زیر نظر فرزانه سجودی*. تهران: نشر علم.
- زهرائی، سید حسین، یوریونا سیدورووا، مارینا. (۱۳۹۰). *حالت در زبان روسی، قواعد و کاربرد*. تهران: سمت و دانشکده فیلولوژی دانشگاه دولتی مسکو.
- ژرمن، کلود. (۱۳۸۸). *رویکرد ارتباطی در آموزش زبان، ترجمه روح‌الله رحمتیان*. تهران: سمت.
- ژولین گرمس، آلژیرداس. (۱۳۸۹). *نقصان معنا، ترجمه حمیدرضا شعیری*. تهران: نشر علم.
- سالار منافی، سالار. (۱۳۹۱). *بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی*. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۹). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت.
- عزیزی، سیروس، و مؤمنی، نگار. (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فرسادمنش، صفرعلی، و یژووا، لودمیلا. (۱۳۸۴). *فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- فرهادی، حسین، جعفرپور، عبدالجواد، و بیرجندی، پرویز. (۱۳۹۰). *آزمون‌سازی زبان: از نظریه تا کاربرد*. تهران: سمت.
- کریمی مطهر، جان‌اله، و یحیی‌پور، مرضیه. (۱۳۹۰). *الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.

۱۳۸ نقدنامه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی (۵)

- کسرائیان، عباس، و فخر روحانی، محمدرضا. (۱۳۸۰). مقاله‌نویسی. تهران: سمت.
- کمری، برنارد، متیوس، استفان، و پولینسکی، ماریا. (۱۳۸۷). *اطلس زبان‌ها*، ترجمهٔ ارسلان گلفام و اکبر حسابی. تهران: سمت.
- لسانی، حسین، کوهسار. (۱۳۸۲). *آموزش نوین زبان روسی*. تهران: کوهسار.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۶). *از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری*. تهران: چاپار.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی. تهران: سمت.
- مهرمحمدی، محمود، کیانی، غلامرضا، و خضری‌نژاد، مریم. (۱۳۸۲). *انگلیسی برای دانشجویان برنامه‌ریزی درسی*. تهران: سمت.
- هارتاس، دیمیترا. (۱۳۹۱). مشکلات زبانی و ارتباطی: راهنمایی برای معلمان، ترجمهٔ احمد رمضانی و آتوسا رستم‌بیک. تهران: انتشارات مدرسه.
- هچ، اولین، و فرهادی، حسین. (۱۳۷۸). *آمار و روش‌های پژوهش در زبان‌شناسی کاربردی*. تهران: رهنما.
- ولی‌پور، علیرضا. (۱۳۹۰). *دستور کاربردی زبان روسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ویکتوروویچ ساگرین، ولادیمیر. (۱۳۸۹). *تاریخ سیاسی روسیه معاصر*، ترجمهٔ علیرضا ولی‌پور و مهناز رهبری. تهران: سمت.
- یحیی‌پور، مرضیه. (۱۳۸۷). *اصول و روش نامه‌نگاری به زبان روسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- یحیی‌پور، مرضیه، و صادقی سهل‌آباد، زینب. (۱۳۹۰). *میخائیل لرمانتف و مشرق‌زمین*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۱). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمهٔ هادی جلیلی. تهران: نی.